
ژوندون



افغا نستا ن د خلك دموكراتيك‌گوند دمر كزى كميتى عمومى‌منشى
افغا نستا ن دد مو كرا تيـك‌جمهو ر يت دا نقلا بى شو را رئيس
كارمل دكا بل په وخت دقوس‌په٢٥ نيټه د كر يملين پـه مـا ئى
د خا صو مرا سمو د شورروى‌اتحاد د كمو نست گو ند د مر كزى
ى د عمومى منشى او د عالى‌شورا د ر ئـيسه هيـأت د صدر-
نيد ايليچ بريژ نف پر سينـه‌باندى دآزادى لمر نښان و ځړاوه.

نه ورو سته دافغا نستا ن د خلـك ديمو كرا تيك گو ند د مر كـزى كميتي د عمو مى منشى او دانقلابى شو را درئيس ببرك كارمل په پرا- نيستو نكى و ينا سر ه دانقلا بـى شورا په مقر كـى جـوړ شو اود گوندى موضو عگانو په باب‌يـولړ لازم تصميمونه ونيول شول .

* * *

از طر ف ببرك كارمل منشـــى عمومى كميته مر كزى حزب د مو - كرا تيك خلق افغانستان و ر ئيس شو راى انقلا بى جمهورى د مو - كرا تيك افغا نستا ن تيلگرا م‌تبر- يكيه به مناسبت روز آزادى فنلند عنوانى ممو گو ستو كفيل رياست جمهو رى [illegible] هلسنكـــى مخابره شد.



* * *

هيات رئيسه شوراى انقلابى تحت ريا ست ببرك كارمل منشى عمومى كميته مر كزى حزب د مو- كرا تيك خلق افغا نستا ن و رئيس شوراى انقلا بى جمهو ر ى دمو - كرا تيك افغا نستا ن روز ١٩قوس تشكيل جلسه دا د .

* * *

از طر ف ببرك كارمل منـ
عمومى كميته مر كزى حـ
دموكراتيك خلق افغانستان
شو راى انقلا بى جمهورى د
كرا تيك افغانستا ن تيلگرا
يكيه بمناسبت انتخا ب هـ
سا مرين‌بحيث منشى عمومى
مركزى حزب انقلابى مرد م
چياورئيس جمهور جمهو ر
مردم‌كمپو چيا عنوا نى مو ص
پنوم پن مخابره گرديده است

* * *

ببرك كارمل منشى عمو مى
مر كزى حزب دمو كراتيك
افغانستان ورئيس شوراى ا
جمهورى د مو كرا تيك افغا
بنا بد عو ت تودور ژيفكو ف
عمومى كميته مر كزى‌حزب‌كم
بلغاريا و رئيس شورا ى دو
جمهوريت مردم بلغاريا قبل ا
٢٤ قو س در راس يك هيا
لير تبه حز بى و دو لتى ج
دمو كراتيك افغا نستا ن برا
مسا فر ت رسمى و دو ستا
عا زم صو فيه گرديد ند .

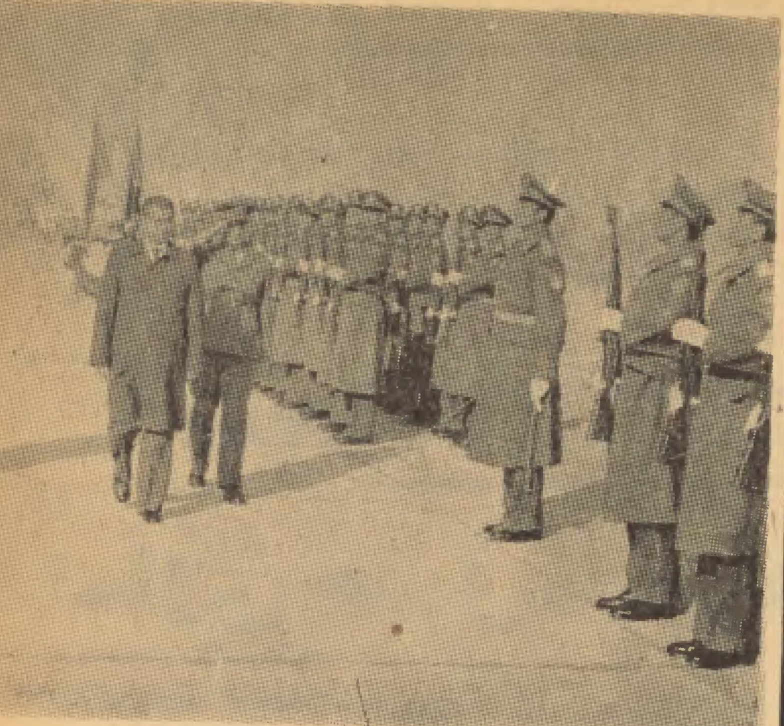
* * *

# اختصار وقايع مهم

افغانستا ن د خلك ديمو كراتيك
د دمر كزى كميتى او وم‌پلينو م
١٢ دقوس په ١٤نيټه له غرمى







عمومی‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا هنگـام‌مسافرت شان به کشور دوست بلغاریا درمیدان هوایی بین المللی کـابل .

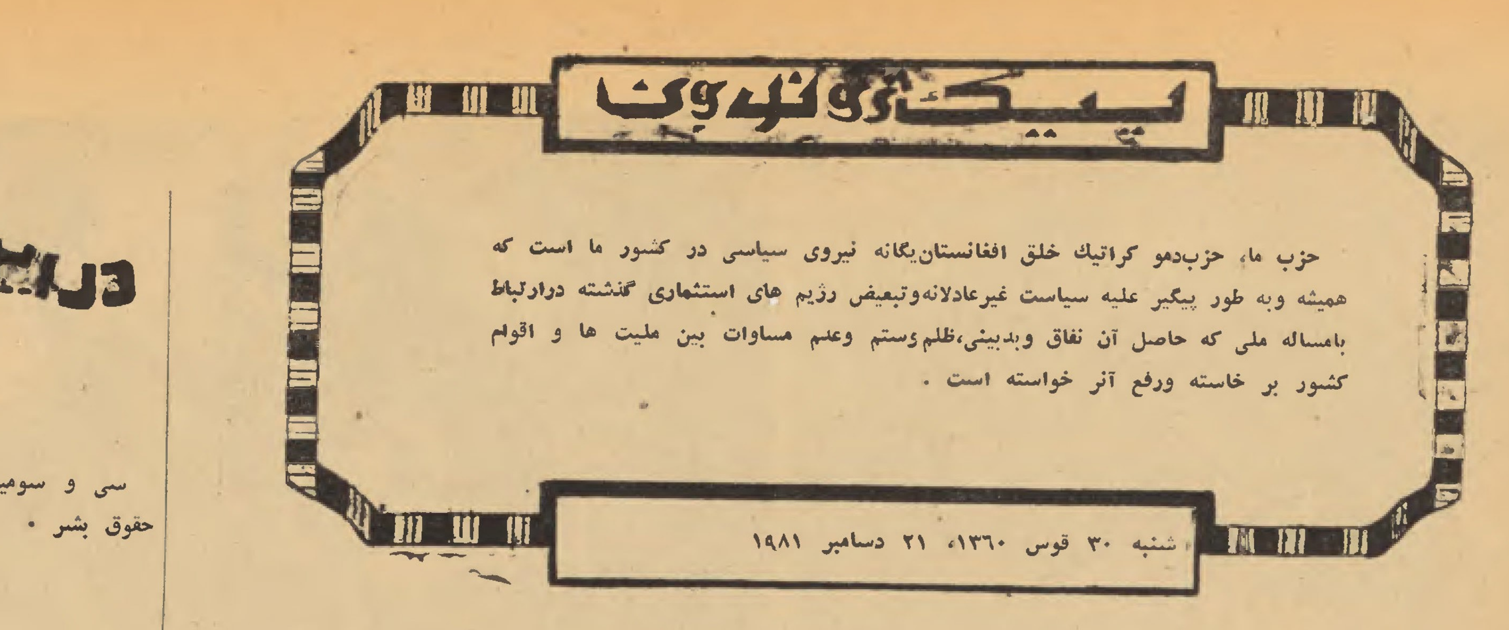
نشی عمومی کمیته
مو کراتیك خلــق
یس شو را ی‌انقلابی
کرا تیك افغا نستان
ف منشی عمومــی
حزب کمو نســت
ی دو لــتی جمهوزی

مردم بلغاریا سا عت ده قبل ازظهر ۲٦ قو س مذا کرا ت رسمـــــی و دو ستانه شا ن را در قصـــر بو یو نا در صو فیه آغازکردند.

* * *

سلطا نعلی کشتمند عـضو بیروی سیا سی کمیته مر کـــز ی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان ورئیس شورای وزیرا ن جمهو ر ی دمو کرا تیك افغانستان روز۲۲قوس بوطن باز گشت و در میدا ن هوایی بین المللی کا بل از طر ف عـــدهٔ از اعضا ی بیروی سیا سی عـــده از منشیا ن واعضای کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان معاو نین هیئت رئیسه شو را ی انقلا بی معاو نین و اعضا ی شورای وزیرا ن جمهوری دمو کرا تیـــك افغانستا ن وعده از مامو رین عا ـ لیر تبه مستشار وزیرمختارواعضای سفارت کبرا ی اتحاد شو رو ی‌مقیم کا بل استقبا ل گردید .






حزب ما، حزب‌دمو کراتیك خلق افغانستان‌یگانه نیروی سیاسی در کشور ما است که همیشه وبه طور پیگیر علیه سیاست غیرعادلانه‌وتبعیض رژیم های استثماری گذشته درارتباط بامساله ملی که حاصل آن نفاق وبدبینی،ظلم‌وستم وعدم مساوات بین ملیت ها و اقوام کشور بر خاسته ورفع آنر خواسته است .

شنبه ۳۰ قوس ۱۳۶۰، ۲۱ دسامبر ۱۹۸۱

# تساوی حقوق ملیت‌هاوحل مساله‌ملی

۲۸ قوس شاهد رویدادعظیم تاریخی دیگری در کشور بودیم که عبارت از بر گزاری هفتمین پلینوم‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا میباشد درنتیجه این پلینوم مصوبه یی به تصویب رسید که منجملهٔ سایر امور مبرم حزبی ودولتی ، تساوی حقوق تمام ملیت ها واقلیت های ملی ساکن کشور بیان گردیده و راه های حل اساسی مسایل ملی در زمینه های سیاسی ـ اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی نشان داده شده است .

خلقهای زحمتکش ، اقوام و قبایل وملیت های ساکن کشور محبوب‌ماافغا نستان انقلابی که در تحت رژیم های غیر مردمی واستثماری گذشته مورد ظلم‌واستبداد واستثمار بیرحمانه طبقات استثمارگر جامعه و قدرت های حاکم وابسته به سیستم مسلط فیودالی قرار میگرفتند نه تنهاازحقوق انسانی خود درزمینه های سیاسی ـاقتصادی ـ اجتماعی‌و فرهنگی بطور یکسان بر خوردار نبودند ومخصوصا اقلیت های ملی کشور ما که از همه امتیازات سیاسی ـاجتماعی وکلتوری محروم وبی‌بهره بودند همچنان این اختلاف و تمایز و تبعیض دربین آنها از طرف دولت های ارتجاعی وقت دامن زده می‌شد تا حکومات جبار واستبدادی بتوانند از طریق ایجاد تفرقه انگلیس مابانه و پراگند گی و حاد ساختن تضاد های ملی در بین مردمان شریف و زحمتکش ما یعنی در بین اقوام و ملیت های برادر ساکن میهن

اصل عمده واساسی که اعمار یك جامعه‌نوین وشگوفان‌درافغانستان بدون‌اشتراك وسهمگیری فعال تمام اقوام و قبایل ونیرو ها و اقشار ملی ووطنپرست کاری است دشوار برای نخستین بار در تاریخ کشور ما دست به ابتکار عظیم انقلابی زد و با جمع کردن این نیرو های ملی ووطنپرست در جبههٔ ملی پدروطن زمینهٔ وحدت و اتحاد واقعی همه اقوام و ملیت های زحمتکش کشور ما را فراهم ساخت همزمان با رشد وتکامل انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور حزب ودولت انقلابی مادرجهت وحدت هر چه بیشتر مردم زحمتکش کشور گام های استوار وثمر بخش بر داشته وبطور پیگیر علیه سیاست غیر عادلانه و تبعیض رژیم های استثماری گذشته که حاصل آن نفاق وبدبینی ، ظلم‌و ستم وعدم مساوات بین ملیت ها واقوام‌کشور بود به مبارزه وپیکار انقلابی خودادامه‌میدهد. باید اذعان داشت که به برکت پیروزی انقلاب ثور و مخصوصا مرحلهٔ تکاملی‌آن‌برای نخستین بار در تاریخ کشور تساوی واقعی حقوق سیاسی تمام‌ملیت‌هاواقوام کشور رسما اعلام گردید در مصوبهٔ هفتمین پلینوم کمته مرکزی ح.د.خ.ا که بتاریخ ۲۸ وس دایر گردید منجمله چنین تذکر رفته است که :

درعرصهٔ سیاسی حزب‌وحکومت‌مصمم‌اندمشی خودر ادر جهت افزایش فعالیت سیاسی‌و اجتماعی تمام ملیت ها بدون استثنا در جهت تامین وتوسعه نمایندگی آنان در ارگه های

تعداد لازم کرسی ها در ارگان ها وسازمان هی دولتی واجتماعی متعلق به نمایندگان همان ملیت یا قوم خواهد بود .

همچنان در مصوبهٔ مذکور توضیح گردیده است که در شرایط‌لازم تشکیل اداری کشور بر اساس ملیت ها واقوام ساکن‌وبه منظور حل بنیادی مساله ملی تجدید نظر اساسی بعمل خواهد آمد .

به همین قسم درساحهٔ اقتصادی حزب و حکومت توجه خودرا به رشد سریع مناطق زیست آن ملیت ها واقوامی معطوف خواهد ساخت که در وضع کنونی از لحاظ اقتصادی کمترین رشد یافته اند .

سیاست حزب و دولت انقلابی مادر جهت رشد وشگوفایی فرهنگ وکلتور ملیت های کشور ما واقعا عالی وستودنی است چنانچه به همه ملیت ها حق آموزش بزبان مادری‌بر اساس انتخاب آزادانه داده می شود . حزب ودولت تمام تدابیر لازم رادر جهت رشدزبان هاو لهجه های ملیت ها واقوام افغا نستان برای حفظ رسم الخط ، تاریخ و فرهنگ‌آنان نزدیکی و همکاری تمام ملیت هاواقوام بمنظور رشد همه جانبهٔ آنان اتخاذ می‌نماید .

بادر نظر داشت آنچه که گفته آمد چنین استنباط بدست آمده می‌تواند که بدون‌وحدت ویکپارچگی واشتراك وسهمگیری همه جانبه تمام اقوام و قبایل‌ونیرو های ملی ووطنپرست کشور در جهت اعماریك‌جامعهٔ نوین ، شگوفان وسعادتمند نمی توان بسر منزل مقصود رسید

در ایستان...

* *

سی و سومین سالروز ...
حقوق بشر .

* *

گردهم آیی های اختص...
میز گرد .

* *

بحرونه دلږی د ژروتونو...

* *

دستها تارها و بازیها

* *

اشعه لایزر وسابقه اس...
وتداوی امراض

* *

نگاهی به تاریخ‌چندسال...
گرانه نژاد پرستان و حا...
افریقا

* *

یادی از تاسیس حزب

* *

آیاداستان های عجیب

برای کودکان میتوان پیش...

* *

ت

# سی و
# و مین
# الروز
# لامیه
# جهانی
# حقوق
# بشر

دردهم دسامبر سال ۱۹۴۸ رویداد بزرگی در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه عظیم بشری بوقوع پیوست‌که سالگرد ش همه‌ساله از طرف نیروهای صلح دوست وترقی خواه جهان باشکو همندی خاصی تجلیل‌میگردد این رویداد بزرگ عبارتست از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که در ختم جنگ خانمان سوز دوم جهانی به جهانیان اعلام گردید ۰

درست یکصدو نود وسه سال قبل ازامروز یعنی در دورانی که بورژوازی تازه بپاخاسته فرانسه از میان مناسبات فرسوده فیودالی وقرون وسطی یی قامت کشیده بودو همزمان با پیروزی انقلاب کبیر فرانسه درسال ۱۷۸۹ حاکمیت سیاسی رابه کف در آورد ادر مجمع ملی فرانسه اعلامیهٔحقوق بشرازطرف‌نیروهای انقلابی وقت بپاس احترام وارجگذاری بمقام والای انسان وانسانیت وبخاطر تامین زندگی آزاد ، آباد و سر بلند کتله های جامعهٔبشری اعلامیه حقوق بشر تصویب و اعلام گردید ۰ مگربورژوازی بدان جهت لبرالیستی بخشیده از آن باشعار «بگذار هر چه می‌خواهم بکنم» استفاده برده زنده گی ملیون ها انسان محنت کش روی جهان را فدای آرزو های شوم و حریصانه خود ساخت ۰

همپای ختم جنگ جهانی دوم که از جانب مدافعین سرمایه و فاشیزم ه تلری دامن زده میشد موضوع احقاق حقوق بشر برای بار دوم ادرسال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی تائید و تصویب گردید که از آن روز تا کنون سی‌و سه سال می گذرد ۰

آری ! در جهان مادر آن عده ازکشور هایی که‌از نظام های مترقی‌و دمو کراتیك برخوردار اند بر اساسات منشور ملل متحد و بخصوص اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ارج بی پایان گذارده میشود ودر اینگونه کشور ها بر ضد هرگونه تبعیض ، اپارتاید ، تبعیض نژادی، استعمار و استثمار مبارزه پیگیر صورت می‌پذیرد وگام های استواری در جهت تحقق هر چه بیشتر اعلامیه حقوق بشر بر داشته میشود ، ولی با کمال تاسف باید گفت که هستند کشور هاو مللی که تا هنوز هم از مزایای اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بی بهره مانده اندو ملیون ها انسان اینگونه جوامع بجرم سیاهی و یاسرخی پوست ورنگ خویش درایالات متحده امریکا ، افریقای جنوبی و

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغا- نستان در پیام ارزشمندو انقلابی شان که‌به مناسبت سی‌و سومین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ایراد فرموده اند چنین اظهار داشتند ۰

«اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر که درده دسامبر سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید در نتیجه تلاش های پیگیر و همه جانبهٔنیروهای صلح دوست ومترقی جهان که در مبارزه علیه فاشیزم هتلری رزمیده اند طرح و تصویب گردیده است ۰ تصویب‌این‌اعلامیهٔ جامعهٔ بین المللی رامکلف به حمایت از حقوق بشری و کرامت انسانی گردانیده واشعار می دارد که نگذار توده های بشری‌ازاین امتیازات محروم ساخته شوند ۰

در نهایت تاسف باید اظهار کرد با وصف اینکه امروز سی وسه سال از اعلامیهٔجهانی حقوق بشر می گذرد هنوز هم تخلفات صریح از حقوق حقهٔ خلق هاو ملل جهان در اثر فعالیت های ضدصلح نیرو های امپریالیزم صورت می‌پذیرد و حتی بعضی از کشورهای غربی این سندمهم‌جهانی راتصویب نکرده‌اند، دولتهای ارتجاعی با تعقیب سیاست های آپارتاید ، تبعیض نژادی، استعمار ، استعمار نوین صهیونیستی و دیکتاتوری ، ظلم و استبداد بی پایانی را برتوده های بیشماری از انسان های شریف افریقا،آسیا وامریکای لاتین روامی‌دارند ۰

دولت های سرمایه داری توده های عظیمی از کار ران و دهقانان را دربند سیاست های سود جویانه محافل حاکم وانحصارات عمده سرمایه داری کشانیده و آن ها را موردبهره کشی قرار می‌دهند ۰»

امپریالیزم جهانخوار امریکا و همدستان ارتجاعی و هژمونیستی آن همیشه ودر طول

زحمتکشان کشور» که انعکاس اصولی حقوق بشر در مرام آن بو ضاحت نمایان گردیده است از همان آوان تاسیس خویش تاکنون علیه انواع ستم های ملی واجتماعی دلیرانه رزمیده استو این مبارزه عادلانه را تاسرحد پیروزی نهایی ادامه خواهد بخشید ۰

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که قدرت سیاسی در کشور عزیز مابه خلق زحمتکش وبه نماینده‌گی از آن به حزب دمو- کراتیك خلق افغا نستان «پیش آهنگ طبقه کارگروتمام‌زحمتکشان‌کشور» «انتقال‌یافت‌برای تامین حقوق بشر وآزادی های دمو کراتیك مردم کشور اقدامات بزرگی صورت پذیرفته است ۰ اصول اساسی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی موقت کشور مارا دارا می‌باشد بدین موضوع تاکید جدی می‌ورزد ، چنانچه در ماده شانزد هم اصول اساسی دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان‌در اینمورد چنین می‌خوانیم :

«جمهوری دمو کراتیك افغا نستان منشور سازمان ملل متحد واصول قبول شدهٔ عمومی حقوق بین المللی را احترام ورعایت کرده از فعالیت های سازمان ملل متحد مبنی بر- تحکیم صلح وانکشاف همکاری های بین‌المللی پشتیبانی می‌کند ۰»

آری ! در شرایط کنونی که کشور وجامعه مادر مقابل یك جنگ اعلام ناشده ارتجاعی هژمونیستی و امپریالیستی قرار گرفته‌است وارتجاع و امپریالیزم با فرستادن عناصر اجیر شده از ماورای سر حدات کشور ما بابشتاره هایی از مرمی و باروت فضای آرام وصلح آمیز زندگی مردم ما را برهم می‌زنند، مردم آزاده مادلیرانه وبس دلیرانه به دفع وطر د تجاوزات ومداخلات ارتجاعی وامپریالیستی می‌پردازند ، سنگر های دشمن رایکی بعد دیگر در هم می‌شکنند و آخرین بقایای ضد انقلاب رااز سر زمین محبوب پدر وطن خویش محو و نابود می‌سازند ۰

مردم آزاده ماهما نگونه که در مبارزات بر حق و عادلانه خویش از حمایت نیروهای صلح دوست و مترقی جهان بر خورداراند همبستگی خودرا با تمام خلقهای تحت ست جهان چون زحمتکشان فلسطین ،نامیبیا ، السلوادور و دیگر مردمان تحت ستم جهان ابراز داشته موفقیت ایشان رادر مبارزات

# گردهم آیی های اختصاصی ژوندو

# مسایل: سیاسی، اجتماعی وخانواد

# وفرهنگ وهنر

# دربوتهٔ نقد وانتقاد

طرح وتنظیم : رووف راصع

حکم : راحله راسخ خرمی

درین جدل :

۱ـ سمونوال احمد علی احمدیار رئیس ترافیک .

۲ـ سمونمل عبدالبصیر شهپر معاون ریاست ترافیک .

۳ـ سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیك شهر کابل .

٤ـ محرم علی معاون بناروالی کابل .

٥ـ سمونمل عبدالباقی آمر پلان ریاست ترافیک .

٦ـ غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام های ملی بس .

۷ـ احمد غوث زلمی ژورنالست .

شرکت داشتند .

رووف راصع :

همانگونه که در آغاز یادآوری کردم قانون

هم برای عابر پیاده داشته باشیم که وی را

مشمول ا صل جزایی سازد ، چنانکه درموردی

رئیس ترافیك :

بلی ، مادر قانون جدید ترافیك فصل جزایی داریم که انواع جزارا نظر به نوع جرم برای شخص مجرم تعیین میکند وبهمین ترتیب و قتی حادثه ترافیکی‌یی ا تفاق‌می‌افتد اعضای بر رسی ما از نظر فنی محل حادثه را به مطالعه می گیرند ومجرم‌را به شناسایی می آورند ، در هر حادثه فقط شخص مجرم تنبیه می گردد خواه راننده‌باشد ویا عابر پیاده .

راصع :

یکی از مسایلی که مشکلاتی را در کار ترافیك په وجود می‌آورد ، عدم‌روحیه‌ی همکاری میان ادارات و ار گان هایی ا ست که به نحوی باترافیك جاده سرو کار دارند مانند ر یاست سا ختمانی شاروالی و یاشعب راه سازی‌وزارت فواید عامه و مانند آن .

مسئله این است که آیا این ادارات در برابرترافیك مکلفیت های قانونی دا رند. که در صورت تخلف از آن موارد جزایی نیز برای‌آن در نظر گرفته شده باشد و یا خیر؟

رئیس ترافیك :

در فصل هفتم قانون ترافیك به‌تمام‌ادارات

ومراقبت سرکها موظف اند ،

۱ـ سطح جاده ها ، پیاده

ترافیکی را ، پاك ، فعال و

ومرور آزاد نگهدارند .

۲ـ محلات برفگیر را از بر

جلوگیری از برف کوچ و سنـ

خطرناك جاده را با سا ختمان

محفوظ نگهدا رند .

۳ـ در صورت یخبندی سطـ

منظور جلو گیری از تصاد مـ

مواقع‌لازم به ریگ اندازی یا

اقدام به عمل آ رند .

٤ـ در صورت تر میم واعـ

سرك های فرعی ، تاسیسات

منظور جریان ترافیك به کار

٥ـ در جا هاییکه ایستگاه

می‌گردد ، جاده را به کنار ر

وسیع سازند .

٦ـ و سایط وو سایل غیر

جاده دور سا خته ، کندگی ها

ومواضع خطر ناك را به مو قـ

وقابل شنا خت بسازد . »

همچنین ماده سی و نهم

دارای این احکام است :

**...صع :**

...ست که در قوا نین و ...دی که بر اساس آن ...ن ار گان ها وسازمان ...ط یابد، در نظر گرفته ... این‌است که تاکنون ...ی یا اصلا وجود ندارد ...جود دارد، به اجازه ... زمینه شیوه کار ...شهری به و سیله ... و بالاخص در مورد ...ه ترا فیك جاده ارائه

...شار والی کا بل ...رات قانون ترا فیك ...ت در کو شه های ...محلات مناسب‌پارکینگ ...جود آورد تا و سا یل ... نگردند در عرض‌جاده ...راه را بند آورند و یا ... باید مرا کزی‌رابرای ...وره گرد در نظر گیرد ... در پیاده روها کاسته ... پیاده ناچار نبا شند ... رو استفاده کنند به ...ادارات آب وبرق، ... عامه وار گان های ... نحوی با ترافیك جاده ... باید پیش از آ نکه ...لین دوانی برق، پیپ‌ ...ند دیگردست‌به کندن ...بزنند، اداره ترا فیك ...ح خود آگاهی د هند ... که عرض جاده‌یی‌کنندن ...ز ها و هفته هابه‌همان ... مشکلاتی را برای ...ی به وجود آورد وخود ...ز آن خبر نباشدوسخن ...مینه‌اینکه ترافیك‌کابل ...نون ترافیك جاده برای ...ی چنین ار تباطزنجیری ...ی مسوول ووا بسته به ...رهم آهنگ نمودن ... اقدا ماتی را به اجرا

اجرایی هم آهنگ به و سیله همه ادارات دست اندر کار در امورترافیك جاده امری ضروری و حیاتی است، اما آنچه که ما را گاهی تا حدی از این آرمان دور میا ندازد بی تو جهی وکم التفاتی نیست بلکه مشکلاتی است‌که حل آن در وقت کم میسر نمیبا شد وایجاب گذشت زمان را میکند،مابرای تطبیق همه جانبه قانون ترافیك جاده به فکتور زمان و بودجه وپر سو نل کافی نیاز داریم و بدون شك درآینده نزدیك ترافیك خواهد توا نست مشکلات خود را پا یان دهد و زمینه های تطبیقی قانون ترا فیك جاده را کاملا ودر همه زمینه ها فراهم گرداند.

در مورد خاصی که شما به‌آن اشاره کردید ومر بوط میگردد به نحوه وشیوه کار اداراتی که با ترا فیك جاده سرو کار دارند و هم آهنگ نمودن آن ما درسال ۱۳۵۹ درجریان یك نشستن و دعوت از همهٔ مسوولان این ادارات مشوره هایی را به‌آنان دادیم بعدا نیز با انفاذ قانون‌جدید این سلسله نشست ها را دوام‌دادیم که نتیجه کلی آن این بود که بناروالی کابل درسال ۱۳۶۰محلاتی را در شهر کابل برای پار کینگ ها درنظر گرفت که همین اکنون‌کارآن جریان دارد ودرسال ۱۳۶۱ نیز مطابق نقشه دنبال خواهد شد.

به اساس فیصله هایی که د ر چندین نشستن مسوولان ترا فیك باآمران باصلاحیت شاروالی کابل، آبرسانی، مخابرات، برق کابل‌وبرخی دیگر از ار گان ها صورت گر فت‌این ادارات به هیچ صورت نباید پیش از آگاهی دهی شاروالی به کندن کاری

**تعداد زیادی از همو طنان مادر کابل** که با فراهم آمدن شرایط مسا عدی این دشواری خود به خود حل میگردد.

ترا فیك کابل در شرایط کنونی درقدم اول از ادارات وارگان هایی‌از مانند شاروالی، آبرسانی، برق کابل مخابرات ودیگر ادارات متوقع است برای اینکه شاروالی زمینه تطبیقی قانون جدید را از همه جهت مهیا **گرداند ومشکل ترافیك حل گردد** درزمینه تطبیق‌فیصله هایی‌که صورت گرفته است جدی سر وعمیق تر داخل اقدام گردد.

**رووف راصع :**

**علت ها هرچه باشد واقعیت همان** روز افزون حجم دشواری ها در امور ترافیك جاده است محترم معاون شاروالی در این زمینه رو شنی اندازند که برای حل مشکل کمبود **پارکینگ و رفع دشواری که فرو-** شندگان دوره گرد درامور ترافیکی‌به وجود می آورند چه طرح هایی را در دست اجرا دارند و چه اقدا ماتی را دراین مورد مفید میدانند؟

**معاون شاروالی کابل :**

به تائید گفته های محترم ر ئیس ترافیك این نکته را میا فزایم که شاروالی کابل متأسفانه تاکنون قانون یامقرره همهٔ جانبه یی ندارد که پاسخگوی همهٔ نیاز مندی هاومشکلات مردم در امور شهری و تو زیع‌خدمات عامه شده بتواند ما امید واریم با به وجود آمدن قانون ارگان های دولتی، شاروالی نیز بتواند به طرح قانونی اقدام کند که در تو زیع خدمات همه جانبه این مو سسه موثر یت داشته باشد واز سوی دیگرجوابگوی نیاز مندی های مردم گردد.

همین اکنون نیز شاروالی کا بل درحدود توانایی های اقتصادی وامکاناتی که از آن بر خور دار است سعی فراوان دارد تا از حد اقل‌شرایط حداکثر استفاده را ببرد وبا کو شش وتلاش همه جا نبه و بر خور داری

ارزشمند توزیع بدارد.

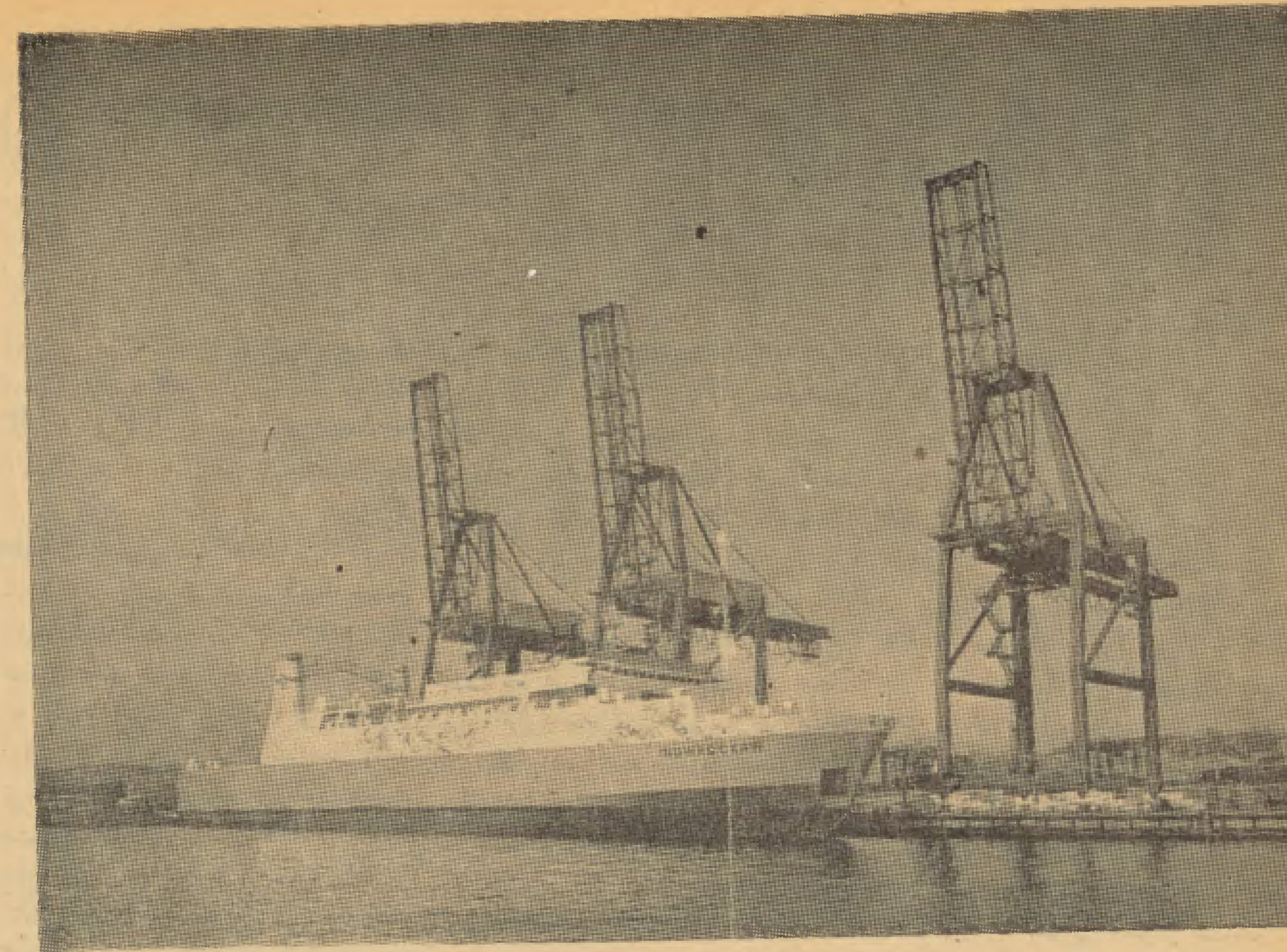
در این زمینه باید تو جه داشته باشیم که شاروالی کابل‌یگانه موسسهٔ **مسوول** تو زیع بیشتر ین خد مات شهری است و به همین سبب نیز توقعات مردم از ما روز افزون است.

پرابلم های ما در یك یادو مورد خلاصه نمیگردد بلکه پهنای و سیع دارد، مابه اساس پلان تفصیلی شهر کابل نا گز یر یم مسأله مسکن راحل کنیم. و درپهلوی‌آن ده ها دشواری ومشکل دیگر را.

یکی از مسایل اساسی که حل آنی مشکلات ودراین شمارمشکل‌ترافیك رادر شرایط کنونی دشوار میسازد مسأله تراکم جمعیت در شهر کا بل است، همین اکنون بیش از یك‌ملیون ودو صد هزار نفر در شهر کابل زندگی دارند در حالیکه ظرفیت‌واقعی این شهر بیش از ششصد هزار نفر ویادرهمین حدوداندکی کمتریابیشتر نمیباشد.

این همه جمعیت اضافی و متراکم گشتن آنان در کابل خود به خود مشکلاتی را در توزیع آب، برق،مسکن تیلفون و دشواری های دیگری را در امور ترانسپورتی و ترا فیکی به‌وجود می‌آورند که حل شدنی است اما فقط حل اساسی آن نیاز مند به فکتورزمان میباشد.

به عقیده من در شرایط کنو نی میتوان به پیمانه و سیع از حجم مشکلات کاست و عرضه خد مات شهری را منسجم گردا.نید مشروط به اینکه ادارات وار گان هایی‌مسوول ودست اندر کار دریك زمینه اجتماعی بیشتر از این باهم ار تباط زنجیری داشته باشند مشکلات و پرا بلم هارا



ننني بشرکولای شي چه دمعاصرتکنالوژی په مرسته پهٔ بحرونوکی‌هم‌دکانو دموادو داستفاده کولو دپاره
ستر تحقیقات سرته ورسوی

د څر ګند وی ژباړه او لنډیز

# بحرونه د نړۍ
# دثروتونوستری زیرمی

د نړی د نفو سو د زیا توا لی‌او
هغو ی د اقتصادی فعا لیتو نو له

وسیلی ګر ځید لی او د هغو ی لـه
زیرمه شوو موادو څخه هم د نړیوالو
په ګډو هلو ځلو ستری ګټی‌تر لاسه
کیدی شی .

بحرو نو د ځمکی دو چی په‌سلو
کی (۷۱) یا (... ر... ۳٦۲) کیلو

ما لو نو د ورلو را ورلو له امله ډیر

دبحر ونو او به د م
زیرمی لرونکی دی چی
دبحری او بو په هر دو
کی ۳۵ ګرامه ما لګه لی
چی څه ناڅه د نړی
مالګه له همد غه زیرمو
کیږی ، سربیره پردی
کیمیاو ی عنا صرو نب
شته چی ستری غذا ی
لری .

په بحرو نوکی‌څه نا
ډوله ژوی ژوند کو ی
ډوله ژوی یی له کبا
شویدی او (۱۰۰۰۰) ډو
ګانی دی چی دبحرو نو
پیدا کیږی ، ځینو‌پو ها
په‌تل کی د ژویو شمیر
ډیره زیا ته ښوو لی ده
ژویو څخه په نړی کی د
(...ر ...ر ۷۰) ټنه‌غذای
مواد تر لاسه کیږی .

دکبانو له غوښو څخ
ډیره ګټه اخستل کیږی
کبانو له ښکار څخه تر
پوری د (...ر ...ر ۰۰
شاو خوا کی غذایی مو
شی او سنیوعلمی‌پراختی
لرونکو بیړیو او زیرمه
لرلو سره د دغو پرا
موادو د سا تلو له پار
کړیده .

دبحری حیوانا تو ی
پیژند لو کی د ها یدر
داو بو د ژویو د آواز و

سکار کو لوکی یی پوره
ی ، د کبا نو ددغـه
له امله دهغوی پهروزنه
پوره پا ملر نه کیږی
هکله ځانگړی پروژېد
بیلو هیوادو نو دکـی
نیو ل شو ید ی.

او د هند په بحر کـــی
کی یو لړ فار مو نهد
و بحری ژویو د روزنی
شویدی چی په دغه لړ
، ،فرانسی ،هسپانی
حد و ایالتو نو چی د
ندان دی یو لړ گا مونه
ی ، شورو ی اتحاد چی
غاړی او سا حلو نــه
سمیر کبا نو او نورو
نه کی پوره لاس اوپښی
.نړی د خورا کی موادو
نو له مخی ښا یی چی
څخه د همد غو فار مونو
۱۹. کال پوری د نړی
کبان تر لاسه شی .

او بو او بحرو نو پـــه
متواوگاز و ستریزیرمی
گا نی چی دبحرونوپه
کی کیندل شو ی تـــر
وری یی د نړ یوالو پــه
ړس د هغوی اړ تیاوی
چی اوس یی اندازه په
سلو څخه هم زیاته اټکل
فتو او گاز لرو نکوغاړو
ه ناڅه پنځه میلیو نــه
ر بع ته رسیږ ی او په
ی د نفتو او گاز اندازه
ویشت بلیو ن ټنه اټکل

رو زیر مو ستر مر کز
خلیج په شمال اووینزیو-
چی په ډیر لږ ژور والی
دغه ستره صنعتی ماده

خپلو ځانونو د ژغور نی له پاره یوڅه
لاره هوا ره کړای شی.

په څو تیرو کلو نو کی یو ا ځی
اووه هیواد و نو د سیندو نو او
بحرونو له غاړو څخه نفت او گاز
تر لاسه کو لو خوله ۱۹٦۰ کال څخه
وروسته دغه‌شمیرشپا ړلس‌هیوادونو
ته‌لوړ شو چی اوس یی لـــه
دوه برابره څخه تیر ی کوی .

دا چی سیندو نه او در یا بو نه
دستر و زیر مو مر کز و نه دی او
په‌نړی کی دانسانا نودژوند اړتیاوی

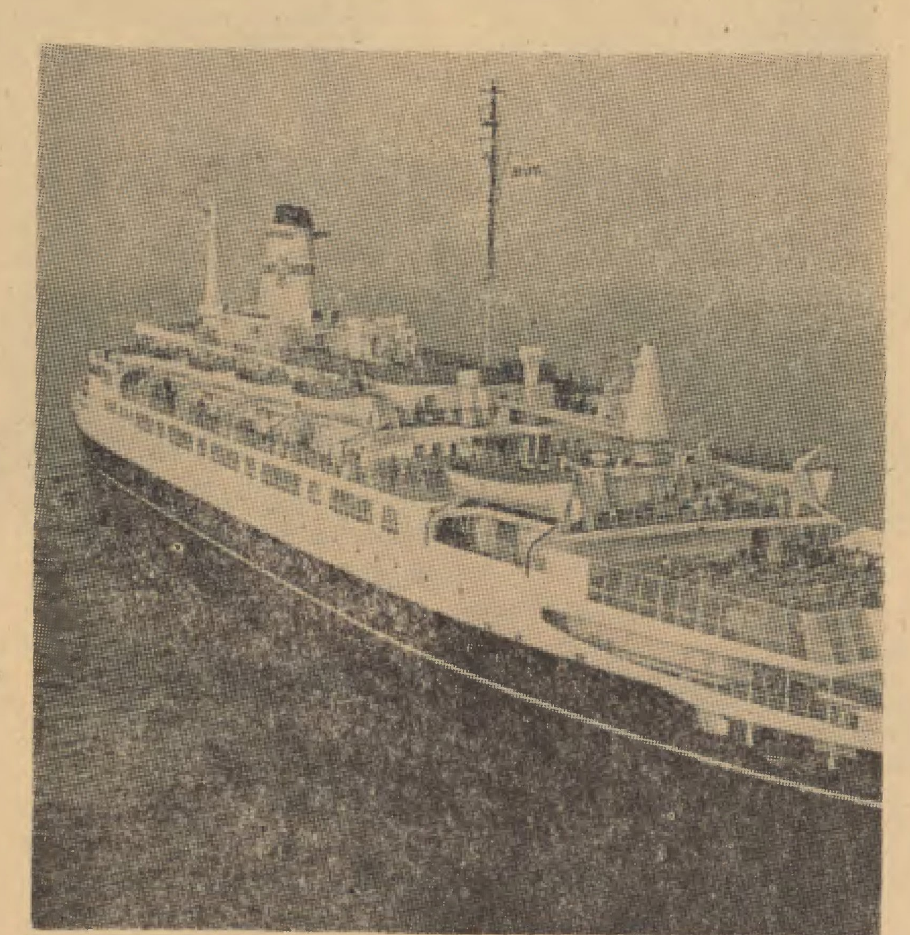
تل څخه تر لاسه کیږی ، څه‌ناڅه
دری سو ه زره ټنه مگنیز یو مـــی
مرکبات چی په سلو کی ۴ر۳ بر خی
تولیدات یی د یونا ن ،سار دینا او
سیسلی له جز یر و څخه تر لاسه
کیږی پوره گټور دی .

د بحرو نو له غاړو څخه نور ډول
ډول گټور مواد تر لاسه کیږی مثلا
په تا یلند او اندو نیز یا کی هر کال

دغو غاړو او تلو نو ته په دو مره
درنده ستر گه نه کتل کیدل خوکله
چی دغه هیواد و نه په تیره بیا د
هغو غاړو ته ورڅیر مه هیوادو نو
دځان له پاره د بحری غاړو او تلونو
اندازه او سیمه وټاکله دا ځکه چی
چی په دغو بر خو کی د اړتیا وړ
ستری طبیعی زیرمی شته لکه چی د
آرام اقیانوس په تل کی داووه ملیونه
کیلو مترو مربعو په اندازه د څو
فلزو نو ستره زیر مه شته چی له
دغه ځای څخه به‌پنځه اتیا ملیون‌ټنه
نکل ، پنځه شپیته ملیون ټنه مس،
شپاړس ملیون ټنه کو با لت او یـو
ملیون او اوه سوه زره ټنه منگنیز
د(۵۵۰۰ـ ۴۵۰۰ مترونوپه ژوروالی
لاسی ته‌راشی .

سیندو نه او د دریا بونه که څه
هم داړتیا وړ موادو ستری زیر می
دی د تگ را تگ او وړلو را وړلوله
پاره هم گټوری او آسا نی لاری دی
دا ځکه چی له همد غو لارو څخه د
نړیوالو داړتیا وړ شیان له یوځای
بل ځای ته ترسره کیږی په ۱۹۷۵
کال کی څه ناڅه شپږ شپیته زره
بیړ یو دغه دندی ستر ته رسو لی
چی په دغه کال کی یی ددری ملیونه
اودری سوه دوه پنځوس ټنو په‌شاو
خوا کی مالو نه وړی او را وړی وه.

که څه هم نفت په پراخه پیما نه
دسیندو نو او بحرو نو په غاړو کی
میندل کیږی له همد غی لاری پـــه
۱۹۷٦ کال‌د اوه‌زره نفت وړو نکو
بیړیو په وسیله په سلو کی پنځه
پنځوس د بحر ی ما لو نو وړل را
وړل سر ته رسو لی وه ،داو سینو
علمی پر مختگو نو او دورځنی ژوند
داړتیا وو او د بشر دورځ په ورځ
زیا تیدو نکی پو هی له امله به لــــه
دغو ستره طبیعی شتمنو څخه د



بحری ترانسپور تیشن دابحاروداستفادی یوه ښه نمونه‌ده

پوره گټه نو دا جو ته خبره ده چی
په‌پورته یاد و شو و زیرمو سربیره
له دغو بر کتی مر کز و نو څخـــه

شل زره ټنه قلعي ، په جاپان کـــی

از : س . ر شه‌یار

# دست‌ها تارها و بازی‌ها

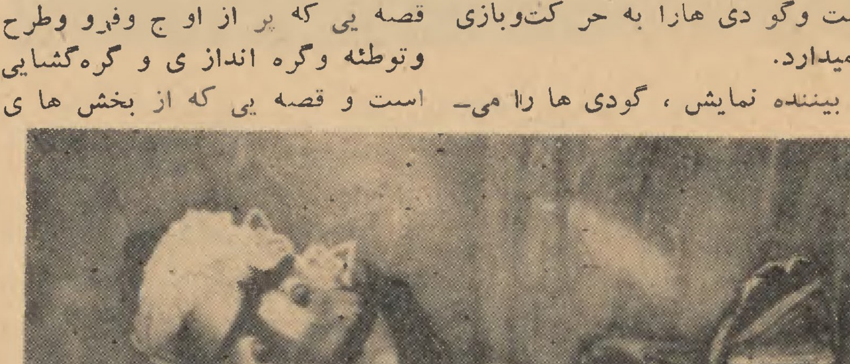
گوشه یی‌ازنمایش تیاتر گودی‌ها

## بررسی گونه‌یی از تیاتر گودی ها

همینکه چرا غهای سا لـــون
اموش میگردد و پرده عقب میرود،
س ها در سینه ها حبس میگردد،
مدی‌نگرند گان را،خرد سالان راو
جوانا ن را تب هیجان فرا میگیرد
معی از شو ق فریاد بر میا ور ند
رو هی بی اراده کف میزنندوبرخی
یز از جا ی بر می خیز ند ، قدکشك

نما یش را میسازد و گو نه ی دیگر
که دور از چشم نگر نده درجریان
است وگو دی هارا به حر کت‌وبازی
وامیدارد.

بیننده نمایش ، گودی ها را می‌



بیند که راه میرو ند ، باز ی‌میکنند
سخن میگو یند ، با هم می ستیز ند،
آشتی میکنند ، شعر میخوا نند ،
موسیقی مینوا زند وبا زبا ن پر غنا
وقـد ر تـمند شا ن ، قصه یی‌راو
اسطوره یی را در قالب نما یشـــی
رنگین وپر حادثه به بیا ن میا ورند
قصه یی که پر از او ج وفرو وطرح
وتوطئه وگره انداز ی و گره‌گشایی
است و قصه یی که از بخش ها ی

جداگانه شکل گرفته و
منطقی این بخش ها پیا
نهفته است ارائه میگرد
میشود ، بی آنکه در با
گودی ها ، در حر کت
سخن شا ن ودر تواز ن
باز ی هابا موسیقی کمت
ویا نارسا یی دیده شود
است که نگر نده نو جو
سا ل رابه حیر ت میـــ
هیجا نی اش میسازد و و
تابا شور و علاقه یی که
افزو ن میگردد، حواد ث
را وقصه یی راکه گود ی
آنند تعقیب کند و خود
عروسك ها چنا ن نزدیك
کند که دو همباز ی ص

واین بخشی از تیا تر
دربخش دیگر که از چش
نمایش به دور است ، ا
اند وتار ها که عروسك
به‌حرکت وامیدارند وسر
يك رابه تعیین میگیر ند
هایی که ما هرا نه وباسر
میکنند وباه ر حرکت
رامیکشند وبا هر کشش
از زند گی گود ی یی را
میگیر ند .

راستی این پدیده چگو
یافت وگود ی ها از کی
انسا ن ر خ نمایا ندند

برای دست یابی به
درست برا ی این پر س
از تاریخ فراتر نهیم ،س
هزاره هارا پشت سر گ
زمانی رسیم که انسا ن
برا ی انتقا ل تاثرا ت ع
احساس درو نی خود و

دیگران به هنر رقص د
درهمین زما ن گود ی ش
چوب ها وبرگ ها ویش
که تصاد ف گو نه در د
یازنی به هم وصل شد و
ویا حیوا نی رابه خود
عرصه وجود گذاشت .



ها جالبتر ین شیوه‌نما یشی برای خرد سالان و نو جوانان است .

جشن ها ی ملی واعیاد مذ هبی در میدا نگاه ها ی عمو می به اجراء میامد گودی ها به‌عنوان وسیله‌نما-یش مورد استفاده قرار میگرفتند. نمیتوانستند خود شرا یط وضوابط سیاسی واجتما عی جامعه خود را مورد انتقاد وسر زنش قرار دهند ، قصه هایی رادر قالب تیا تر ی ودر شکل بو می و محلی سر باز آن به اجراء میاور دند که مهره ها ی اساسی آن گود ی هابودند .

در این نما یش ها گود یی در نقش حاکم ظا هر میگردید که‌ازتمام خصو صیت های حاکم واقعی بر - خور دار بود ، عیا شی وبیداد وحق کشی نماد های شخصیت اورا تشکیل میداد و گودی های دیگری درنقش داد خواه و ا ر د صحنه میگشتند وآنچه را که در وا قع مردم در دل داشتند انها به زبان میاور دند وبه این تر تیب‌نما یش در قالبی هجو آمیز وخنده آور به انجا م میر سا ندند .

به این ترتیب تیا تر سر گشاده گودی بعد از آنکه دهه ها ی چند به حیا ت خود در روستا هاوشهر های ما ادا مه داد ره به کشور ها ی دیگر برد وبا شکل و جلوه ها ی تازه از ویژ گی ها ی بو می خود جدا گردید ودر قالب ها ی مدرنیزه شده فصلی دیگر از زندگی خود را به آغاز گرفت .

* * *

تیاتر گود ی از بکستا ن که نما یشا تی چند از گروه هنر ی آن درکابل به اجراء آمد یکی‌ازبه‌شهرت رسیده ترین تیا تر ها ی جها ن در نوع خود است که با چهل نما یش نامه‌ی خود سالانه بیش از یکهزار برنامه رادر داخل وخار ج شوروی به اجرا ء میاورد .

محتو ی این نمایشا ت اغلبا افسانه های محلی ، اسطوره ها ی از یاد رفته وداستا ن های بامایه های تاریخی است که میتـواند - انگیزنده هیجا ن بوده وبرا ی‌کود-کان ونو جوانا ن جالب باشد واز سویی نیز آنان را در در ک‌مفا هیمی که در محتوی نمایش ارائه میگردد یاری دهد والقا ی پیا م ها راآسان گرداند .

این مفا هیم که در کار بردی‌هنری ارائه میگردد هم مانند با همه‌شیوه های دیگر تیا تر ی ویژه نو جوانان در افزا یش آگا هی وبلند بـرد ن سطح معلو ما ت نگر نده خا ص خود مدد دهی کرده و توانای ی فکری واند یشو ی شا ن رابلند میبرد.

مایه گیر ی از افسا نه ها ی اسا طیر ی و قصه ها ی محلی به گر دانند گا ن ونما یشنا مه نویس های این شیوه تیا تر ی اجازه‌میدهد

حیوانات رابـه عنوان قـهر مـان وارد قصه سازند ، آنا ن را به‌سخن گویی و دارند ، از غو ل ها ودیوها واهر یمن هایی که در ادبیات‌روایتی بومی هر کشور ی جاباز کرده اند مدد گیر ند وآنا ن را با فر شته های نیك کر دار وخو ب اند یش رو یا روی قرار دهند تا بالاخره زشـتی وبدکار ی وبد اندیشی اهر یمنانه در جنگ آشتی ناپذیر اهورا مـزد های انسا ن دوست با شکست‌مواجه گردد واین نتیجه اخـلاقی که‌انسا-



دشمن صور ت میگیرد و چو نقهر- مان قصه در هر حرکت خود بـــا جریانی تازه روبرو میگردد خطر ی نو تهدید ش میکند و سا حره وجادو گر ی باتوانا یی ها ی سحرآفرینش درتلاش است تاو ی را از هد فدور دارد جریا ن نما یش بیشترهیجا ن انگیز میگردد و تما شا گـــران را به فر جا م ماجرا علاقمنـــد تر مـــی سازد ، فر جا می که از پیش برای نگر نده آشنا با این گو نه نمایش ها قابل پیش بینی اســـت ودر آن ابهها می وجود ندارد ، روباه که راه زند گی اش رادر ریا ورزیودسیسه کاری وتو طئه چینی به تعیینگرفته است آنچه نصیبش میگردد ســـر افکند گی وشر مندگ ی اســـت ، سیمر غ که دوست انسا ن است و بادیو ها و غول هایی که قصدتسخیر سرزمین هاوبه بند آورد ن انسا ن هارا دارند در نبرد است پیـرو ز میگردد وبه همین تر تیب خواهنما- یش گوشه یی از جنگل را بنما ید وزند گی حیوانا ت را وخواه قهر- مانا ن آدم هابا شند در چار چوبه زند گی اجتما عی خود ، همیشـــه آنانی به خوش فرجا می میر سند و پیروز مندا نه به زند گی شاد یکه انتظار شا ن را دارد لبخند میزنند که خود نگرو خود خواه نبا شند و برای تادمین منافع خود منا فـــع گرو هی را نا چیز نشمار ند،چنانکه سه نمایشنا مه یی که در چند بر- نامه نمایشی در کابل به اجرا ءآمد چنین است ونگا هی به محتو یآن مارا در شنا خت بیشتر این شکل تیاتر ی یار ی مید هد .

نخست ((خر گوش بدکر دار )) را از نظر میگذرانیم :

در این نما یش که گود ی هادر نقش ها ی خرگوش ، سنجا ب ، گر گ با به شو قی و ســـهمسخره باز ظا هر میگردند خـــر گو شـــ نمیخوا هد این واقعیت را پذیرابا- شد که زندگی در میان جمع و جار یبی رابه دوش او میگذارد که باید انجا م دهد ، خر گوش نمیدا ند که آنچه در زند گی پیروز ی را نوید

خفه میسازد ، بابه شو قی گر گ را از صندو ق خود بیرو ن میاورد که در جریا ن حواد ثی چند خرگوش را تنبیه میکند وآنگاه خرگوش می- داند که زند گی فقط در میاندوستان استکه معنی میبا بد و در تنهایی تحمل مصا یب وبد بختی هادشوار میگردد .

در نما یش ((دختر ناز دا نه )) نیز که از افسا نه ها ی اسطوره یی از بکی ما یه گر فته است همیـــــن مفهو م یعنی جلب دوستی دیگرا ن از راه کمك به آنا ن ورفع نیازهای شا ن به گونه دیگر ی به طر حآمده است :

دختر بزرگ پیر مرد که زیبایی چشمگیر ی دارد خوا هانجنگرویا روی با((دیو)) ها وبیرو ن آورد ن دارو ی ((سحر آمیز)) از چنگآنان میگرد د ،اما شجا عت وجسا ر تاو در آزار رساند ن به ((ضعیف ها )) خلاصه میگردد این است کـــه در اولین بر خورد با شیر گریز می - زند وبه خانه باز گشت میکند دختر دوم پیر مرد راهی کوه سیاه می- گردد ، او مهربا ن شیر ین زبا ن وچالاك است ، اما خود نگر و خود خواه نیز میباشد و فقط به خودمی- اندیشد او در راه مو فق میگـــردد ((اژدر)) و ((شیر)) را فر یب دهد

هم روحیه ی دگـر خ
هم میداند که برا ی از
قدر تی بزرگ چو ن (
(( فردی )) جایی را
((خر گوش )) و ((شیر
میکند و با جلب دوستی
شا ن را نیز با خود ه
وبه این تر تیب دریك م
((اژدر)) و ((دیو)) را
میدارد ، صندو قچه (
تصاحب میکند و با خ
دا روی ((سحر انگیز))
را از مر گ حتمی میر
و « سیمر غ » نما
است با مفاهیمبیشتر
تر .با آنکه در ((سیم
پیا م همـا ن اســـ
((خر گوش بد کردار )
نازدانه )) ودر یك ر
نمایشی ان مفاه یم ار
خوا هی وتعاو ن اجتما
میاید در ر خ دیگر آن
احساس میهنی ، مبا
و بیـــد ا د و زو ر
اختنا ق واحسا س ها
مطرح میگردد ، در ای
((دیو)) و ((زن جادو
از شرار ت وبد خوا
خوا هی اند قصد دا
شهر ((شگوفا ن )) م
زمین را در بند کنند
خود در آور ند ، ((س
دوست انسا نها است
بانیرو های اهر یمنی
ستیز است جوا نی د
را از این راز آگا هی
راهی شهر ((شگو فا
از دربار نیرو طلب ک
((دیو)) رود ، در حا
فکر خود وسر گر می
خود است وبرا ی خو
داشته است دختر ش
شریك ز ند گی خوا
درخت چنار صد ساله
در یك زور از جای ب
((بنیاد )) با قدر
این مامو ل رابر میاو



اکتر تیس‌ایما سکولوا هنگامیکه‌درشفاخانه الما تای ا تحاد شورویاز اشعه لا یزر در تداوی یك طفل‌استفاده می کند

ی:

ترجمه ر . ی

# اشعه‌لایزر وسابقه‌استفاده از آن در طب وتداوی امراض

**وروی تحقیقا ت‌گسترده در مورد جنبه ها ی‌مختلف**
**لایز ر بر ار گانیزم‌وجود انسا ن وحیوانا ت ادا مه‌دارد**

* * *

شعا ع لایز ر درطب
حاد ه جدید ی نیست
ل‌برای نخستین باراز
ر جرا حی استفاده‌شد
اعضا ی داخلی وجود
ض‌چشم‌مورداستعمال
همچنا ن در تشخیص
ض از آن استفا ده
هذا تحقیقا ت دامنه‌دار
قیت کامل لایز ر در
ی معینی تاثیر ا ت‌آن

تطبیق اشعه لایز ر موجود است‌که
در آن مریضا ن مصا ب به برو -
نشیت وسایر بیماری ها ی معینی
تحت تداوی و تشخیص قرار می
گیرند .

وی گفت گر چه اشعه‌لایز ر نه
جر ح را از بد ن مریض قطع میکند
ونه آنرا جوش مید هد معهذاتطبیق
متواتر میتود ها ی پر تا ب اشعه
لایز ر بر مریض در تداو ی آنها
موثر میباشد . او هنگا م اظهار این
معلو م می شد که پسر ك از این‌کار
خوشش می آید . او آرا م بر میز
قرار داشت و متبسم بود .

داکتر سکولوا گفت این پسر ك
هنگا م مراجعه به شفاخانه خیلی
ضعیف بود وبشد ت سر فه میکرد
در حالیکه اکنو ن بعد از چند بار
تطبیق شعا ع لایزر بهبو دی
حاصل کرده است .

تحقیقا ت در مورد چگو نگی
استفاده از اشعه لایز ر خیلی قبل‌در
اتحادشورو ی شرو ع شده ونخست
برین نکته متمر کز بود که به‌کدا م
طریق اشعه لایزر مخصو صا شعاع
سرخ آن تاثیراتی بالای انسان

هنگامیکه اشعه لایز ر کشف شد ،
تحقیق کنندگا ن طبی انستیتو ت
الماتا ی اتحاد شورو ی در جمله
نخستین کسا نی قرار داشتند که
امکانا ت استفاده از این اشعه رادر
بیولو ژی و طب تحت مطا لعه قرار
داده بودند . وسیله عمده بیکه‌اطباء
مذکور در آن وقت آنرا در تداو ی
امرا ض به کار بردند عبار ت از
استفاده از لو له نیو نی مر کب
از هیلم بود که شعا ع سر خ‌لایزر
انر ژی کمی را انتقال میداد .
متعاقبا ریسر چها ی گسترده در
مورد اشعه لایز ر در پو هنتو ن
قر غز ، در انستیتو ت طبی الماتا

بمناسبت سی و سو مین سالگرداعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

از مجله آسیا وافریقا

مترجم : حیدر خانیوا ل

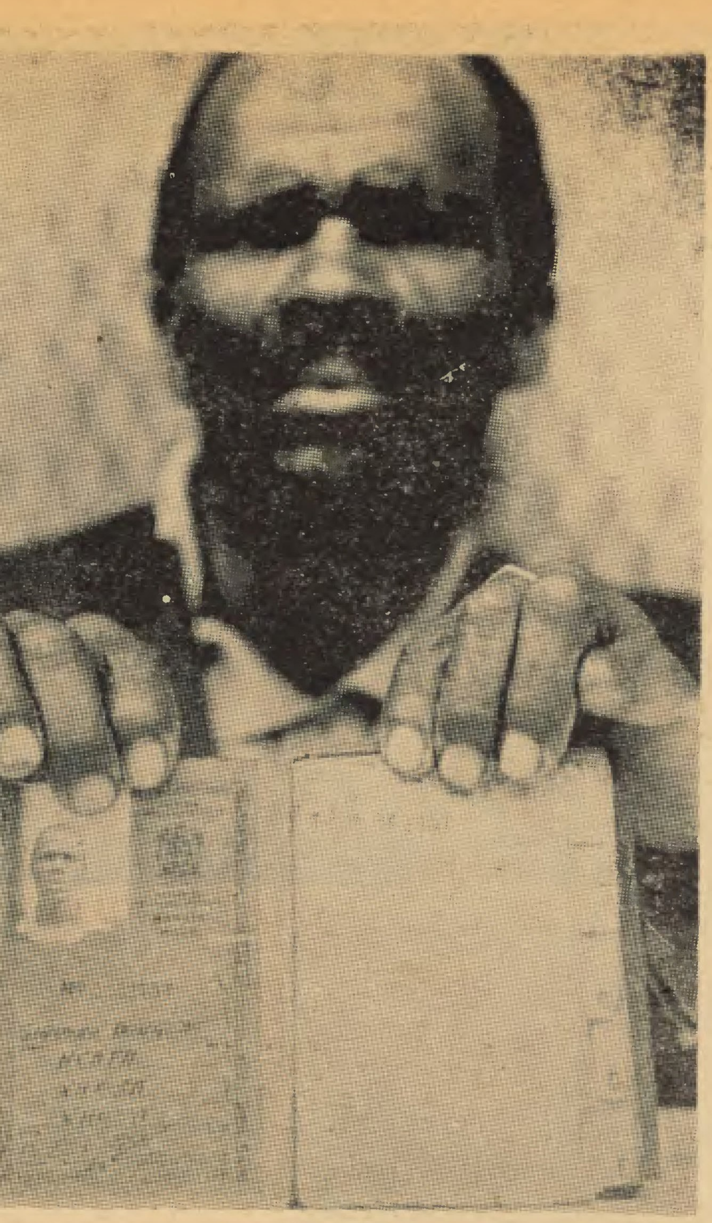
# نگاهی به تاریخ چندسال اخیر اعمال تجاوزگرانه نژاد پرستان و حامیان آنان در جنوب افریقا

تاریخ کامل بعد از جنگ جهانی دوم افریقا ی جنو بی واضح وروشن است از سا ل ١٩٤٨ بدینسو که حزب نیشنا لست در آن کشوربر اریکه قدر ت تکیه زده اپار تاید به سان نظا م رسمی دو لت افریقا ی جنوبی اعلام واز قوا ی نظا می افریقا ی جنو بی بسا ن الهٔ حمایت کنندهٔ منافع وبقا ی سلطه اقلیت ((سفید پو ستا ن تبعیض پسند )) بر اکثریت ((سیاه پو ستا ن تحت ستم )) استفاده به عمل آمده است همچنا ن در طی چند سا ل اخیر قوای نظا می آن کشور به یك نیروی رهبر ی کننده سیاسی در افریقا ی جنو بی در آمده است . به قو ل وسایط ار تبا طی جمعی ازسا ل ١٩٧٨ بدینسو یعنی از زما نیکه پتر بوتا وزیر دفا ع به حیث صدرا عظم آن کشور نیز انتخا ب گردیده کلیه وظا یف دو لتی در آن کشور فقط وفقط به آنچه وزارت دفا ع آن لازم دانسته وانجا م مید هد منو ط ومحدود گردیده است .

در«کتاب سفید راجع به دفاع» که در سا ل ١٩٧٩ ع به نشررسیده آمده است که شورا ی امنیت دولت که وظیفه انجا م خد ما ت مشور تی به کابینه رابعهده داشت اکنو ن پلان ستراتیژی سیا ست داخلی وخارجی کشور افریقا ی جنو بی را طر ح ریزی میکند به قو ل سچا به ـ ارگا ن نشرا تی کنگره ملی افریقایی جنو بی پو لیس آن کشو ر جزء قوا ی نظا می آن کشورگردیده است و حکو مت پر یتور یا به توسعه وتقو یه هر چه بیشتر قوای نظا می وپولیس پر داخته سلاحها ی مدر ن رابرای قوا ی نظا می و پو لیس تدار ك دیده و مخار ج نظا می رابه صور ت روز افزو ن افزا یش میدهد البته جدو ل ذیل که از طرف سچابه به نشر سپرده شده بیا نگر خو ب این مدعاست :

تما می اصنا ف و قشر ها ی اجتما عی سفید پو ستا ن افریقای جنوبی به خا طر تضعیف هر چه بیشتر مبارزا ت بر حق وعاد لا نه مردم افریقا ی جنو بی که ازطرف مردم بو می آن کشور برای نجا ت ملی واجتما عی شا ن براه انداخته شده است از طر ف رژیم تبعیض پسند پریتور یا مسلح شده اند .

حوادث سقو ط مر گبار امپرا طوری پر تگال و آشوب سال ١٩٧٦ سوو یتو نشا ن داد که رژیم های تبعیض پسند بیش از ین قادر نیستند تا سلطه شا ن رابه همان شکل کلا سیك و کهن آن برمردم تحمیل نمایند هما ن بود که تبعیض پرستا ن افر یقا ی جنوبی



باوجودیکه سی و سه سال ازاعلامیهٔ جهانی حقوق بشر می
روش تبعیضی اقلیت سفید پوست حاکم درافریقای جنوبی
سیاه پوست ادامه دارد

به تکر به میا ن آورد
خورده و ریزه چون ا
صغیر (ازبین رفتن تقسی
نی عا مه بر اسا س ر
امثال آن پرداختند که
حاکما ن تبعیض پسن
جنوبی توقع داشتند م
وتنا قضا ت تبعیضی
ملی فی مابین اقلیت
سفید پوست واکثریت
سیاه پوستا ن افریقا
شکل بی سابقه وحاد
گرفته طور یکه فعا لیت
توده های میلیو نی ت
افر یقا ی جنو بی رشد

## ...از تاریخ:

# یادی از تأسیس :

# حزب واحد رفیقان

ش، ص

نظیم احزا ب‌سیاسی
جدید یست که‌دردو
جود آمده است ،
سوسیالیستی وکمو-
سور ت برازنده بعداز
تو بر تحقق‌همه‌جانبه
ی آن احزا ب‌همگون
سیس شد . کلمهٔ
سا ی این احزا ب که
حزبی محسو ب می
است . برا ی‌آنانیکه
به مطالعه می پردازند
((رفیق)) به عنوا ن
اعضا ی حز بی و
ل حزب مرد می‌مو -
تلقی می شود و لی
شته ها دقیق شویم.
که هنوز اروپاییا ن
ورفیق به مفهو م‌یك
آشنا نبو دند درمشرق
ن به تشکیل حز ب
چنین بر گزید ن کلمهٔ
رمز آشنا یی‌اعضایی
ت زده بودند و ما
نه قر ن ،از لابلا ی
ورا ق سده هاراور ق
ین شرا یطی که دیگر
مطلب نا آشنا یی
ا طر می آوریم .

**تاریخی :**

ۀ خلافت اسلا می به
«ك» رسید، بنی امیه

یاز یدند با مخا لفت و مقاو مت ساکنا ن غیر عربی به خصو ص خراسا نیا ن روبرو گر دیدند .

نخستین جنبش ها ی مقاومت تحت نام ((عیاران)) از بین تو ده های مرد م چو ن پیشه ورا ن ، بزرگان و پهلوانا ن رشد نمود وبه سرعت بسیج گردید. باآنکه عیاری سنتی بود کهن وریشه دار امابرای اینکه باشرا یط واو ضا ع روزمساعد باشد آنرا به نا مورا ن صدراسلام واز جمله حضر ت علی (ك) شاه مردان و مولای مشکل کشا منسوب ساختند .

این حر به مو ثر افتاد و قیا مهای عیارا ن به ثمر رسید که خودبحثی است دور از حو صلهٔ این مقا له . طی قر نها ی بعد ی مفهو م عیار ی به میا ن توده ها ی مرد م گسترش بیشتر ی یا فت وجا ی‌خود رابه آیین فتو ت یا جوا نمرد ی‌داد. در گذشته عیار ی یك مفهو م‌خاص سیاسی و متعلق به مبارزا ت ضد استعمار ی واستثمار ی بود امادر دورا ن فتو ت رنگ فر هنگی‌یافت بارسو م وعادا ت و سنت ها ی که بااندیشه ها ی والای انسا نی در آمیخته بود به همه قشر ها ی‌جامعه تعلق گرفت . پیش قرا و لان این آیین وروش برا ی فتو ت وجوا ن- مرد ی آدا ب خا صی وضع کردند تاجوا نمردا ن بتوا نند از سا یر مردا ن کلمه ((اخی)) یا ((برادر)) بود .

**علل تشکیل وتا سیس حز ب رفیقان :**

آئین عیار ی و جوانمرد ی قرنها ادامه یافت ، به مرور زما ن فساد نیز به آن راه جست ،تشکیلا ت وساز ما ند هی آن به خا طر دخالت فر ما نروا یا ن واعضا ی نامطلوب بر هم خورد وبه گرو ههای‌کوچکی تبدیل شد . گا هی این دسته ها باهم بر خورد میکردند و حواد ث تاسف انگیزی رابا عث می شدند تا اینکه قر ن ششم هجر ی‌فرارسید وخلافت بغداد بد ست النا صرلدین الله خلیفه کار دا ن وبا شخصیت رسید . در چنین روز گار ی خلافت عباسی باز یچهٔ دست امرا ء ،سر- داران وقو ماندا ن ها ی بزرگ عسکر ی ، فر مانروا یان‌مقتدرمحلی و همچنین طبقا ت با لای جا معه‌چون بازر گا نا ن ، زمین دارا ن ،ثروت- مندا ن واشرا ف بود . ازسوی‌دیگر اقشار مولد جامعه چون پیشه‌وران دهقانا ن وسایر زحمتکشا ن ازبیداد زور آوران‌به‌ستوه آمده بودند،بناء ناصر الدین الله با آ گا هی ازین جریا ن و او ضا ع سیا سی و اجتما عی تصمیم گر فت با تجدید آیین فتو ت‌وجوانمرد ی یك حزب

رهبرا ن نظا می بی ثبا ت شده‌بود دستگاه خلافت به صور ت آله دست زور آورد ن در آمده بود ، بنا ء ناصر متو جه گردید که سر زمین ها ی سوا حل مدیترا نه وشما ل افریقا مورد نظر اروپاییان‌ومسیحی- یان است و سر حدا ت اسلامی از سمت روم شر قی طر ف تهد ید آنان قرار دارد . شما ل افر یقا در دست بنی عبدالمو من بود که دعو ی خلافت اسلامی را دا شتند فر ما ن روایا ن خراسا ن هم قر ن ها بود که نه تنها خود را مطیع خلافت نمیدا نستند بلکه آرزو ی فتح بغداد رانیز درسرمیپروراندند. درشمال شرق خراسان در سر زمین خوارزم نیز امپرا تور ی جدید ی در حا ل گسترش بود . نا صر تصمیم‌گرفت قدر ت زور آور ا ن و ثرو تمندا ن را تضعیف نماید و بغداد را مرکز سیا ست جها ن اسلام قرار دهد . هدف نها یی او وحد ت بخشید ن به کشور ها ی اسلا می در تحت فرمانروا یی‌خودش بود ، او به خوبی میدانست که با تضعیف قدر ت سرا ن سپاه و امرا ء در بار نمیتواند دست به لشکر کشی و فتو حا ت بزند ، از ین رو ی خواست تا با تاسیس حز ب فتوت یعنی حزب رسمی و دو لتی که‌خود در راس آن قرار گیرد به میا ن‌توده های وسیع مرد م سراسر جهان اسلام نفو ذ کند . نا صر به‌خو بی پراگند گی و تشتت توده ها راکه براثر اختلاف ها ی مذهبی وسیاسی ونژادی از یکدیگر دور افتاده وگاهی به خون هم تشنه بودند واز قتل وکشتار هم کیشا ن خود فروگزاری نمیکردند ، در ك کرده بود . او احساس میکرد که خلافت عملا آن قدر ت ونفو ذ را نداشت که‌بتواند ملت ها ی گوناگو ن اسلامی را که

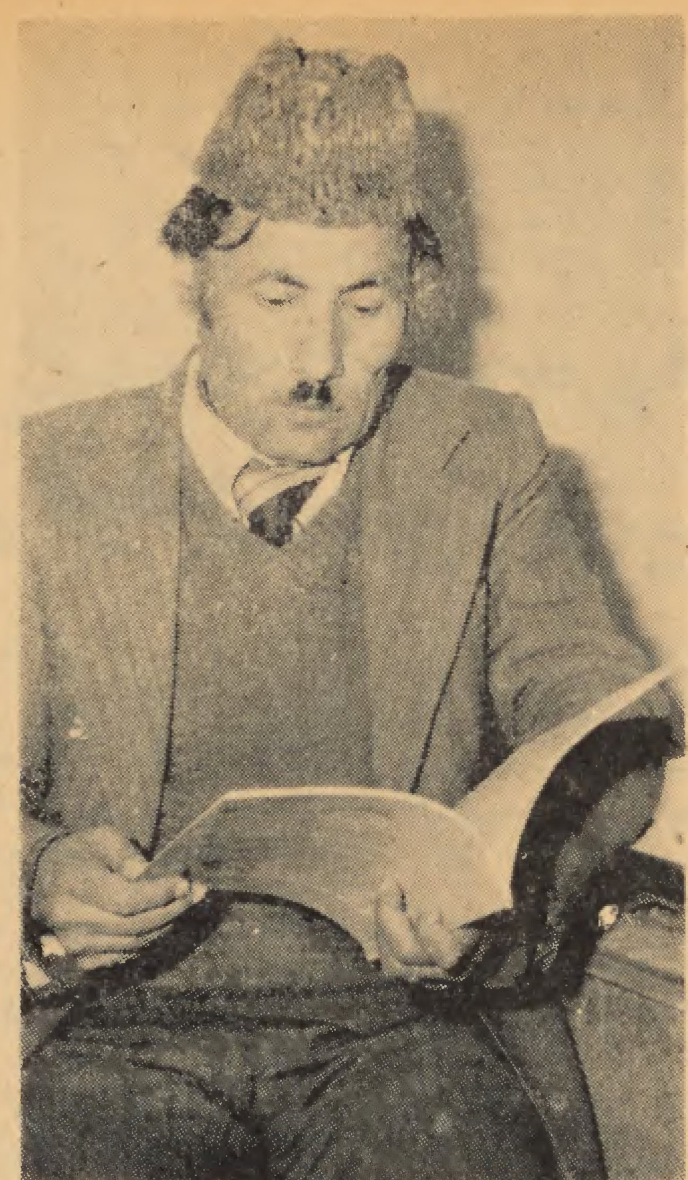
# نثر آهنگین شعر نیست



شعر خو ب هما ن خ
آب زر نبشت است که
قو ی اجتما عی دارد و
زیبا ودل انگیز ....

* * *

* .... ردیف بندی کلما
وخبر را بد نبا ل هم می
آنگاه میفر مایند و نا مش
گذارند شعر نو .



از آن دور دست ها ، از دیا رلعل بـد خشا ن ، مـهـما نـی دا ر یم که نیکو شعر می سرایـدوگرم و صمیمی گفتگو میکـــند . شعرش غصه ها ی دل یك عا شـق‌دیوانه نیست ، قصهٔ اجتما ع است عبدالستار نا طق تا حا ل پنجصـدچکا مه سروده که به حلیه طـبـع آراسته گردیده اما در مجلد ی هنوزجمع نشده است . شعرش وکلامش شیرینی خاصی دارد ، پیرو شعـرکلاسیك است و عاشقانه به با غ سبز شعر پر بار قد یم نظر دارد و((چرا غ چشم)) شعرش ، شعــر بید ل است . با بیا ن خیا ل انگیزولطیف میگوید :

سا ل ۱۳٤۰ بود که نها ل‌نورس‌شعر سرایی در اعما ق قلبم‌جوانه زد و بـه نر د بـان جهان ادب‌گام‌نهادم .

عواطف انسا نی و مشا هده او ضا ع واحوا ل رقت بار توده ها ی آلوده به رنج ودرد ، ظلم واحجاف‌اربابان زور و زر ، فقر وبی سوادی ودور نگهدا شتن مرد م از مسـیرزندگی ، همه و همه مرا وادا شت تاشعر بگو یم وشعر م بیا نگر دردها وتو قعا ت توده باشد ، مترجم احساسا ت شا ن باشد ، وازسوی‌رسالت خود را منحیث فر زندجامعه انجا م بد هم .

در این عر صه و میدا ن استادی نداشته ام تنها ذوق وعلاقه مفر ط

* ـ شما به شعر کدا م تن از این‌بزرگا ن بیشتر علاقه د

** راجع به شعرا ی ما قبل‌بایدگفت که«درشعر سه تن
یعنی فردوسی وانور ی وسعد ی .ولی بابه میا ن آمد ن بید
واضح است این مفکوره تغییرمیکندزیرا مقا م ادبی بید ل ب
ابوالمعا نی دیگر مجا ل تر دید رانمی دهد . همچنا ن سایر
جهان ادب مانند مولوی ، سنایـی،حافظ ،جا می هریك همچ
اند که در آسما ن بیکرا ن علـم وادب تلا لو وپرتو افگنی
ونمیتوا ن از مقا م شامخ او شا ن‌بدیده اغما ض گذشت و
بود هر گاه یکی را بردیگر ی‌برتری‌ورجحان داد .

* چگو نه شعر ی رامی‌پسندید؟

** ـ هر شعر ی که بـــر د ل‌نشیند . شعر خوب همان
باآب زر نبشت است که هم محتوای‌قو ی اجتما عی دارد و ه
زیبا ودل انگیز ...

یم یکسره از دنیا ی‌شعر بدور رفته ایم وشعر بـــی وز ن در
نمیکند و عمر حبا ب وارخواهد داشت .

زو نست مر وا ریـد ازدریا ی عقـــل
برتر ازگفـــتارشاعر در مکنو ن است؟نیســـت
شعراست ((ناطق))همچو بحر بیکرا ن
درخروش‌آید بمثلش رود جیحون‌است؟نیست

لاسیك به‌روی بحور نزده‌نزده گانه و قوا فی واوزا ن عروض
ت که با فت هنر ی بـاشکو هی را میسازد که جاو دا نه

بطهٔ شعر و سیاســت راچگونه می بینید ؟
و سیاست ، هر دو به‌عقیده مـن از چشمــه‌آبشخور دارد
واقعی هما ن چیز ی‌رامیگو ید که سیاست آن را پــی‌ـ
ند یعنی اساسا هم ـشعرـسیاسی است .
شته شاعر را حق و رودبه‌سیاست نبود واورا دو رنگه میداـ
گفته واضح است که نمی‌خواستند راز شا ن از پرده بیرون

همینگونه شعر هـــم درانحصار و تصر ف ایشا ن بود ،
؟
رســت میگو یید اما علاوه‌کنم که در گذشته ها علم وفرهنگ
ار یکعده قلیل فر هنگ‌ ناشناس افتاده بود که شا عـــر را
زیری نبود چون خوا نندهٔ‌شعرش کس د یگری نبود . وچون
از سواد ودانش‌محــــرو م‌بودند ، از همین رو شعرا به دربار
ع مینمودند و ره‌آوردشعری‌خود رابه‌آنها پیشکش میکردند ،اما
ران همینگونه نمی کردند.دسته یی که بر ضد ستم و بیــداد
می افرا ختند و دست کم‌در شعر خود بر ضد ستمبار گـان
گر فتند ، نمی توا نیــم‌ازنا م بزرگوا را نی چو ن بید ل،
سرو ، مسعود سعد سلمان‌خاموشانه بگذریم .
طبعا از چند نگاه سرو ده‌میشود یارزمی وبز می است یـــا
و انتقادی . البته رز می‌وبزمی بیشتر طر ف پسند شاهانی
گرفت که به مقصد جها ن‌گشا یی وجاه طلبی وباده گسار ی
آرایی نکته های میدا شت،اماشعر اجتما عی که مظهر امیال و
ها ونیاز ها ی توده ها ی‌کثیر مرد م است ، و قتی اثر بخش
که بازند گی خواننـــده دررابطه باشـــد . روی همیـــــن اصل
، امروز شعر در خد مـــت‌مردم قرار میگیرد و اکنو ن شاعر
ارد که تا خواست‌عینی‌جامعه‌رادر شعر خود و سروده ها ی‌خود
دهد .

**ناطق : شعرا بـه دربـار رجوع‌مینمودند و دستا ورد شعری خـود را به آنها پیشکش میکردند ..**

شاعر امروز حق ندارد که‌شعرش‌قصه گو ی زلف افشا ندهٔ یار باشد بایستی شعرش شلاقـی بـاشد برگردهٔ ستمـــگران . شاعـر امـروز شاعر ، دیروز نیست و قصه امروزقصه دیروز . شاعر ببیند که‌مردمش چه میخوا هد ، درد اجتما عش‌چیست‌زمانیکه تا هنو ز اشبا ح‌ظلم‌درجهان سایه افگنده است و حضور ایـــن‌اشبا ح تا هنوز لکه ننگی برپیشانی بشر هست بایستی قلم و دمـــا غ‌شاعر بر ضد این ننگ بشورد و حرف وسخنی دیگر نگو ید . نمـــی‌گویم که شعر تغز لی و عا شقا نـه نبا ید خواند و شنید .

شعر تلطیف گر رو ح و روا ن‌آدمی است . ذهن وروا ن آد می را صیقل میزند و قلبش را ما لاما ل‌از عشق میکند حتما آنـــرا با یـد خواند .

* ـ اکثر شعر امیگو یند که هروقت نمی توا ن شعر سرود . شما چه نظر دارید ؟ آیا برا ی شعـــرسرایی زما ن ومکا ن منا سبی می خواهید !

**ـ واقعا در بسا حالات شعرتبارز نمی کند یا بهتر بگویم شاعر نمی تواند شعر بسرا ید . شا عربرای اینکه شعر ی بگو ید با یـد محل وگوشه امنی دور از غو غا ی‌روز مره بیا بد تابه آرامش فکر ی برسد . فکر واحسا س در آرا مش‌شگفته میشود چه شا عر مخترعی رامی ماند که بدو ن فضا ی آرا م‌نمیتواند دست به اخترا ع یازد .

* ـ به نظر شما ، در یك شعرقالب وصور ت کما ل اهمیت رادارد یا اندیشه ومضمو ن ؟

** اندیشه ایجاد گر قالـــب وصور ت است یعنی اندیشه تقد م

نوشته از :ماریا یو گینیا نیتوشاعر انگو لایی

ترجمه : نیك سیر

# آیاداستانهای عجیب وحیرت آوررا برای کودکان میتوان پیشکش نمود ؟

**این نو شته از مجله ((لو تس))ارگان نشراتی اتحادیه نویسندگان افریقا وآسیا تر جمه گردیده‌است**

• • •

در ینجا سوا لی وجود دارد که چندین سا ل است مطر ح سخن قرار میگیرد ، و با طر ح آن‌پرسش بسیار ی علاقه به مشکلات‌کودکان گرفته اند ، ودر ین میا ن بوده اند کسا نی که اظهار عقیده کرده‌وگفته اند که این مشکلات هر گز رفع نمیشود ، و دیگرا نی هم که درین زمینه تا مل کرده اند ، از خود یك نوع تردید بروز داده ، و درست اظهار عقیده نکرده اند ، و یا در عوض بلی گفتن نی گفته اند .

یکی از عوا ملی که مانع جسارت بیا ن شده است ، آنست که در جامعه نو ین جا ی برا ی مسا یل خیا لی و فا نتیزی نیست .

آیا قصه ها و داستا نها ی شهزاده گا ن وپر ی ها برای‌اطفال گفته اید یا نه ؟

در حالیکه تعداد وا قعی شاهان افسا نو ی وقد یمی که زمینه‌تخیلی حال تغییر بوده است ، ودر آنها جا عجیب نگر ی ها و داستا ن‌پر- دازی های حیرت آور در حال از- دیاد بوده ، وکود کا ن همیشه با افسانه ها ی دیو و پر ی رو برو بوده و هستند ؟

ولی با آن هم من به جر ئت گفته میتوانم که مفا هیم گذشته رابا ید شنا خت وبا ز ساز ی کرد ، و از فراموشی نجا ت داد و دیگر اینکه در شعا ع گذشته باید که آینده را روشن ساخت ، البته نه‌تنهابرای مقایسه گذشته وحا ل ، بلکه بدین وسیله مسیر حر کت و تلاش جامعه بشر ی را باید مد نظر گرفت ، که آن عبار ت از تصورا ت زیباییست که درخواسته های عموم نضج می- گیر د .

یك نگاه اجما لی اشکا ل نوین هنری و ادبی را مشخص میسازد که در قبا ل آن کار ها ی هنر ی و

**.. واقعیت اینستکه خواب ها وعجایبات تنها افسانه و پادشا هان نیست .**

موضو عات باز سازی گردد و ملاحظاتی راکه من به حیث‌انگیزه نویسندگا ن و هنر مندا ن برشمردم مقصد ی را بر آورده سازد ، که بحرا ن خلاقیت ها ی هنر ی ازبین برود و بیشتر ازین ابتکارا نه عمل گردد ؟

یا اینکه کوشش مایو سا نه در جهت ابداعا ت هنر ی صور ت گیرد ؟

اینکه از گذشتگان باید استفاده نمود ، نکته ایست که با ید استفاده از گذشته مثمر فایده یی باشد ، یعنی به کار برد ن تصورا ت گذ- شتگا ن در ابداعا ت کنو نی خالی از لطف نباشد و بدینو اسطه :

((در کشور ها ییکه بنگاه ها ی هنری ازطرف دولت‌تمویل میشود ،

شان در آنها وجود د
روغنیا ت،آهن ، مس
درسیارا ت به نظر م
نویسنده افسانه (( او
هوشیار ی خودرا بما
نما ید تا به مو ضوعا
علاقه بگیریم ؟ اینگو
مهربا نی و ستا یش
شهزادگا ن یکنو ع ا
شتن به مرد م است ک
ای بین یك شاه ستمگ
داشتن به روز ها ی
گردد ،و نه اینکه بوا
یسه نویسنده خوا س
دنیا ی با انصا ف ، ز
رانشا ن بد هد ؟

لیکن ماکنو ن منابع
زیاد بدسترس داریم

عا جز هستیم ،لیکن
ویسند گا ن سلـف
یش بینی کنیم ، و
ان را ستایش نماییم
ر است تا سخـــن
ه شاه وپر یا ن بس
اینکه این نکا ت بر
مــلات بوده ، ومربوط
بشو د که با آن‌سر-
ر یم ،و مر گ و زند
بو ط به مبارزه با آن
امعه بدو ن طبقــات
این جا معه تو ســط
ح ریزی شده‌است
را مت و بزرگی‌انسان
در کار خویش‌ارزش
ته باشد .
و ع آشکار است که
حیرت آور بخشی از
ا ن شمرده میشود و
هر نمود هنر ی‌نمایان
، باید گفت که حتــی
ه خوا ب و خیــا ل
. تابتوا نند خود را
ننی برسانند .
دنیا ی آزاد منشا نه
اده از دو گو نه‌امکانات
نند فکر خود رامتمرکز
ن اینکه میسر دریافت
رابلد باشند ، و در
جیز را ملا حظه نمــوده
ند .

نه را که اطفــا ل
ت اینرا دارند تا ازهر
ت استفاده بر ند ،می
ی جستجو کرد ،چندین
رسم یك خا نه ،چندین
مربو ط خا نه رارسم
لی آن خا نه دیوار ی
، گویا از نگاه آنها
ت ندا شته است .
که در خواب دید ن
آزادی وجود دارد ،که
ب دید ن بگو نه آزاد
[illegible]

بدست آور ند .
باید پرسید که چرا نکا ت عجیب
**وحیر ت انگیز برا ی اطفا ل‌ضروری**
پنداشته میشود ،برا ی اطفا لی که
**آینده رامیسا زند ، برا ی اینــــکه**
بشریت باید همیشه به پیش برود،
**وبرا ی اینکه جها ن ما حو ل خود**
راکشف کند و بشنا سد ، وبادنیای
پر از رمز و راز خویش آشنا گردد،
واشکا ل نو ین نزدیکی و همبستگی
**رابین خود بیا بند ،و با همسایگان**
ودنیا ی که اورا احا طه نموده نز-
دیکی بهم رساند . این جستجــو

**آیا قصه های جن و پری را برای اطفال باید گفت یانه؟**

بیست که همیشه وجود دارد ، بـه
امید اینکه زمین کا فی برا ی‌آیندگان
[illegible]

اندام کنند، ودنیا ی قابل اعتمـاد
علمی بسازند .
**ـ آیا منظور از ساختما ن مغــز**
بشر ی در چیست ؟ منظور حاد ثه
**قابل لمس است که تا هنو ز وبرای**
همیشه وجود دارد ،و انسان بکمك
آن چیز ها یی را کشف کند ، وآنها
را مثل روشنی روز نمایا ن سازد.
**تا طبیعت مثل آب زلال بهار ی‌صاف**
وآشکار گردد ، وطور ی بما معلو م
**شود که بهارا ن شادا ب در رو ی**
کره‌زمین بوجود آمده است ، درینجا
باید دوباره به جها ن خویش بـــر
گردیم ، به جها نی که کود کا ن ما
**تشکیل مید هند .**
اصل واقعیت اینست که خوا ب

پری وشهزاده وپادشا ها ن پراز
دانستنی ها و عجا یبا ت است .
**واین مو ضو ع را پر از زر ق و**
بر ق مثل آن افسا نه های‌گذ شته
**بسازیم ، بکودکا ن باید جر یا ن**
برق و قابلیت جذب و دفــع رانشان
**دهیم ، وبا ن ها تعاد ل و موا زنه**
را در یك حجره ،در یك جسم،ودر
یك سطح نما یا ن گردانیم وبیایید
**که همبستگی ونزدیکی مواد رابه‌آنها**
نشان دهیم وآنرا بانزدیکی و یکپا-
**رچگی انسا ن هم مانند سا زیـــم**
که جز همیشه بخشی از کل است
**برای اینکه بشریت احتیا ج‌داردکه**
به شکل گر و هی زند گـــی و
**کـا ر کند بـا ز هـم بـیا ئید**
که ضرور ت هما هنگی‌رادرارتباطات
**انسا ن گوشزد کود کا ن‌گر دا نیم**
و ضرورت احسا س برا دری وکمك
های متقابله رابا ن ها یاد آورشویم.
اگر ما سناریو های جالب فلمــی
**وزبا ن منا سب رابه کار بر یم ،باز**
هم کودکا ن را حیر ت و تعجـــب
نخوا هیم بخشید ؟
بیایید که در چوکا ت خطو ط و
**زوایا ی زندگی انسا ن ها ی‌مصنوعی**
و حـیا ت مـــا شین ها ی
مدر ن نفس بکشیم ،و بیا یید که
**کودکا ن را مو جو دا ت‌اهــلی و**
آشنا به حشرا ت وغیره گر دا نیم.
**برای اینکه شبا هت ها ی زیاد بین**
آنها وجود دارد ، در ینصــور ت
**زندگی ماشینی دارا ی منفعت‌خواهد**
بود ؟ بایستی بکود کا ن اجـزا ی
**ترکیب کننده را بیا مو زیم که‌ماشین**
بدو ن یکی از آن ها کار کرده‌نمی
**تواند ، عینا مثل انسا ن که درانزوا**
بسر برده نمیتواند .
**من فکر می کنم که اگر از ا ن**
نظر ی که در نخست با یدنکا ت
**حیرت آور ی برای کودکان‌بنگاریم**

# مکتوبات عبدالرحمن جامی نمایانگر شخصیت اخلاقی وانسانی او

ترجمه: ن.س

نویسندگا ن :
ا . از نبا یف
ل . ایپفا نو وا

انستیتو ت شر ق شنا سی‌اکادمی
علوم از بکستا ن اتحاد شورو ی‌که
دارا ی بزرگتر ین کلکسیو ن نسخ
خطی در جها ن میباشد (۱)توانسته
است که در محدوده وسیع‌فر هنگی
خویش یك تعداد نسخه ها ی قلمی
شاعر معرو ف شر ق نور الد ین-
عبدالرحمن جامی (تو لد نوا مبر
۱۴۱۴ - وفا ت ۸ نـوا مـبر
۱۴۹۲) به قلم خودش در گنجینه‌ی
خود بگنجا ند (۲) .

کلکسیو ن مربو ط این انستیتوت
تقریبا حاو ی (۵۳۱) کاپی از (۴۶)
اثر قلمی این شا عر بر گز یده‌است
که شامل نسخه ها ی زیاد قد یمی
ودست نو یس میشود ، از جملـه
نوزده نسخه آنها مربو ط قـر ن
(۱۵) بوده ، و (۱۱۹) آن بقرن(۱۶)
میرسد ، و در عین حـا ل (۱۰۶)
نسخه آنها از قر ن (هفده)نمایندگی
می کند .

سه نسخه دست نو یس (۳) و
بیشتر از (سه صد ) نسخه مکتوبات
واسناد جا می در آنجا وجود دارد
که‌بیش ازآن‌رانیز میتوان حدس‌زده
وتعیین مقدار نمود ، که این‌مقدا ر

میگردد ، که این آثار مارا قا بلیت
وتوا ن مید هد . تابعضی نکا ت‌قابل
بحث را در آثارو ی حل نما ییم .
وبر موضو ع روشنی بیشتراندازیم
به طور مثال این یك نظر تا یـید
شده در ادبیا ت است ، که ترکیب
هفت منظو مه جا می زیر عنوا ن‌هفت

جامی وشنا خت عناو ین آنها (۴)به
خصو ص در کلیا ت مو صو ف که
مجمو عه ی مهم از آثار جا می‌است)
وتحت نمبر ۱۳۳۱ (۵) حفظ‌گردیده
واز اهمیت به خصو ص برخور دار
است ، دستر سی پیدا نمود .

این کلیا ت تو سط شخص‌جامی
تالیف گردیده که مقد مه آن مو ید
این سخن میباشد . درسال(۱۵۰۲)
نسخه ای از رو ی آن نقل گردیده
است ، که در حدود ده سا ل بعداز
وفا ت جامی میباشد .

کلیا ت مربو ط تاشکند شا مل
(سی و هشت ) اثربوده( شش)که
تما م آن دست نویس خود جا می
میباشد .

قدیمتر ین کاپی ها ی آثار جا می
شامل کلکسیو ن انستیتو ت‌شر ق
شناسی اکا د می علو م ازبکستان

جا ی به خصو ص راکه در آثار
ونسخه های مربوط به جا می‌ومیراث
فرهنگی این شا عر توانا اشغا ل
می‌کند ، همانا کلکسیو ن نا مه ها
واسناد وی است ، که بیشتربـه
شاگردا ن ، ودوستا ن نزدیك شاعر
تعلق بهم میرساند ، و همـچنا ن
همبستگی وارتبا ط شا عر با وزیر
معرو ف وقت امیر علی شیر نوا بی
نیز در مجمو عه ای بی نظیر ی‌نمایان
گردیده است ، که دارا ی عـنوا ن
((مجمو ع مراسلات )) میبا شد ،وبه
نمره - ۲۱۷۸ (۹) در کـتلا گـ
انستیتو ت مو صو ف قید شـده
است .

این کلکسیو ن یا مجمو عه شامل
(۶۰۰) شر ح حا ل میشود ، کـه
تقریبا (۳۰۰) آن تو سط نورالد ین
عبدال حمن جا می نوشته شده ،
وبقیه توسط معا صر ین وی‌برشته
تحریر در آمده است .

این مکاتیب در جلد هـا ی ۴۵
ور قی وقا یه شده که هر کـدا م
دارا ی سه تا بیست نا مه راحاوی
میشود ، و یکی بدیگر ی ار تبا ط
ندارد ، وهر کدا م مطابق به‌فهرست
یانا م نویسند گا ن مربو ط آن می
باشد .

**باساس محتویا ت مکـتو با ت
جامی ، میتوا ن آنهارا به سه‌گروپ
تقسیم نمود :**

الف : آن نا مه ها ی که وی به
عنوان دوستا ن ویارا ن وشاگردا ن
خوش ، به خصو ص بنا م شا عـر
معرو ف از بك علیشیر نوا یی‌نگا-
شته ، این نامه ها معر ف برجستگی
وتفا هم ونما یانگر زند گی‌خصوصی
این دوشا عر وشخصیت بزرگـك
شده میتواند .

ب : مکتوبا تی که جا می بنام‌علی
شیرنوا یی وامرا ی کشور ی وسلا-
طین تیمور ی ، به خصو ص سلطان
حسین بایقرا (۱۵۰۶-۱۴۶۹) بـا
ارتبا ط به مسایل اقتصادی‌وفرهنگی
کشور نوشته است .

ج : همچنا ن نا مه ها ی که‌برای

ومقا صد این مکتوبا ت
مختصر روشنی انداخ
گرانبها ی اقتصاد ی
اجتما عی آنهارا در با
خراسا ن و ماورالنهر
بررسی و تحلیل نما ی
هیم توانست نکا ت ب
محسوس شخصیت مو
وحقایق فرد ی زند گ
رسی نموده وبر شمیر
درین مکتوبا ت جا م
میبر دازد ، وآنها را
کند ، که علاقه ودلبس
مسایل اقتصاد ی ، و
فرهنگی کشورش میر
خصو ص درین نا مه
زندگی وحالت معیشت
صنایع وثرو ت وروس
صنعتگرا ن میتوا ن نک
داشت.

همچنان ملاحظا ت
وستیز زمین دارا ن ک
آور برا ی اقتصاد کش
مکتوبات به چشم میخ
یکد فعه نیز کوشش
حسین میرزا ووزیر
شیر نوا یی را متو
سازد ، تااز دست زد
درین مورد خود دار ی
کوشش نموده که بتو
دوام رابین تما م جنا
بوجود آورد ، زیرا ف
اینگونه بر خورد ها ب
زیا ن مند وغیر قابل
(نامه نمره -۳۵ ) (۱
((... وقضیه صلح
شده بود ، امید است
بوقو ع پیو ند د، که
مسلمانا ن از هر دو
هست ، شك نیست
ایشا ن نیز بر آن خ
درنا مه دیگر جا
که سلطا ن را از مش
آگاه سازد ،واو را مت
مسئاله سازد ، وسعی
تااز قوه با لا ی دهقا

نارضا یتی تو سعه‌یابد
جا می از نوا یی خوا_
تا مرد م را کمك کند:
ته شده بود که‌درقبله
تاجا یی که واقــع‌است
جهتی نیست ، ایـــن
ع جهات شا هـــی

و چی‌غر ب وچی‌جنوب

است واز جفا مالامال
جا می باز هم نا مه‌ای
از امرا (شا ید امیـر
یی ) همرا ی‌درخواستی
:

لایت جا م به عذا ب
ست ما لیه گیرندگان
ا لی آنجا چار یك‌شده
مرد م آن محل از فقر
ا ی خود را تبد یـل
مکتو ب نمـره ۱٤٨)

فع نیاز معرو ض‌آنکه
ه کما ل اختلال‌رسیده
مانا که در ین ولارسد
ولایت رسانیده اند ،
لعا استطا عت آن‌نیست
صورت واقع‌بودبعرض
نیده بـوده انــد ،
ا ف داشته ، امسا ل
تما م دار ند ،التماس
موده درآن باب‌التفات
م فر مایند ...»

ر حمن جا می طـــی
۱۰۵ – ۱٤ و۱۵۵_
، و حمایت خودرا از
اد ی بسلطا ن و قت
تابتوا ند رضا یــت
ین باره بد ست‌آورد،
و صو ف ما لیه خود
ب بــه پـا یـین
ن به امتعه حا صلـه
بشا ن را نیـــز از
فو ق‌العاده مــعا ف
آنها را تبهد تستی

جامی تذکر مید هد که چکو نه ما_
لیا ت و تکس معمو ل اقتصادمملکت
رابه تبا هی کشاند ، و چطور مردم
این مالیا ت را متحمل شدند ، و
جامی طی این نا مه اظهار عقیـــده
می کند کــه بـا ار تباط بـا یـن
عار ضه زند گی اقتصاد ی مملکت
روبور شکستگی میرود .

او از سلطا ن استد عا می کند
که از ین سلسله ما لیا ت پر هیز
کند ، زیرا که آسا یش مـــردم و
مسلمانا ن همیشه مهمتر ازانست
که دستخو ش ضرور ت تکس وما_
لیا ت گردد :

((بعد از عر ض و نیاز معرو ض
آنکه حا ل رعایا ی شهر وبلو کا ت
بواسطه احوا لاتی که نسبت‌بایشان
واقع میشود ، به مقا م اضطـــرا ر
رسیده است ، ونزدیك است کــه
سلسله زراعت وسایر احوا ل‌ایشان
از انتظام بیا فـتد ... التما س
آنکه عنا یت نموده اهتما م فرمایند
که در احوالات تخفیفی واقع شود،
که اگر چه بعضی آنهارا ضرور ی
اعتقاد دارند – تاحد ی برمسلمانان
ازآن ضروری تر است ...»

حمایت کرد ن از مرد م عوا م‌از
خصو صیا ت اخــلاقی جا می است
برای اینکه در یکی از مکتوبا ت خود
از دهقان حمایت میکند که او یك
بخش تاکستا ن خود را فرو خـته
است ،بدو ن آنکه قیمت آنرا گرفته
بتواند (مکتو ب نمره ۳۸) (۱۷) :

((بعد از عر ض نیاز معرو ض
آنکه ... دارنده بزرگر مزار ابوالو_
لید بوده و ... که او بزرگتر بوده
فروخته اند ، ودر حصه او تعلـل
می‌کنند و قسمی را از آن حوا له
بکسی کرده اند که نمید هد،التماس
آنکه عنایت نموده چنا ن کنند که‌حق
او بدو رسد ...))

در یك نا مه مو لانا عبدالر حمن
جامی به حما یت از کفش دو ز ی
بر میخیزد ، که اورا مورد تهمـت
تقلب و دغل کاری در کار تولیـد
اجناس او قرا ر داده اند ، وتـــو

اگر عنایت نموده و جهتی شود که
اورا ازان کار تو به دهند ، وبا ن
طفل صغیر بخشیده آزاد کنند . ..
سبب ازدیاد دو لت وسعاد ت دو
جهانی باشد ...))

در کوشش ها ی تربیتی وتعلیمی
خود جامی میخوا ست که اینگو نه
روش رابین مرد م و سعت دهد ،
وسعی برآن میداشت که از تما م
امکانا ت استفاده نمـــوده ، و در
تعلیما ت مدرسه ی نیز این فور _
مول هارا پیاده کند ، زیرا که‌مقصد
داشت تا امور ما لی او قا ف نیـز
بوجه بهتر انجا م پذیرد ، وطالبان
مدرسه از عهده آن امور خو ب‌بدر
آمده بتوانند (مکتو ب نمره _۱۲)
(۱۹) .... یا بگو نه واضح ترشا_
گردا ن مدرسه قابلیت از عهده بر
آمد ن مو ضو ع راداشته با شند
(مکتو ب نمره _ ۳٦) (۲۰) :

((بعد از عر ض نیاز معرو ض
آنکه دارند گا ن مرد م غر یب‌وطالب
علم وفقیر اند ، اگر چنانچه عنا یت
نموده نسبت بایشا ن نو عی احسانی
واقع شود ، بسیار در محا ل مـــی
نما ید ...))

این شاعر انسا نی همـــچنا ن
متو جه پیشر فت و انکشا ف‌تجارت
نیز بوده ، برا ی اینکه تو سط یار_
دیرین خود را امیر علی شیر نوا یی
سلطا ن رامتو جه این نکته میساخت
که :

تجار ت دست اندر کارا ن واداره
چیا ن مالی ناتمام است ، زیرا‌ایشان
عوار ض وافزو نی زیاد ی رابرا ی
تجار خار جی محو ل میکنند ، تابه
خزانه دو لت تحویل شود ، که مانع
پیشر فت تجار ت میشود مکتوب
نمره (۵) (۲۱):

بقیه درصفحه ٥٤

---

۱ _ یك بخش کلکسیو ن‌مکتو _
با ت در هفت جلد در کتلاك اکادمی
علو م از بکستان اتحاد شـــورو ی
تبصره و تفسیر شده است(۱۹۵۲_
۱۹٦٤).

۲ _ لست تفسیر شده مکتوبا ت
عبدالرحمن جا می در انستیـتو ت
اکاد می علو م از بکستا ن دیده‌شود
(۱۹٦۵)

۳ _ کلکسیو ن شر ق شنا سی
انستیتو ت شامل شر ح حا ل های
بقلم جا می قرار ذیل میباشد !
شواهد النبوه لی التقو یة‌الیقینی
اهل الفتو ه (مبنی بر معر فت‌پیغمبر
وبرای تقویت ایما ن مرد م پـــا ك
طینت نمره (٤۲۷۷) .
نسخه از دیوان دو م جا می که
زیر عنوا ن واسطا ت العقد (مروارید
مرکزی گرد نبندی) شنا خته شده
دارا ی نمره (۱۱٦)
همچنا ن نسخه ای بنا م فوا ید
الضیاء (شر ح ملا) منسو ب بـــه
تفسیر ضیاء الد ین مـلا _ دارا ی
نمره (۸۸٦۲)
دونسخه مکتو ب هم در بین‌شر ح
گردیده‌است .
تذکره از قر ن (۱٦) توسط‌سام
میرزا (تحفه سا می جا می) _ شر ح
حالی که توسط شا گرد جا مـــی
عبدالغفور لاری بنا م (مقا مـــا ت
عبدالر حمن جا می) نوشته شده ،
ونیز تذکره مربو ط قر ن (۱۷)بنام
(مرآت الخیا ل) به قلم شیرخـا ن
لودی ، باید گفت که تعداد آثـا ر
جامی بین ٤٥_ ۹۹ میرسد .

۵ _ جلد ۱۱ نمره (۱۸۰۳)

٦ _ کلیا ت جا می که درکتلا ك
دور ن تشریح گردیده ، دارا ی‌نمره
(۳۳)_(۱۹۵۲) تعداد صفحه (۳٦۹)

۷ _ بار تل _ جامی _ ص(۱۳۳)

۸ _ نسخه نمره (۱۰٦۵) شکل
۱و ۲

۹ _ جلد (۱) تشر یح تو سـط
بارا تو وا دارا ی نمره (۳۵٦) سال
(۱۹٦٤)

۱۰ _ موجود یت یك تعـــداد از
مکاتیب که بعدا بدو ن امضـــا ء
نوشته شده‌است .

۱۱ _ نسخه ها ی نمره (۲۱۷۸)
شکل (۵ب)

# رسم ورواجهای سیستان

نوشتهٔ غلام ر حمن ا میری

وروا‌جهایی‌که دربین‌مردم بلوچ وسکنهٔ
ستان افغانی و جود دارد واز نظرنگارنده
تذکر است درینجا توضیح می شود .
ی ازین ر سوم عمومیت داشته ودر سایر
س کشور نیز به‌ملاحظه میرسد و لـی
ازان خاص و مربوط باین حوزه ا ست.
طوریکه موضوع جلوگیری از تـولـدات
اکثر مردم کشور ا همیت ندارد وبـــه
پسر به نظر نیك می نگرند درسیستان
ی هم خانواده هابهر اندازه که پسرزیاد
ه باشند خودرا بهمان اندازه سعادتمند
دارند . حتی برای آنکه بدانند زن حامله
خواهد آورد و یا دختر بمار مرده فال
رند . بدینصورت که مار مرده را ازمردم
ه و پس از آنکه آنرا سه دور میدهند
اصله تقریبا هشت تاده‌متر دورمی‌اندازند
ورتیکه مار به شکم بز مین بخوابدوشکل
ی خودرا بالای زمین اختیار کند بعقیده

برگزار می نمایند که دران به خاطر پســر
نوزاد عدهٔ از مهمانان بخواندن و نوا ختـــن
موسیقی محلی سهم گرفته وا ظهارخرسندی
ومسرت می نمایند . اکثرا درین محفل نام -
گزاری طفل نیز صورت می گیرد . دربعضی
مناطق ملای مسجد باعدهٔ از شاگردان وبچه
ها طی مراسم خاص بخا نواده نو زاد می‌آیند
که از طرف فا میل نوزاد شیرینی و چـــای
داده میشود این رسم را مردم محل بـــنام
(نشرح آوردن ) یا د می کنند .

در سنین پنج تاده سالگی معمولا دربهار
ویاخزان سال که هوا ملایم باشد مرا سم
(ختنه سوری ) یاسنتی طفل بر پا می شود
این امر نیز در جریان محفل خاصی که‌دران
اقارب و دوستان خانواده طفل اشتراك‌نموده
وباساز و آواز و رقص های محلی مجلس‌را
گرم می سازندز از طرف خلیفهٔ سلمانی‌بطرز
ابتدائی ومحلی اجرا می گردد .

تجلیل روز های عید درین حوزه ازسایر
مناطق کشور فرق زیاد ندارد. درین روز هـــا
علاوه از آنکه تمام افراد قریه ایام فر خندهٔ
عید را بهمدیگر تبریك می گویند با اقاوب
خویش در خانه های شان ملاقات نموده واز
آنها خبر گیری می کنند . بعضی اشخاصیکه
درجریان مدت بین دو عید بنابر علتی ناراز
وآزرده شده و قطع علاقه نموده با شند در
روز های عید بخش عناد را از خاطر بـــرده

ورابطهٔ نیك بین خویش دو باره بر قرار
می سازند جوانانیکه نامزد باشند حتما روز
دوم عید بخانه خسر رفته و مقدار کا فـــی
نقل ، د ستمال و تخم جوش داده و رنگ
شده بعنوان عیدی در یافت میدارند که‌معمولا
حصهٔ ازان را باقارب خود مید هند .

در مراسم ازدواج جوانان بیکس‌وبی‌سر -
پرست مو سفیدان قریه سهم گرفته و بــه
وساطت آ نها نا مزدی صورت می گیرد در
مجلس عروسی هم مردم قریه و اقارب‌نزدیك
یك دختر و پسر از هیچگونه همکاری‌وصرف
مساعی لازمه دریغ نمی کنند . گرچه‌مصارف
عروسی از طرف خانواده پسر یا خود دا مـــاد
تهیه می گردد و لی کار بهمین جا خاتمـــه

فرش اتاق و ظروف نانخوری
یاچند اتاق که برای مهمانان
همه از طرف مردم قریه واق
داماد بدون مطالبه کرایه و پر
تهیه می گردد . در صورت مو
موسیقی تقریبا همه جوانان در
مجلس پای کوبی و اتن و رق
گیرند . یکعده مردم از مناطق
در میلهٔ عروسی اشتراك می ک
توانند نسبت بعد فاصله بعد
در نیمهٔ شب بخانه های خویش

درین حصه نیز یکعده از مر
چندنفر از مهمانان را برای
بخانه‌های خودنمی برند تااز ب
به مشکلات بی خوابی و بی ج
نشوند واز جانب دیگر مشکلا
را ازین مدرك رفع نموده باش

بروز سوم بعد از عروسی
(بنام روز سه ) بر گزار می
هائیکه در مجلس عروسی اش
بودند باز هم جمع می شوند
نوبهٔ خود یکمقدار پول و تحفه
بعروس می پردازند . ازمجم
ومبلغیکه مرد ها تحت عنوان
می‌دهندیك‌حصه از مصار فعر
شده می تواند . این رسم با
بین مردمان بلوچ فارس نیز و
بجار تعاون از دواج یکی از
ومفیدترین سنت های قوم بلو
میان مترقی ترین اقوام و مل
نمی‌توان یافت بجار یعنی کمل
باجوانی که می خواهد عروس
بوجود آورد در هر چند بجار ش
وفقیر هردو می شود و لی مس
عقلاو دانشمندان بلوچ برای د
باجوانان فقیر این رسم را ع
تاموجب خجلت وانفعال داماد
از طرف د یگر جوانی که عرو
محل هزینه عروسی او را می

داماد مذکور مکلف است ب
بجار جوانان آینـــده شرکت ک
خویش را باجتماع بیر دازد

ر داخت آن معاف نیست (۹)
ب کشور ما این رسم باشکال
یشود در منطقه بینی حصار و
یـل و بعضی حصص لـوگـر
های چهار د هی و غیره‌مردها
این سنت را بجا می آورند
خاصتا در شهر ها در یـــــن
ك را از شکل نقد وپـول به
رده اندکه‌درحقیقت سا مان و
خانه داماد و عروس ا ز یـن
ود .

م واندوه نیز رسوم ورواجهای
حوزه به ملاحظه می رسدوفات
سالخـورده یکنفـر معمولا دلاك
، میت موضوع رابه‌اهالی قریه
یکی یا دو نفر دیگر ا طـلاع
، اقارب میت به مناطق دو ر
، مردمان قریه در همان ر وز
ر های خویش نمی روند ا ز
واشخاص نوع دوست وپول‌ـ
دارآمده و آمادگی‌خودرادرحصه
جهت مصارف بطور قــرضهٔ
ن مفاد ابراز می نمایند و در
رای مرده دارپول قر ضـ می ـ
از مردم قریه به ترتیب وفرش
معمولا مسجد) جهت فاتحه‌خوانی
ه‌ای دیگری شرایط مراسم‌تکفین
را آ ماده می سازند .
کندن قبر و تهیه لوازم مر بوط
ردیده و سه تاچهار نفر د یگر
در حصه خریداری مواد مـــورد
می نمایند . قبل از د فن‌مرده
صورت می گیرد اسقاط عبارت
و لیست که مرده دار بین عدهٔ
و مساکین توزیع می کند. در
یکی از اقارب نزدیك میت این
هده‌می‌گیرد و مقدار پو لیکــه
تخصیص داده مـی شـــود به

---

ح الله ناصح- بلوچستان سال
ـ ٩٤

توانائی مرده دار مربوط است معمولابزگران
از دو صد تا پنجصد افغانی ، کشتمندان از
ششصد تا هزار افغانی و خوا نین‌ازدوهزار
تاده‌هزارافغانی‌وبالاتر ازان اسقاط مید هند .
بعد از توزیع اسقاط میت دفن می گردد . در
اکثر حصص افغانستان قبر را بطرز معروف
(شق‌یاشامی )حفر می کنندو لی‌درسیستان‌عموما
قبر به صورت لحد کنده می شود . ازاینکه
تخته سنگ درین مناطق کمیاب ا ست ود هن
قبر را توسط خشت های که قبلا از مخلـوط
کاه وگل تهیه گردیده می پو شانند بامتداد
قبر بالای آن انباری از خاك ایجاد می نمایند
تا موضع قبر بروی اراضی ازین ا نبار خاك
تشخیص شود برای اینکه ا نبار خاك توسط
باد از بین نرود بالای آن یکمقدار کافی از
سنگریزه های رنگه که روی‌خاك‌را بپو شاند
می گذارند . یکنوع قبر دیگر نیزدرسیستان
بملاحظه میرسد که بروی ز مین بصو ر ت
یك اطاق کو چك گنبدی سا خته شده است
درین قبر ها اسکلیت دو تا پنج نفربملاحظه
می‌رسد . فعلا این نوع قبر در سیستـــان
رواج ندارد و ماهم برای او لین بار دراطراف
شهر غلغله سار و تار آ نرا کشف کر دیم
بعدا چند عدد دیگر ازین قبر ها در جر یان
سروی در بندر کمالخان به مشا هده‌پیوست.
مردم محل این نوع قبر را مر بوط بمردمان
گذشته این سر زمین می دانند. دردهات‌معمولا

مرتب در مجلس حاضر می باشند . درحوزه
مورد بحث ما خانواده متوفی برای سه روز
به پخت و پز و تهیه مواد غذائی نیاز ندارد.
هرخانه در همان قریه خود را مکلف میداند
یکمقدار نان از طرف صبح چاشت و شب به
خانهٔ مرده دار بفرستند . مقدارنانیکه‌فرستاده
میشود به‌تناسب تعداد اعضای خانواده‌متوفی
ومهمانان دور دست او تغییر میکند در مدت
سه روز مهمانان و خانواده متوفی از همین
نان استفاده می کنند . در پایان روزم سوم
مراسم فاتحه گیری ختم می شود و لــی
تکلیف فا میل متوفی هنوز باقیست نامبرده
تاچهل روز در هر روز جمعه به قدر وسع
وتوان خود یکمقدار غذا تهیه نموده و بمردم
می دهد درین خیرات ها باز هم مردم قریه
ودوستان فا میل متوفی در کار ها اشتراك
وکمك مینمایند .

از خیرات مذکور غربا ، مردم قریه‌وهرکس
استفاده کرده می تواند عدم اشتراك واستفاده
از خیرات برای مر دمانیکه ا حتیاج ندارند
عیب نیست . پس از گذشت چهل روزاقارب
نزدیك میت اعضای خانواده او را هر کدام
بنوبهٔ خود د عوت میکنند . منظور ازیـــن
مهمانی ها این است تا خا نوادهٔ میت موقع
نیابد برموضوع تاثرآور مرگ شخصی که‌از
دست داده است متمرکز گردد .

در بین د هقانان رواجی که قابل تـذکر
دانسته می شود (حشر) است‌بدین معنی کـه
اگربزرگری‌بنابر بر علتی در کار دهقانی و
زراعت پسمان شود ویا کدام زمین ناهموار
وبلندآبه را بخواهد هموار نموده و تحت آب
در آرد وبرای زراعت آماده نماید که کارخیلی
زیاد را ایجاب کند و یا اینکه باجرای پارهٔ
از کار های کشاورزی مواجه گردد که ازتوان
یکی دو نفر خارج بوده و در عین حال‌اجرای
آن در یك مدت معین و محدود ضروروباشد
در چنین موارد بزگران طبق عنعنه‌ای که‌دارند
اشخاص مورد نیاز را جهت اجرای کار فوق

دعوت می نمایند اشخاصیکه بکار د عـــوت
شده اند بو قت معینه جهت اجرای‌کارمذکو
حاضر گردیده وبصورت د سته جمعی باجرای
آن می پردازند این رسم را بنام (حشر)یا
می کنند .

() () در حشر بزگری که کار به‌آن‌متعلق
است‌تنها درحصهٔ تهیهٔ غذائی چاشت روزو
روزهای کار مکلفیت دارد و پس پر داخت
مزدو معاش در روز حشر معمولو مروج نیست
در بعضی حصص دیگر کشور ما ازین‌مراسـ
در گل کاریها واعمار خانه هـــای نشیمـ
نیز استفاده می کنند .

تاچندی قبل جرگه های قبیلوی نیز د
سیستان رائج بود. درین جرگه ها معمـو
یك یادونفر از خوانین واشخاص صا حـ
رسوخ قبایل اشتراك می نمود یگان نفر ا
اعضای جرگه را براساس تجربه ز یـــاد
معلومات وواقع بینی هم انتخاب می گردند
ازبعضی رو حانیون نیز درین جرگه ها دعو
بعمل می آمد . این جرگه ها بنابر ضرور
برای حل و فصل قضایای بزرگ تشکیـ
میشد . قضایای خورد مربوط بعوام‌ودهقانا
را خوانین فیصله مینمود . جرگه های‌قبیلو
درین منطقه بیشتر جهت حل مناقشات‌که بی
خود نین بوجود می آ مد وآن هم‌در مورد کـ
قضیه مدت زیادراه حل پیدانمیکردمدت‌زیـ
راه حــــــل پیـــــــدا نمـی گـی‌گر
منعقد می گردید . قسمت اعظم منا قشا
که درباره آن جرگه های قبیلوی تشکیـ




پیوسته بگذشته

# تربیت وتاثیر آن در اطفال

در اثر رهنما یی در ست والدین
ما ل وظا یف سپرده شده را با
ل وعلاقه ودقت انجا م مید هند .
– رسم طفل تو سط تبا شیر به
ابانها یا صحن حو یلی‌یارسا می
لای ریگ همراه دست یا رو ی
غذ تما م اینها برا ی تمر ین های
رافیا یی مفید است . واستعداد
ل واندیشهٔ اورا انکشا ف مـی
شند .

– بازی و فعا لیت ها ی دستـه
معی‌قبل از سنین مکتب طفـــل
را ی ورود به اجتما ع آماده می
زد فعا لیتها ی دسته جمعی‌اطفال
امل سیستم مغلق منا ســبا ت
تما عی میشود .
هنگا م باز ی طفل ممکن نقشـــ
ی مختلف ومورد علاقهٔ خود رابه
ده بگیرد .

باید تذکر داد اطفا لی که تا زه
درس و مکتب ویا کود کستا ن
میا ور ند با یست تحسین شوند

که‌طفل قبل از صر ف غذا دســت
ودندا ن خود را بشو ید زیرااجرای
عاد ت حفظ الصحو ی طفل را بـــا
دسپلین می سازد .
ضرور است تابه اطفا ل‌بفهمانیم
که زود بخوا بند و زود بیدا رشوند
وزود از بستر بر خیـــز ند در از
کشید ن در بستر برا ی مدت‌طولانی
باعث کا هلی و تنبلی میگردد .
– در سنین قبل از مکتب اساس
فرهنگـــك – ر فتـــار – کـــر د ار
وطرز بر خورد با افراد گذا شـــته
می‌شود .
در همین سن اطفا ل با یدعاد ت
سلام داد ن – خدا حا فظی کرد ن
احترا م به بزرگا ن و شفقت بـــا
خردان را بیا مو زند و کلماتـــی‌از
قبیل لطفا – اجازه بد هید – به –
بخشید و غیره را در بیا ن و تکلم
خودپرورش بد هند .
درسنین مکتب والد ین با یـــد
توجه جد ی وعمیق به تعلیم اطفا ل

بر خوردار با شند مو فقیت علاقه‌و
دلچسپی را بدرس تقو یه واستحکام
می بخشد مو فقیت طفل را شاد می
سازد .
بـــر عکس اگر عد م مو فقیت‌چند
مر تبه باشد دلچسپی اطفا ل را به
تعلیم‌و آموزش تقلیل مید هد . ودر
نتیجه در پرورش صفا ت طفـــــل
تاثیر منفی بجا میگذارد .
کمك به اطفا ل باید رو ی‌سنجش
وعاقلانه باشد اگر تما م و ظا یـــف
اطفا ل را والد ین انجا م دهند .در
آنصور ت قوه دما غی آنها زیـــاد
انکشا ف نیا فته وشاد ی لا ز م‌را
از موفقیت خویش احساس نخواهند
کرد .
– کمك باید طور ی صـــور ت
گیرد تا فکر ودما غ طفل را به کار
اندازد اطفا ل باید خود کار باشند
تاحد ممکن سعی شود تا تسهیلا ت
لازم وشرا یط مسا عد برای طفـــل
ایجاد شود .

شان را داشته باشند .
– مراعا ت تقسیم او ق
برا ی اطفا ل سنین مخت
است به خصو ص برا ی
صنف اول – داشتن تقس
به منزله عوا مل در جه او
می‌باشد .
سعی شود تا شا گر
ابتدا یی تقسیم او قا ت
مراعا ت نمایند .
– یعنی در وقت معین
اجرا ی جمنا ستیك – ص
صبح ، رفتن طر ف مکت
وظایف خانگی ودید ن ت
وغیره،همه به و قت معی
گیرد .
– اطفا ل هفت ساله آ
فتن مشوره ها ی مهربا
فیان خویش اند . اگر تل
شش به خر چ داده شود
راستگو یی پا کی – صد
همین دوره حتی پیشتر
وجود آنها بنیا ن گذا ش
– اطفال در خانه بای
مشخص را انجا م بد ه
خانه راپا ك نموده گرد
صافی کنند ظرو ف راپا
گلهارا آب بد هند . و ه
های مربو ط به خود را
دهند وقتی صبح از خوا
ستند بستر خود را تر
ضرور نیست که اطفا ل
کار خرا ب سر زنش ک
شکل آرا م برایشا ن گ
که کار خود را اصلاح ک
آنرا درست انجا م دهند
– هر قدر جسم نمو
اطفا ل از نگاه ساختما
تکامل میکنند خصو صیا
ها بیشتر مشا به به بزر
از جانب دیگر نمو ی جس
کم شد ن خستگی میگردد
درسنین نو جوا نی ت
خورد بین خواسته ها ی
واطفا ل شا ن بروز میک
اطفال رابه بی تو جهی و
متهم‌می کنند واز آنها ت

# تعلیم و تربیه و نقش آن در حقوق طفل

ه بگذ شته

وزار ت تعلیم وتر بیه
گی ناپذیر کتابـــها ی
ف او ل الی سو م رابا
ود متر قی ومعا صـــر
زبا نها ی پشتو ودری
نها ی از یکی ــ تر کمنی
ه وبد ستر س استفاده
رار داده است و به‌خاطر
شا ف بیشتر و بهـــره
از حق تحصیل پرو ژه
را برا ی تربیه متر قی
منا ساختن آنها بامیتود
نته تدریس رو یدســت
.

ی ودستور العمل های
به صور ت لوایح‌ترتیب
طبیق قرار داده که اداره
لم رادر مکا تب تضمین

ه وزار ت تعلیم وتربیه
قرار داده انکشـــا ف
لاقی و جسما نی آنهارا
گرفته است .
ر مکاتب جزء مضا مین
بار ی قرار داده شـــده

تعلیم وتر بیه به منظو ر
ز هم سا لمتر طـــر ز
را از نظر نیا ندا خته

به صور ت قانو نی موا د ی تصویب رسیده ومکلفیت های نو ی را در برابر مسئولان مکتب و وا لد یـن قرار داده است . چنانکه درمکلفیت های امر مکتب طور مثال این چند مواد رایاد آور ی مینما ییم مراقبت کیفیت ودر جه دانش رفتار و کردار محتو ی وساز ماند هی کار ها ی سیاسی وتر بیو ی شا گردا ن‌بیرون از صنف ومکتب وهمچنا ن نظار ت انکشا ف جسما نی آنها و همـین طور جلب همکار ی والدین شاگر- دان از طریق بر قرار ی تما سها و دایر نمود ن مجالس آنها ـ ایـراد بیانیه های پیدا گو ژیك و لکچـر های عمو می بر آنها و همچنـــا ن تامین مراعا ت اصو ل و قوانین‌رژیم صحی وتخنیك بیخطر کار در دا خل مکتب .

ادارهٔ سابق مکتب که ازادارهٔ سیاسی فیودا لی افغانستا ن‌فاصله زیاد نداشت به امر آن ـ سرمعلمان ومعلما ن صلاحیت بی حد و حصر داده بود چنانکه لت و کـــو ب اطفال بهر اندازه ایکه جنو ن آنها اجازه میداد مجاذ بود و اما شورای انقلابی در فر ما ن شماره (٢٦)این عمل را جدا ممنو ع کرده است . و وزار ت تعلیم وتربیهٔ جدا از آن مراقبت مینما ید .

حفظ نور مها ی حفظ الصحـــه‌از

عضو دایمی شورا ی پدا گو ژ ی تعین گردیده است . به منظـــور همکار ی در امور تعلیم وتر بیـــه شاگردا ن در مکتب کمیتهٔ پدرا ن ومادران تاسیس میگردد. و ظا یف کمیته پدر و مادرا ن ذیلا تصر یح میگردد:

ـ تحکیم رابطه میان فامیل‌ومکتب بغرض بر قرار ی وحد ت عمل در راه تربیه سالم اطفا ل .

ـ جلب فامیلها به اشتـــرا ك فعالانه در حیا ت مکتب و تنظیم ـ سازما ند هی امور بیرو ن از صنف ومکتب .

ـ همکار ی کمیته در راه تطبیق تعلیم وتربیه اجبار ی و همگا نـی شاگردا ن .

ـاشتراك اعضا ء کمیته در سا- زماند هی تبلیغا ت پدا گو ژ ی‌میان والدین وسا یر مرد م .

ـ همکار ی وکمك اعضـــا ء در تحکیم پایه اقتصاد ی و تعلیمـــی مکتب .

کمیته پدرا ن و مادرا ن درامور ذیل به مکتب کمك مینما یـــد . (مکلفیت های والدین) .

ـ تحکیم روابط بین جمعیـــت معلما ن و والدین شاگردا ن ومحافل اجتماعی .

ـ عملی نمود ن تعلیما ت‌اجباری ومجا نی هشت سا له اطفا ل(مدت

در پرتو تباد ل تجار ب تر بیـــت فامیلی .

در کار عملی نمود ن تدا بیـــر جهـــت تحکیم پا یـــه هـــا ی اقتصاد ی تعلیمی و مادی مکتب .

ـ تهیه وتنظیم وسا یل تفریح وکار ها ی دسته جمعی شاگردا ن در ایا م رخصتی .

ـ کمیته پدرا ن و ما دران پلا ن کار خود را برا ی یکسا ل یاششماه ترتیب مید هد .

ـ کمیته پدرا ن و مادرا ن مکتب جهت بررسی ویا فیصله مسا یـل مهم حداقل در سا ل دو دفعه‌مجلس عمو می یا کنفرا نس پدرا ن ومادران رادایر مینمایند .

کمیته پدرا ن ومادرا ن حق دارد گزارش امر مکتب را در باره وضع مکتب و دور نمای آن و تو ضیحات اورا رو ی مو ضو عا ت ذیعلا قـــه والدین بررسی نماید .

این بود یك سلسله حقـــو ق و مکلفیت های والد ین در برابراطفال ایشا ن تاجا ییکه به مکتب دار ی ارتبا ط دارد .

از آنجا ییکه سیستم جد یـــد تعلیم وتربیه مد ت تحصیل دور ه به کلور یا را دوسا ل تنقیص دا ده است به این عباره که شا گردان‌بعد ازتطبیق دوره دهسا له میتوا نند شامل پو هنتو ن گردند .

وزاز ت تعلیم وتر بیه آرزو مند است تادر سرتا سر کشور کود ـ کستانها ی برا ی اطفا ل زحمتکشان تاسیس نما یـد این امر نه تنها در انکشا ف جسمی و معنو ی آنهـــا مفید است بلکه به والد ین مو قع بیشتر مید هد تادر امور محو له خویش مسا عی بیشتر نمایند .

از آرزو های دیر ین دو لـــت انقلا بی بوده است تا برای تـــمام اطفا ل معیو ب نابینا و عقب ما نده مکتب های اختصا صی دایر نما ید واما مشکلات عمو می از یکطر ف و مشکلات از نا حیهٔ ندا شتن پرسونل اختصا صی برا ی تربیه همچـــو اطفا ل مارا موقع نداده است تادرین

# مع زنان در کشورهای سرمایهٔ داری

ب مانده ، سد راه رشد وشگوفانی
ی زنان گشته تا زمانیکه طبقات
سوصی و جود دارد برابری زن و
واند تحقق یابد ، بحران عمیـــق
جتماعی که جهان سر مایه داری
نه است برای ز نان هم مانندهمه
ار مغانی جزبیکاری ، بی حقوقی
ی پایان چیز د یگری نداشته

کشور های سر مایه داری مورد
رین اشکال بهره کشی واستثمار
رمایه های بزرگ قرار می گیرند.
ضع نا گوار ز نان در کشورهای
ی مورد ار زیابی قرار می گیرد
چیز دیگری د و گرایش متضاد به
رسد ، از یکطرف تعداد زنان که
ر اند رو به افزایش است وعرصه
ی که ز نان گر دانند گان آن اند
یابد واز جانب د یگر به حکـــم
رسمی گراف بیکاری در بین زنان
ی خودرا می پیما ید وتعدادزنانی
ر بیکاران می پیوندند واز پروسهٔ
ن ریخته می شوند بیش از هروقت
، در یکتعدادکشور های سرمایه-
رن ایالات متحدهٔ امریکا، انگلستان
د ز نان کارگر بمثابهٔ نیرو ی‌کار
بطور قابل ملاحظه افزایش می‌یابد،
۳۶٫۲ فیصد ، در ژاپـــن ۳۹٫۳
اسپانیا ۲۲ فیصد ، در آلمان‌غرب
د کارگران و کار مندان را زنان
هند . در حالیکه در کشور های
مایه داری چون فرانسه ، ناروی،
ارك تعداد زنان شاغل روز تاروز
یابد .
ده ز نان در کشور های پیشرفتهٔ
ری در عرصه های صنایع خفیفـه
راعت ودیگر انواع خدمات ما نند
خشکه شوئی و غیره مصروف‌اند.

زنان مستعد بکار ، کارگر و کار منداند ، نقش زنان در عمده ترین‌بخش های اقتصادی مانند صنایع الکترونیك ، رادیو تخنیك ، صنایع شیمی و غیره رو به افزایش است، بطور مثال در امریکا چهل فیصد کارگران عرصه های صنایع الکترونیکی را ز نـــان تشکیل مید هد ، زنان ز حمتکش در کشور های کاپیتالیستی جزء متشکله صفوف پیشرو طبقه کارگر را میسازند و باسهم گیری فعال در مبارزات بخاطر حقوق سیاسی و صنفی طبقهٔ خویش پو تنسیال جنبش کار گری را درین کشور ها نیرو مند تر میسازند .

آنگاه که به توضیح مسئله زن در کشور های سر مایه داری می پردازیم باید خاطـر نشان گردد که جا معهٔ سر مایه داری بــه سهم گیری ز نان در امر تو لید ا همیتـی قائل نیست ، و لی زنان ناگزیر اند تا جهت رفع نیاز مندیهای اقتصادی خانوادهٔ خویش به پروسه تو لید بپیوندند ، زیرا د ستمزد شوهران و پدران نمی تواند تکافو ضرورت های خانواده ها رابکند ، در عین حا لیکه عدهٔ کثیرزنان از ۲۵-۳۵ ساله‌بگناه‌ای مادر شدن و بار داری از کار اخراج می گردند ، درامر استخدام ز نان بار مشکلات فراوانی وجود دارد و زنان اولین قربانیان اخـراج از کار اند .

مثال ز ندگی و مصروفیت زنان در کشور ایتالیا نمونهٔ از تبعیض و نابرابری زن در جهان به اصطلاح آ زاد است ۱٫۸۰ ملیون زن و دخترجوان‌سنین ۱٤ - ۲٤ سا له یعنی ٤۳ فیصد از تعداد مجمو عی بیکاران ایتالیا زنان اند که از کار وتحصیل محروم می - باشند . بخاطر تو جیه و ضع نا برابرزنان در کشور های سرمایه داری ، لابر اتوارهای جعل کار کشف دروغ و عوا مفریبی گردا - نندگان انحصا رات بزرگ تئوری به خـــانه برگشتن ز نان را و سیما تبلیغ می نمایندو معتقد اند که زنان کنیز خانه اند، باید بـه

## بشکست تا ابد

«توای خواهر »
ای موج های خاطر افسرده و پریش
ای چشم انتظار
ای قلب های یاس نحدر یای زندگی
در اوج کهکشان
در تارم سپهر
آزاد و سر بلند
بی بیم و بی هراس
شاهین وار بر افق قلعهٔ بلند
جوش و خروش کن
ای طفل بی پدر
ای مرد رنجبر
ای بیوهٔ شکسته دل از د ست ظالمان
مسرور و شاد زی
شب های ظلمت تو به پایان رسیده‌است
شلاق روز گار
در صحنه حیات
فرق ستمگران و چپا و لگران دون
بشکست تا ابد
آن جا نیان تشنه بخون ستمکشان
در گردش زمان
محکوم دخمه های دل روز گار شد
ای طفل بی پدر ، ای مرد ر نجبر ،
مسرور و شاد زی مسرور و شاد زی

## توای خواه

تواکنون دیگر آ زادی
توای بنیان گذار هستی عالم
توای مرهم گذار قلب های ریش
توای روح پرور شب های یاس
هـــا
توبایاران همرزمت
تو با مردان این میهن
به قلب آ تشین از عشق
مردم رزم
به سنگر رو برای محو استعمار
برای محو استثمار
توای امید های خلق
تو مانند نیا کانت
ملالی ها و زرغون ها
برزم با قطرهٔ خو نت
نهال آرزوی میهنت را
بارور گردان
تو ای خواهر

های خودطی مقاله‌ی می‌نویسد:
ه از کار کمترین امکان عملی
ار را ندارند ، بخصوص زنان
بالاتر ازان و آ نعده ز نا نیکه
ندارند و همچنان ز نا نیکه
ط ماشین های عصری تعویض

وازی در کسب‌تحصیل مسلکی
دانش حرفوی نیز برای ز نان
فراوان به‌ار مغان دارد ، علاوه
ار ز نان نیز در مقایسه بـــا
دان بیشتر است ، بطور مثال
فته کامل کار برای ز نان۸٦
مردان ٤٦ر٥ ساعت است .
دلانه بوژوازی بیرحمانه ز نان
ما رد بدون آنکه کو چکتریـــن
لفیق درست و ظایف ما دری
در اختیار او گذاشته باشد ،
ز کارزن ، حمایه مادر و کودك
. باقی مانده است ، دراکثریت
سرمایه داری دستمزدزنان‌کمتر
ن وازین طریق‌انحصارات‌بزرگ
را می بلعد ، مادر شدن‌برای
، در شرایط نظام سرمایه‌داری
ی بحساب میرود ، زیرا که
ار داری ووضع حمل ز نان از
گردند ، اکثر ز نان منجمله
ز سیستم حما یه مادران که‌حد
ز نان تنها در چو کات قوانین
بکلی محروم اند ، شبکه های
طفال که می بایستی در خدمت
اشد اکثرا مو سسات شخصی
ازان منحصر به یکعده اقلیت
مثلا در ایتالیا چهـــل و سه
مجبور اند بخاطر نگهداری‌اطفال
ۀ تو لیدی بدور بمانند .
ری د ستمزد در برابر کـــار
زنان که از طرف ساز مان‌جهانی
یده است با پررویی درجوامع
قص می گردد ، در ایالات‌متحدۀ
، کار کنان مهمانخانه هـــا ،
غیره مستحق استفده از مزایای
د ستمزد نیستند، بطورمتوسط
ر۵۸ فیصد معاش مر دان را در
ساوی تشکیل مید هد .

۱ معاش سالانه ز نان در کانادا



تولید پنجاه هزار محصول را کنترول می – نمایند ، در کشور های دیگر سر مایه داری نیز و ضع ز نان بهتر ازین نیست .

درسویدن ز نان ۱٦ر۸ فیصد کمترازمردان معاش می برند ، در کشور انگلستان ۴۰ر۷، در بلژیك ٤ر۳٥ فیصد در ایتالیـــا ۸ر۲٤ فیصد ، در فرانسه ۲۷ر٥ فیصد ، در آ لمان غرب ۲۹ر۳ فیصد ، در سویس ۳٦ر۳ فیصد معاش ز نان در مقایسه با دستمزد مردان کمتر است .

زنان در کشور های سر مایه داری تنها در ارتباط با در یافت معاش مورد تبعیض‌قرار نمی‌گیرد ، بلکه مستحق استفاده از تامینات اجتماعی نیز می باشند ، بطور مثال تقا عد زنان از مردان بمراتب کمتر است ، ازبیمه های اجتماعی ز نان استفاده کرده نمی‌توانند

بسیاری از زنان اصلا مستحق تقاعد شناخته نمی شونـ دازآنجائیکه نمی توانند اکثرا بطور منظم و د وامدار در یك مو سسه کار کنند.

موسسات تحصیلی مصروف فرا گرفتن‌حرفه های‌عنعنوی ز نان اند ، در آلمان غرب ایـــن رقم به نود و چهار فیصد میرسد که درنتیجه معاش آ نان یك بر سه حصۀ معاش حر فه های مر دانه است .

در نتیجۀ مبارزات پیگیر و د وا مدار زنان برای تساوی حقوق شان ، در دهۀ های‌اخیر دگرگونیهای در قوانین جوامع بورژ وا ز ی در باره مقام زن در خانواده بعمل آمده‌است ولی در هیچ یك از کشور های سر مایه‌داری زنان از حقوق مساوی در خانواده بر خوردار نیستند ، زن‌حق مساوی استفاده‌از ثروت‌های مشترك خانواده راندارد . همچنان حق طلاق اکثرا منحصر به مرد است و در یکعده‌کشور ها چون اسپانیا ، برازیل ، ایر لند طـلاق قانونا ممنوع است .

بورژوازی بانیرنگ و حیله گری حـــقوق سیاسی زنان را لگد مال می نماید . دراکثر کشور های سر مایه داری ز نان از سهم –

حق شرکت در فعالیت احزاب‌سیاسی،اتحادیه
های کارگری و ساز مانهای مختلف توده‌ای
را و نو بشکل فور مالیتی داراء می باشند
درکشور های‌پیشرفته کا پیتالستی مبارز
بخاطر تساوی حقوق زنان در کلیه عرصه‌ها
اعم از سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی، علیه
تبعیض در برابر زنان یکی ازضروری ترین
مسائل جنبش خروشنده کارگری را تشکیل
می‌دهد .

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان
ازطریق ساز مانهای ملی ز نان به مبارزات
پیگیرودامنه دار خویش د ر جهت بهبـــو
بخشیدن به و ضع ز نان در سا حـــات
اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فر هنگی
احترام بمقام زن در درون خانواده ها ا دا
زنان مبارزه بخاطر صلح ، تهد یدمسابقات

تسلیحاتی و خلع سلاح را از پیك
تا مین مساوات زن در عرصه های ا قتصا
واجتماعی انفکاك ناپذیر میدانند .

نوشته .ع. خلیل ((رومان))

# نامهٔ سرباز انقلابی بهٔ نامزدش

میخوا هم از فا صله ها ی دور چشما نت‌را ببو سم . ا جا ز ه بده برایت سلام ها ی گر م و پرحرارتم را از اعما ق قلب پر تپشم ارسا ل کنم . سلام بر تو ! سلام بر حزب قهر ما ن تو ! سلام بر فضا ی‌رز- منده و دلیر تو !

تو که در پرتو خو رشید گو نهٔ حز بـت را هـم تا پا یان عمر ، تا وحر کا ت و سکنا ت و جود م را به کنترول در آورده ای . من در خود احسا س عظیمی را می بینم ، دلم میخوا هد تو همراه من با شی ، شا هد پیروزی ها و کا مگا ر ی ها ی من ! .

میدا نی عزیزم !و قتی از تـــو اجازهٔ‌رفتن به خدمت مقد س‌عسکری گر فتم ، آنزما ن خو ب‌بیادم‌هست، سخنان پر حرارت تو هنوز درگوشم

آمادهٔ خدمت است . ضرور ت این کلمه مقـدس را خوب شناختـه ام و برا ی انجا م آ ن بهر قیمـــت با شد حا ضر م . اجازه بد ه‌برایت کمی از وضع ما ن بنو یسم :

وقتیکه ما درین جا آمدیـــم ، اجیران گو ش بفر ما ن امپریا ـ لیزم وا رتجاع سیاه آنقدر اذها ن مردم بیچارهٔ ما را تخدیر نمـــوده بودند ، آنقدر اهداف حزب ودولت را وارو نه جلو ه داده بود ند ، آنقدر سرور ،وحشت ،پرو پا گنـد نموده بودند ، که مردم قر یه حتی ازنگر یستن بطرف ما خود دا ری مینمودند . این د شمنا ن اجیـــر شده دو سه‌مکتب را سو ختا نـده بودند ، اهالی را کشته بودند . پل نزدیك زمین ها ی زراعتی را تخر- یب کرده بودند . دشمنا ن انقلا ب

خو را که وادویه دادیم را بگرو پ دا کترا ن س دادیم و از ین قبیل کا ندو ستانه .... دو روز بود ، صبح هنگا میک بلند میشد یم مردان و با چا ینك ها ی چا ی تندو ر ی ، مسکه و داشتندازما استقبا ل وبرا ی ما آوردند . قو هر چه اصرار کرد که را نمیخو ریم و لی هـ نمیکرد . سه چها ر شا ن نزد ما آمدند و گ اها لی قر یه خوا هش تااین هدیهٔ نا چیز ما ر و گر نه آنها خفه می قو ما ندان ما د عو ت نمود. یکجا با اها لی را خوردیم . قو ما ندا

**مقد مه**

افتخار جاویدان بر جوا نا نیکـه‌راه نبرد با دشمن را انتخا ب‌نموده‌اندو در جهت آهنگ دفا ع ازانقلاب ومردم و در راه تـرقی و ا عـتلای‌کشور محبو ب افغا نستا ن و به‌غر ض سا ختما ن زند گی پـــر ا فتـخـا ر ، چـــو ن سـخره سنگ محکم و پا پر جا ایستاده اندجا دارد که تاما در وطن بر همچو جوانان بنازد ، و از اشتراك شان‌و در صفو ف قوای مسلح قهرما ن‌وحما سه ساز و کمیته ها ی دفاع از انقلاب بخود ببالد .

خواهشمندیم نامه جوان سر بازکه‌بیانگر احساسات یك جوان ا نقلابیست عمیق تر مطا لعه گر دد ودر شما رهٔ آینده جو اب مکتو ب ازطر ف نا مزدش نیز دا را ی‌محتوی‌خو بی است لحظهٔ خوا نند گـان ژو ندو ن را مسرو ف نگهـــدا ردامید واریم مطالب هر دو نا مــه‌گواه خوبی از و طنپر ستی و میهن دو ستی بر ای خو انند گا ن‌ژو ندون‌به ارمغا ن بیا ورد . به انتظارنامه دو می اینك نا مه او لی رابه خدمت تقدیم میدا ریم .

پا یا ن سفر زندگی رو شنا ئـــی بخشید ی .

تو که تار تار و جـــود م ر ا، استخوا نم را ، خو نم را و قلبم را با آرزو ها ی شرا فتمند ا نـــهٔ طنین میا فگند ، کـــه میگفتـــی : ((برایت اجا زه مید هم برو ی‌برای رنجد ید گا ن وطن،برای‌زحمتکشان وتوده ها خدمت کنی .)) آری من اینك در عر صهٔ خد مت ایشا ن‌قرار

شبا نگا هان دزدانه با لا ی خا نـه ها ی بید فا ع مرد م حمله میبردند ما ل و خا نه ها را تا را ج‌میکردند، اطفا ل ، پیره زنا ن وریش‌سفیدان را لت و کو ب نموده دو با ره فرار

خوا ست تا مردم را در پیشروی مسجد شد یم . قو ما ندان ا و دو لت ج.د.ا را تش ماهیت دشمنا ن را که

شته

# اسیون
# دموکراتیک
# ن المللی زنان

ترقی فدراسیون
سازمانهای ملی زنان
ب تجلی داشت ،
ا مترقی ودموکراتیک
س جهانی زنان بود .
موکراتیک بین –
ن آغازموجودیت خویش
ین خواست ها وآرمانهای
زنان بوده ونوای صلح –
به گوش هارسا –
ازن به مثابه مادر
ی دیگر تشنه صلح
س پرارج ومقدس ازعشق
خودش ودیگر نو نهالان
ی گیرد .
که صلح وآرامش گرانتی
با مرد ، سعادت کانون
تبسم کودکی محسوب

موکراتیک بین –
مثابه حامل احساسات
حیثیت فاکتور موثر
بات همکاری و تشریک

کودکان ، وظایف زنان درمبارزه به‌خاطرصلح دموکراسی وترقی اجتماعی سخن زدند .

زنان کشور های مختلف در شرایطی‌گرد آمده بودند که فضای بین المللی متشنج و مختنق گردیده ، امپریالیزم با زبان جنگ سرد ، ایجاد بلاکهای نظامی تجاوز کار ، پایگاه های متعدد ، احیای ملیتاریزم آ لمان وده ها عمل شیطنت آ میز د یگر صلح جهانی را تهدید می کرد .

فریاد خشم ونفرین ز نان علیه جنگ افروزان و نظا میگران در مانیفست صلح مصوب این کنگره مظهر یافت . در سندآمده است: « هنوز ز خمهای سر نیزه های ز هر آگین و مرگ زای فاشیزم در قلب ها تازه است . شهر های ویران شده در جنگ هنوز مخروبه اند و لی سر د مداران معا مله حلقه های نظا میگر ونمایندگان سر مایه های بزرگ در ایالات متحده امریکا وانگلستان خیال افرو ختن جنگ جدید جهانی را درسر می‌پرورانند و می خوا هند خلق ها را در فاجعه و حشتناک بکشانند ، آ نان بشریت‌را مانیفست ز نان را به دفاع‌فعال از مواضع

نیروی ما بسیار عظیم است ، تلا ش متحدانه ما بخاطر صلح ، دمو کراسی‌وزندگی بهتر بسوی قله های شا مخ پیروزی‌راه‌گشای مان خواهد بود این سند پر بها پلان‌مشخص وعملی را در برابر ز نان بخاطر پاسداری از صلح قرار داد .

اجتماع بو داپست مسیر فعالیت و پیکار زنان جهان را تعیین و مشخص ساخت .

درسال ۱۹۵۳ جهان شا هد حادثهٔ پر – اهمیت دیگری بود . کنگرهٔ کو پنها گن مرحله نوین‌کیفی در امر استحکام و نیرو مندی‌جنبش درست انعکاس گر ارمان ها وخواست های حقوق مساوی بحساب میرود .

دو هزار فرستاده ز نان هفتاد کشورجهان وهمچنان‌نم ایندگان ده ساز مان بین ا لمللی در کار این کنگره اشتراك داشتند ودرجریان کار پر ثمر خویش سند پر بهای را تصویب نمودند . این سند که اعلامیهٔ حقوق زن نام داشت انعکاس‌گر آرمان ها وخواست های دیرینهٔ ز نان بوده و درشرایط امروزی‌اهمیت خودرا حفظ نموده است .

در اعلا میه آمده است که :

« کلیه ز نان صرف نظر از تعلقات‌نژادی، ملی و مو قف اجتماعی باید از حقوق ذیل برخوردار باشند :

- حق تضمین شده کار .
- حق انتخاب آزاد حرفه و مسلك .
- حق اشتغال در تمام سا حات اجتماعی واداری .
- حق درافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی .
- حق مساوی استفاده از نیمه های اجتماعی .
- تضمین حق در یافت دستمزد برای زنان دهقان .
- حمایه از مادران و کو د کان ، حق مصئونیت کار .
- حق تحصیل ، منجمله تحصیل مسلکی .
- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن د ر تمامی ار گانهای ر هبری جا معه بدون‌تبعیض.
- حق ایجاد و فعالیت آ زاد ساز مان‌های دمو کراتیك ز نان واشتراك در دیگر سازمان های دمو کراتیك .
- حق داشتن ز مین واستفاده کردن ازآن برای زنان د هقان .
- حق مساوی مدنی با مردان در ار تباط

وپیکار شان بخاطر تحقق آ رزو ها وارمانهای زنان گشود . بعد از این کنگره در یك عده کشورهای جهان سازمان های ملی تازه زنان ایجاد گردید بطور مثال در زیلاند جدید ، پرتگال ، ژاپن ، افریقای جنوبی، هندوستان ودیگر کشور ها .

فد راسیون ز نان هند که ۳۲ ساز مان محلی ز نان را در بر می گرفت واجتماع‌زنان ژاپن که در آن چهل ساز مان ز نان‌متشکل شده بود پا بعرصه و جود گذاشتند . ا ین کنگره موج جنبش دمو کراتیك ز نان کشور های امریکای لاتین وافریقا را خرو شان‌تر گردانید .

چهار مین کنگرهٔ زنان جهان منعقدهٔ ویانا درسال ۱۹۵۸ نتایج کار فد راسیون را در ارتباط باحل مسئله زن ، تا مین تساوی‌حقوق زنان ، نقش آ نان در پیشبرد اموراقتصادی، سیاسی فر هنگی واجتماعی مورد ارزیابی قرار داد .

اشتراك کنندگان ، گذارش فعالیت ها و عمل گرد فد راسیون را طی پنج سال بعداز کنگره سوم استماع نموده ، منشی فدراسیون را برای پنج سال آ ینده تصویب کر دند . نمایندگان ز نان هشتاد کشور جهان درویانا گرد هم آمده، پرابلم ها و پیروزی‌های پیکار زنان را بخاطر تا مین حقوق و آزادی هایشان جمع بندی نمودند .

مانیفست این کنگره که‌انعکاس د هنده مطالبات و آرزو های پایمال شده ز نان بود تقاضا داشت تا بمقام زن بمثابهٔ مادر موجود زحمتکش وپرورنده نسل های انسان‌احترام شود وامکانات همه جانبه تا مین گردد تازن بتواند و ظائف مادری خویش را با سهم – گیری فعال در حیات اجتماعی مو فقا نه تلفیق نماید .

در ماه جون ۱۹۶۳ شهر قهرمان مسکو ، پایتخت کشور شورا ها دو هزار نماینده و فرستاده ۱۸۰ ساز مان ملی زنان ۱۱۳کشور را به آ غوش پذیرفت . نمایش عظیم‌وتاریخی مسکو افاده گر نیرو مندی موج خرو شندهٔ جنبش دمو کراتیك ز نان بوده و گسترش صفوف رو بندهٔ آ نرا یکبار دیگر به ا ثبات رسانید .»

جلسهٔ و سیع مسکو به اشتراك ساز مان های باائو توریتهٔ بین المللی دایر گر دیده ورول مسایل ذیل شور وبحث بعمل آمد :

# لب میگون

باز امشب ز لبت بو سه‌فراوان گیرم
دل بشکسته خودرا زتو تـاوان گیرم
من نه خضرم که لب چشمه‌حیوان گیرم
چون بنوشم لب میگون تـراجان گیرم
داغها ی دلم از دید ن آن تازه‌شود
کاش خال لبت ای!شوخ بدندان گیرم
از پریشا نی خود شکوه نما یم تاروز
یك شبی دا من آن زلف پریشان گیر م
حقهٔ لعل نیاید بخدا در نظرم
پی افشرد ن اگر حقهٔ‌پستان گیرم
دامن چسپ اگر چه طرب‌انگیزبود
نتوانم نظر از چا ك گریبا ن‌گیرم
خنده یی کرد چو بشنید کــه‌میگفت «سنا»
باز امشب ز لبت بوسه فراوا ن‌گیرم

محمد اکبر ((سنا)) غز نو ی

# یادی ازروزگار من برید

دوستان عرض امیدم برنگار من‌برید!
رحمتی بر خاطر امید وار من برید !
زین دیار شهر تنگم ،شهریارمن‌کجاست؟
لطف کردیمو مرادر شهریار من‌برید!
یابمن از خاك پایش سرمه واری آورید،
یامرا در رهگذار شاهوار من برید!
گرهمی خواهید جان آسان دهم هنگام‌نزع
جای تکبیر وتلاوت نام یار من برید!
در پریشان روز گاری گر رود «عینی» ز دهر،

از : محمد عزیز «رویش»

# شمع حسرت

ای نو شگفته غنچه عشق و امید من
د یشب که بالباس حریر سپید خویش
باچهرهٔ بشاش تو بودی کنار من
وانگه میان فانوس چشمان خسته‌ام
میسوخت شمع حسرت عشق لبان تو
وز چشم پر فروغ هو سریزومست‌خویش
بایك نگاه گرم ربودی قرار من
وانگه
باحیله و فریب
رفتی ز پیش دیده ام ای ماه زودگذر
اکنون دل حزین
هر لحظه می تپد
یاد تو می کند

کابل ـ خیر خانه مینه
۳۰ سنبله ۱۳٦۰

# نسخهٔ از حسن یار

باز بزم گـل‌فشانی نو بهار آ را ستــه
صحنه از گلهای تر در هرکنار آ ر
از نزاکت میکشد زر تا ربرخاك آ فتاب
دیبه امرا بالــباس ز ر نگـــار آ را
می خرامد یار اینك درجهان‌نور و گل
باز خودرا با حریــر آ بشار آ را
تاسحر برپیشوازش‌ریزه‌باران ر یخته
هرگیه راهمچو مویش‌جانشکار آ ر
درر هش چون اشك شـادی بش شکر نم ریخته

ضیاء قاری زاده

# هدف یا مراد

نده ی دل غمدیده بـــه‌غوغا برخیز ،
بی وام کن از ذوق تمنا بر خیز
ه سحر آیینه گر فتســـت، بکف
سیماب نه ئی‌کم به تماشا بر خیز
میرود آ تش صحـــراخاموش
گر همه خوا بند، تـــوتنها بر خیز
صدف ای مو ج گهرجای‌تو نیست
حمت شو از دا من در یا بر خیز
شوق بسر پنجهٔ موجست، ا سیر
دیده براۓ تو خـــدا ر ا بر خیز
ن ، نا له بکش سیل شووشعله برای
ف ، شور بدل ، دیـــده بدنیا بر خیز
خن در ورق لاله نوشتـــه بخون
فر صت ا مر و ز بفر دا بر خیز
کشت کس از خشکی ایام نـــماند
سو ختگان ر فت بـــرخیز
نر کس نگرانست براه توهنوز
منتظران کور شد از جـــابر خیز

# امتیاز رنگ و بو

عینك کثرت ز چشمت د و ر کـــن
چشم و حـــدت آ شنا پر نور کـــن
تا ببینی ز شت وزیبـــا را یکـــی
لفظها بسیار معنـــا را یکـــی
یکدل و ایمان و یك جـــان و تنیم
خـــوشه های گنـــدم یك خـــر منیم
صاحب یك د ین و فـــر هنگیم مـــا
د ستهٔ یـــك ساز و آ هنگیـــم مـــا
اتحاد و همدلی آئین ماســـــت
همنوا نی خصلت دریـــن ماست
خالـــق عـــا لم خـــدای ما یکیســـت
ر هنـــما و پیشو ا ی مـــا یکیست
ای بصو ر تمـــا نده از معنی بعیـــد
فر قها دا رد یزید و بـــا یـــزید

ماه ثور ۱۳۵۰

# خلوت غم

ای آه سحرگاه ، توآخر اثری بخش
ای نالهٔ شبگیر خدارا ثمری بخش
بی برگو نوا مانده ام خسته ونالان
آخر تو هم ای شاخهٔ ا مید بری بخش
درکنج قفس آ تش غم بال و پری بخش
بکشا در این بند و مرا بالو پری بخش
افسرده درین خلوت غم شمع وجودم
ای عشق فروزنده بجانم شرری بخش

# ژوندا و کارگر

ته‌ډیر وړ دډیر عزت یـــــی ای‌کا رگره
ته سمبول‌د ننګ او پت یی ای کار گـــره
تا سړه او سپنه پو ر تــــه‌په‌فضا کړه
تا ا توم‌دذری زړه نه را جلا کـــــړه
ته ښبتن د لو ی قد ر ت‌یی‌ای‌کار گره
ته‌سمبول‌دننګ او پټ یی ای کار گـــره
تا خپل ژو ند د نورو ژوندځخه‌قر با ن کــړ
تا په‌خپلی‌پو هی دا جها ن و د ان کـــړ
ته ا صیل زو ی د فطر ت اوطبیعت یی ای کا رگره

# برای شما برگزیده ایم :

## این هفته
## ازادبیات ترکیه



## زندگی

### این داستان ازمیان بیش ازیکصد داستان این نویسنده برای شما برگزیده شده است

از : عزیز نسین

**عزیز نسین یکی از به شهرت رسیده ترین طنز نویس های معاصر کشور ترکیه است که آثارش تقریبا به همه یی زبان های زنده دنیا ترجمه شده است ٠**

**نسین بادیدی طنز آمیز وژرف و عمیق به مسایل عادی زندگی مینگرد و برداشت های های خود را در قالب قصه هایی میریزد که شده است ٠**

قصه‌ی «شوخی تلخ زندگی» که در اصل با عنوان شوخی بی وسایل به نگارش آمده است یکی از کار های خوب وبا ارزش این نویسنده است که در آن باز بانی شیرین نمادهای فرهنگ مصرفی غرب رابه‌انتقادمیگیرد اینداستان به وسیله شاعرونویسنده متعهد

زندگی مثل یك رود است . رودی دربستر زمان ، با حرکتی مداوم و جاودانه و زندگی یك راه است . یك راه تریك وپراز سنگلاخ راهی که هیچ کس‌نمیتواند آنرا دو بار بپیماید وهیچ کس آغاز آنرا به یاد نمیاورد ، و٠٠٠

مرا دیوانه نخوانید ، من هم آدمی امانند شما که میخواهم برای زندگی معنی بیابم،

زندگی یك خیال ایست
زندگی صحنه‌ی تیاتر
شانزده هزار جمله از ای
کرده وبالاخر هم دجبور شده
آخرین دفتر بنو یسم ، ک
ـزندگی چیست ؟
حتما علاقمند شده این



به جیبش بگذارد که
ش گفتم:

دراز کردم •
نامه اش را به‌من داد،
نگاهی به بخش‌اعلانات
ر امید در دلم تابیدن
از این اعلانات‌بدون در
ال زن و مرد را برای

میکردم ، روز نامه را
مسترد کردم ، همه
رتنم رابه‌کمك خواسته
درسی که در اعلان ذکر
تادم ، طبقه پنجم یك
یکی از مهم ترین جاده
ارو تجارت بود •
ا از بد چانسی که دارم
میان زمین و هوا
فت نشدم ، پلـــه های
ار طی کردم واز شدت
پله ی طبقه پنجم لحظاتی
یم •
که در اعلان ذکر شده
من قرارداشت، عده یی
عده یی خارج میگشتند،
اق میرفتند،قیافه هایشان
آرزو بود ، اما آنهایی‌که
ه ناراحت ، عصبانی و
دند .
کار فرمایان و آنهایی که
میکردند ، آدمی قوی و
، نفسی تازه‌کردم، قدری
نفس زدن بیافتم وبالاخره
ود را مرتب کردم ودستی
و خاك آنرا ستردم ،وارد
شدم ، به اولین شخصی
رفت، گفتم : «در روزنامه
ود که •••»
از عصبانیت به یك‌پارچه
بادست اشاره یی کردو

منتظر باش •»
یکنفری ودراز چوکی های
ود ، شش زن و هشت
هم نشسته بودند چار نفر

# نوائی و حافظ

## حافظ

دیدم بخواب خوش‌که بدستم پیاله‌بود
تعبیر رفت وکار بدولت حواله بـــود
چل سال رنج و غصه کشیدیم و عاقبت
تدبیر ما بدست شراب دو ساله بود
آن نافهٔ مراد که میخوا ستم زبخـــت
در چین زلف آن بت مشکین کلاله بود
از دست بـــرده بود خمار غمم سحر
دولت مساعد آمد و می در پیاله بـــود
بر آستان میکده خون میخورم مـــدام
روزی ماز خوان کرم این نواله بـــود
هر کو نکاشت مهر زخوبی گلی نچید
در ره گذار باد نگهبان لالـــه بـــود
بر طرف گلشنم گذر افتاد وقت صبح
آن دم که کار مرغ چمن آه وناله بـــود
دیدیم شعر دلکش حافظ بمـــدح شاه
یك‌بیت ازآن سفینه به ازصدرساله‌بود

## نوایی

روز ازل، که دیر مغا نم‌حوا له بود
قسمت ، ز دست مغبچگا نم‌پیا لـه بود
دیدم بخوا ب خوش گل‌وسنبل که وقت خواب
اندر خیالم ، آن مه مشکیـــن کـلاله بود
داغ دلـم کـه سوخت ، وجودم‌حجـب مدان

## حافظ

چو آفتـــا ب مـــی از مشـــر ق‌پیا له برآید
ز بـــا غ عار ض سا قی هزارلا لـــه بر آید
نسیـــم در سر گل بشکنـــدکلا له سنبل
چو از میا ن چمـــن بوی آ ن‌کلا له بر آید
حکا یت شب هجرا ن نه آن‌شکایت حالست
کـــه شمه ز بیانش بصـــــدرساله بر آید
ز گرد خوا ن نگون فلك طمع‌نتوان داشت
که بی ملا لت صد غصه یـــك‌نوا له بر آید
گر ت چو نو ح نبی صبرهست‌در غم‌طوفان
بـــلا بگر د د و کام هـــــزارسا له بر آید
بسعی خود نتوان بردپی بگوهـــر مقصود
خیا ل بود که ایـــن کار بـــی‌حوا له بر آید
نسیم و صل تو گر بگذر د بتر
ز خاا ك کـــالبـــد ش صد هزا

## نوایی

ز دیـــر مغبچـــه هر گه ، بکف‌پیاله بر آید
بد هـــر ،تفر قه افتد ، ز خلق‌نا له بر آید
ز رو ی و چشم مه خویش ،یادم آید وگریم
به لا له زار ، چو باز یکنـــان‌غزا له بر آید
دلم کشد کـــه بما لم بهر دوچشم و ببویم
چو بو ی د لکش آ ن، عنبرین‌کلا له برآید
مرا که کا م ، می‌لاله رنگ‌وعارض ساقی است
کجـــا مراد د ل ، از ارغوا ن‌و لا له بر آید
چسا ن ، تخیل بو سی کنم زگلشن حسنش
بگر د مـــا ه رخ از خط کنو ن‌که ها له برآید
چرابز هد چهل سا ل، خـــونخور م پی کوثر
مرا که کا م دل ، از باده دوساله بر آید
زعشق‌دم نزدی ،فانیا چه‌سود پس ازمرگ
زحجره ات‌گر ازاین علم صدرساله‌بر آیـــد

## حافظ

ای خـــر م از فروغ رخت لاله‌زار عمر
بـــا ز آ که ریخت بی گل‌رویت‌بهار عمر
از دیده گـــر سر شك چوباران‌چکد رواست
کا ندر غمت چو بر ق بشد روزگار عمر
این یك دو د م که و عده دیدارممکنست
در یـــا ب کار ماکه نه پیداست‌کار عمر
تاکی مـــی صبو ح و شکر خواب با مداد
هشیار گرد ، ها ن که گذشت‌اختیار عمر
د ی در گذار بود و نظر سوی‌مـــا نکرد

## نوایی

...جما ل توا م، نــو بهار عمر
...لا له رنگ رخت ،لاله زار عمر
...م تیره هجرا ن گذشت وای
...تو گشت، سیه ،روزگار عمر
...عمر م ، اگرمهمان شــو ی
...یر پای تو ، نبــودنــثار عمر
...آ ب می ، خو شی عمر خویش لیك
...ر قبو ل نـدار م ،مدار عمر
...و یش ، بدا ن عمرداده ایم
... ست کس نبود،اختیار عمر
...ح یا بــی از آن یکنفس چو ماند
...ن . بیـك نفــس افتد شمار عمر
فـا نی بکا م گلشــن گیتــی مبنـــد د ل
چــو ن مر غ روح ، می پر داز شاخسارعمر

## حافظ

...کاسه زر، آب طربناك انداز
...نك شود کا سه سر خا ك انداز
...منز ل ما وا دی خامو شانست
...لـه در گنبــد افلاك انــداز
...ز تو ا ی سرو که چون خاك شوم
...بنــه و سایه برین خا ك انداز
...که ز مار سر زلف تو بخست
...رد بشفا خا نه تریاك انداز
...مزر عه دا نی کــه ثبا تی نکند
...جگر جا م بر املا ك انــداز
...شك ز د م کا هــل طریقت گویند
...او ل و پس دیده برآن پاك انداز
...زا هد خود بین که بجز عیب ندید
...ش در آ یینــه ادراك انـــداز

## نوایی

...ا ن، بقد ح آ ب طربناك انداز
... ، غلغلــه در گنبــدافلا ك انداز
...دور فلــك ، چو ن کره سر گردانی
...از دو ر قد ح در کره خاك انداز
...زی ، اگر از ایزد پاکت هوس است
...عار ض پاك ،ا زنظر پا ك اند از

## حافظ

بر نیا مد از تمنا ی لبت کامم هنوز
بر امیــد جا م لعلت در دی آشامم هنوز
روز او ل ر فت دینم درسر زلفین تو
تا چــه خوا هد شد درین سودا سر انجا مم هنوز
سا قیا یك دور ده زا ن آب آتش گون که من
درمیا ن پختگــا ن عشق او ،خامم هنو ز
از خطــا گفتم شبی مو ی تر امشك ختن
میز ند هر لحظه تیغی زا ن براندا مم هنوز
نام من ر فتست روزی برلب جانا ن بسهو
اهل دل را بوی جان می آیدازنا مــم هنوز
پر تو روی ترا در خلوتم دیدآفتــاب
میرود چو ن سا یه هرد م بردرو با مم هنوز
در از ل داد ست ما را سا قی لعل لبت
جر عه جا می که من مد هوش آن جا مم هنوز
ا ی که گفتی جا ن بده تــا باشد ت آرام دل
جان بغمهایش سپردم نیستآرا مم هنوز
در قلم آور دحــا فــظ قصــه لعل لبــت
آ ب حیوا ن میــرود هر دم ز اقلا مم هنوز

## نوایی

ترك عشقم ، کام ونبــود د ل بفرمانم هنوز
توبه فر مایند ، از مستــی ونتوانم هنوز
توبه وزهدم ،چه جمعیت رساند،زانکه من
گه زعشق وگه ز مخمــوری پریشانم هنوز
ناصحا پندت نفهمم زانکه رفتم من بدیر
مست گشتم زان زهشیــاری پریشانم هنوز
چون ترا دیدم بپایت سرفگندم عیب نیست
زانکه سر از پاو پا از ســـر نمیدانم هنوز
یك شبم آن ماه مهان بـو دوزان عمری گذشت
میکند کسب ضیا، مهــر ازشبستانم هنوز
تیغ قتلم راند آنشوخ ،آنچــه ممکن بود لیك
ترك عشقش برزبا ن راند ن نه امکانم هنوز
مست عمری تا شهید لعل جان بخش ویم
بوی جان یا بند خلق از قبــرویرانم هنوز
ناله از طول فراق یار کردم شام هجر
در خم طاق فلك پیچیده افغانم هنوز
فانیا از تیــغ هجرا ن بین که چاك سینه شد
مشفقان ، نادو خته ، چاك گریبانم هنوز

## حافظ

کنار آب وپای بید وطبع شعرویاری خوش
معاشر د لبری شیرین وسا قی گلعذاری خوش
الا ای دو لتی طالع که قــدروقت میدانی
گوارا با دت ا ین عشرت کــه داری کارو باری خوش

دآروال لیکنه

# دبشر دحقوقو نړیواله ورځ

د۱۳۵۹ کال دقوس دمیاشتی (۱۹) نیټه چی د۱۹۸۱ کال د دسمبر میاشتی له لسمی نیټی سره سمون خوری دحقوقو داعلامیی‌ددری دیر شمی کالیزی‌دلمانځلو ورځ‌ده‌دغی نړیوالی ورځی ته دنړی په گوټ گوټ او بیلوبیلو هیواد ونو کی دبشری او انسانی ارزښتونو په پام کی لر لو سره ددرناوی مراسم‌ترسره کیږی •

زموږ په گران انقلابی هیواد افغا نستان کی دغه ستره تاریخی ورځ له دی امله چی دانسانی کرامت شخصی ارزښتونواو ورونـو پر گنو دټولو شتمنو په‌پام‌کی نیولو اوساتلو له پاره هراړ خیزی‌هلی‌ځلی کیږی په نړیواله سویه هم ددغـه راز سترو ارما نونو دپوره کولو له پاره ددغه‌دول تاریخی ملی اونړیوالو ورځو نمانځنه سرته رسیږی •

دملگرو ملتو منشور چی د۱۹٤۵ کال دجون په پنځه ویشتمه نیټه دسانفرانسیسکو په جرگه کی تصویب شو په ځو فقرو کی دبشر اساسی حقوقو،انسانی ارزښتونو او خپلواکیو له پاره په پوره درناوی قایل شوی او منلی یی دی چی دغو سترو ټکوته لکه :

دبشر دحقوقو او اساسی آزادیوته درناوی تعمیم او هخونه دبشر دحقوقو او اساسی آزادیو دتر لاسه کولو په لاره کی مرسته د ملگروملتو د هدفـونـو او پرنسیپونـــو پـه ارتباط په لومړی ماده کی‌دعمومی ټولنی دنقش

کړیده دانسانانو په اساسی حقوقو ، دانسان په حیثیت او ارزښت دښځو او نارینه وواو دلویو اووړ و ملتونو ترمنځ په برابروحقوقو باندی خپله عقیده یو ځل بیا څرگنده کړ واو دخپلو دغو سترو هدفو نو درسیدو له پاره خپلی هځی او کوښښو نه لازیات اولاسونه سره یوکړو له بده مرغه په اوسنیو شیبو کی امپریالیستی ځوا کونه‌ددغو سترو نړیوالو نیکو هدفونو دمخنیوی له پاره خپل شوم اوبد مرغه کوونکی پلانونه جوړوی او په کار یی اچوی ددی پر ځای چی په دغه هکله گټور گامونه پورته کړی داتومی او نیو ترونی‌وسلو په جوړ ولو لاس پوری کوی او غواړی چـی په لوی لاس بشری ټولنی دنیستی او بد مرغی کند وته وغور ځوی •

خود دغو ناوړه هلو ځلوپه‌مقابل کی مترقی بشری ټولنی په هره بیه چی ورته تمام شی دانسانانو له رواغو ښتنو او حقوقو څخه په میړانه ننگه‌کوی او نه غواړی چی نوردی هم ددوی حقوق تر پښو لاندی شی •

دملگرو ملتونو ټولنی دبشری حقوقو په هکله چه دهغی په‌ترسره کولو کی دغه ټولنه دنده لری لاندی ټکوته کلك پاملرنه کړیده:
بشری حقوق دژوندانه هغه شرایط دی چی موږ ته اجازه را کوی چی خپل انسانی ذکاوت وجدان او خاصیتونو ته‌په پوره ډول پراختیا ورکړو چی خپلی معنوی اړتیا وی پری‌تسکین کړو • باید څرگنده کړو چی انسانی حقوق یوازی بیولولوژیکی اړتیا وی‌نه دی بشری حقوق دژوانه په زیاتیدونکو غوښتنو باندی بنادی چی دهغو په پوره کولو سره به دهر انسان دطبیعی حیثیت درناوی وشی •

دانسانانو بشری حقوق نه منل دسیاسی مدنی او سیاسی حقوق دانسان له پاره د ژوندانه دخپلواکـی او مصئونیت حقوق دی انسان باید دمریه په څیرونه سما تل شی غیر انسانی جز اگانی اوبی ځایه کړول ورنه کړ شی او دانسان مقام ته په سپکه سترگه ونه کتل شی ، دقانون په مقابل کی باید ټول انسانان سره برابر وی او دغه راز نور بی شمیره ستر ارزښتونه او حقوق •

په اقتصادی تولنیز واو کلتو ری حقوقوکی دکار کولو دکارونو دآزاد و تاکلو حـــق، دکار له مساعد وشرایط څخه گټه او دبیکاری مقابل کی دمصونیت حق شامل دی •

زموږپه‌گران‌اوانقلابی هیوادافغانستان‌کی‌دثور انقلاب اوپه تیره بیا دهغه دنوی بشپړتیایی پړاو په بریالی کیدو سره زموږ گوند او انقـلابی دولت‌هم دبشردحقوقو دتامین په‌برخه کی دملگرو ملتو دمؤسسی دیو وفادار غړی‌په توگه ددغی نړیوالی موسسی دلوړو او سترو انسانی هدفونو د تحقق په برخه کی له هیڅ ډول هلو ځلو څخه ډډه نه ده کړی او په دی لړ کی یی زموږ په دی حماسه هستونکی او ویاړلی هیواد افغا نستان کی دټولو ملی او دمو کراتیکو ځلو ـ کارگرانو ـ بزگرانو ، زیارکښانو داسی نورو پراخو زیار ایستو ـ نکو پرگنو دحقوقو دپوره تامین په برخه‌کی ی دعمل ډگر ته دانگلی او په دی‌وسیله‌یی په هیواد کی دورونو میشتو پرگنو دژوندانه دښه والی او دهغو ترمنځ داړیکو دودی له پاره زمینه برابره کړی ده همدا علت دی‌چی په هیواد کی دغه میشتی وروڼه پر گنی دخپل انقلابی دولت په‌هغو وعـدو په دغه هکه‌یی زموږ زیار کښو خلکو ته ورکړ یدی پوره باور پیدا کړی او زموږ نړور خلك دافغا ـ نستان دخلك دمو کراتیك گوند دمرکزی‌کمیټی دعمومی منشی او دانقلابی شورا درئیس ببرك کارمل هغه پیغام ته چی تیر کال له همدی امله صادر شواو افغا نستان داساسی اصولو پربنسټ ولاړ دی په پوره درنه سترگه گوری په دغه پیغا م کی راغلی دی چی : «دافغا ـ نستان د دمو کراتیك جمهوریت اساسی‌اصولو په لوړ او آزاد بشر دحقوقو دنړیوالی اعلامیی ملاتړ اعلام کړی او هغه په څرگنده اوروښانه توگه او قوت سره تایید وی د۱۳۵۹ کال دقوس په خلورمه نیټه چی د ۱۹۸۰ د دسامبر له پنځه ویشتمی نیټی سره سمون لـــری

کړی دبشری حقوقو په
دثور انقلاب دنوی‌اوتکامل
سره دهیواد دټولو جیل
کړی او هغه بی‌گناه وطنوا
بیلو سیمو کی زندانی ش
خلاص کړل ، او دهیواد
دهغوی لومړنی زده کړی
کړی •

په ډله ییزو خپرونو لک
او ورځپانو کی یی ورته
اوس زموږ دغه ورنه پر
وریری‌دخپلوحقوقوغوښته
شی او خپل ټول ملی‌اومذ
کوی•

په څرگنده ویلی شو چ
مترقی ټولنی او ژغورنده
امپریالیزم په سر کی یې
دریگن په مشری په دسیس
ښه پوهیدلی دنړی په گو
پلانونو په ضد پوره میړا
اونه پریږدی چی بیا امپر
داړه مار غابښونه دبی گن
سره کړی موږ ډاډ لرو چ
گوټ کی امپریالیستی ضد
او دخپل اتمر ناسیو نالیس
به د امپریالیزم وږی ستر
کړی اود دوی ناولی او کر
خپلونه ستړی کید وونکو
سره برابری کړی •

اوس ټول نړیوال په دې
امپریالیستی ځوا کونه تل
وسیله د نژادی توپیر او
ناوړه عملونه سرته رسوی
خپل کر غیړن پلانونه پر
ده چی امپریالیستی ټولنی
مخی په یوه اوبله بڼه دهیو
چارو کی لاس وهی پر هغو
اقتصادی سیاست تحمیلوی
په السلوادور انقلابی کیوبا
خپلواك شویو هیواد و نو
هیوادونو او دفلسطین دزړ
مقابل کی داسرائیلی صهیو
کړ ووړو څخه پوره خبردی
ایالاتو او لاتینه امریکا کی
او سور پوستانوباندی ناوړ
کرامت او ارزښتونو ضد عم



نمای مو جود شهر های مزدحم‌وپر موتر
مرو ت

وتنیك

# ر ، شهرو انسان

ز دیاد مو تر اکنو ن
برا ی انسا ن معاصر
ی که در شهر زندگی
مار میرود ، از آنرو
یعی در جریا ن‌است‌تا
ا ی درین زمینه‌به‌کار

رود که از یکطر ف افزا یش درتعداد موتر معضله ها ی بزرگتر ی‌پـدید نیاورد واز جانب دیگر تصاد مات ترافیکی کا هش یابد .

در آغاز سا ل جار ی سیستم جدید کنترو ل ترا فیکی بنـــا م (ستار ت) در مسکو در معر ضـــ تطبیق قرار گر فت . با سا س‌این سیستم از طر یق کمره ها ی‌تلو- یزیون که در موا ضع عمده شهرجا بجا شده ، چرا غها ی ترا فیکی‌جاده ها برای تردد عراده ها تنظیم‌میگردد این تسهیلات اتو ماتیك از تو قـف ها ی بیمورد و طولا نی و همچنا ن هار ن کردنها جلو گیر ی میکند . درنتیجهٔ این وسایل اکنو ن بیست‌و- پنج فیصد تسهیلات در امر تردد ترافیکی در ین شهر فرا هم شـده است .

ستار ت تردد بیشتر عرا ده هارا در جاده ها سبب میشود .در پنجسا ل گذشته تعداد عراده هادر مسکو دو چند شده ودر سا عا ت ازدحا م در حدود ٤٠٠٠٠ عرا ده‌در جاده ها ی این شهر در رفت وآمد میباشد ، با آنهم این تعدادازترافیك عراده ها در جاده ها ی چـــو ن نیویار ك ،پاریس و توکیو کمتـــر است . هنوز رادیو مسکو در مـورد چگونگی ترافیك عراده هانشرا ت ندارد ، اما بهر صور ت این بدا ن معنی نیست که ازدحا م ترا فیکی درین شهر باعث اعصا ب خرا بـی رانندگا ن وعابر ین نمیشود . این همه‌علتی جزاین ندارد که علاقمندی بـــه ر فـــع خطر از یـن نا حیـه وجود دارد ، خصو صا که روز بروز تعداد بیشتر عراده ها خصو صـا تیز رفتار در جاده ها به حر کـت می افتند . در سا ل ۱۹۸۰ اتحـــاد شورو ی دوازده میلیو ن مو تر تیز رفتار داشت و به تعداد آن درهـــر سال ۷۵۰۰۰۰ افزود می شود .

هر چه در حا ل اعتدا ل خوبست بنظر پاریسی ها پاریس مثـــــل سایر شهر ها ی غر بی بسیا رتیز رفتار در حا ل تردد رو ی جاده ها دارد ، اما واقعا این کار حـدود ی خوا هد داشت ؟ مقصد از یك موتر برای چند نفر چیست !

یقینا روش دمو کرا تیك در ین

کوچك تیز رفتار تو جه خا صـــ کرده اند . در اتحاد شورو ی ایـن از روش های بسیار سا بقه است. در اتحاد شورو ی رسم بر این‌است که تیز رفتار ها برا ی خـــدما ت طولانی ساخته می شود و تعو یض موتر ها در هر سا ل به مود لجدید آنقدر طر ف تو جه نمیبا شد ، بهر صور ت ساختن موتر ها ی کو چك یکی از راهها ی حل معضله است. اما یقینا در مرور زما ن تعـــدا د آنها زیاد خوا هدشد .

در اتحاد شورو ی ترانسپور ت ارزا ن قیمت شهر ی تشو یـــق می‌شود ، در ین صور ت شهریا ن ترجیح مید هند از تیز رفتار برای رفتن به کار ، خریدار ی اشیا و- سایر ضرور یا ت کار نگیر ند که این خود مانع از دحا م ترا فیکی‌می گردد.

ترانسپور ت عا مه اتحادشورو ی درجهان مقا م اول را دارد . در شهر مسکو از بزرگتر ین شهر هـــا ی اتحادشورو ی (دارا ی چهل کیلو متر در هر جانب) ترا نسپـور ت مشغو ل در بخش خد مات عا مـه دارا ی ۷۰۰۰ سرو یس ،۲۲۵۰ بس بر قی ، ۱۳۰۰ خط آهـــن بر قی، شبکه میترو ی وسیع‌و۱٦٥٠٠ تکسی می باشد . در یك روز ترانسپور ت عمو می پانزده میلیو ن نفر راانتقال مید هد آنقدر زیاد آنها دارا ی تیز رفتار شخصی نیز میباشند.

تعداد روز افزو ن مو تر تیـــز- رفتار سبب می شود تا به تصادمات ترافیکی نیز افزا یش به عمل آید. در سراسر جها ن سا لیا نـــه در حدود ۳۰۰۰۰ نفر در اثر تصادما ت ترافیکی زند گی شانرا از دست می دهند و هفت میلیو ن نفردیگرزخمی می‌شو ند ، سازما ن صحی جهـــان تصادما ت ترافیکی را یك مر ضـ مدهش به حسا ب می آور ند ، از نگاه مرگ و میر تلفا ت ازنا حیه تصادما ت ترافیکی بدر جه سو مدر




**دامین افغانپور لیکنه**

یوه ډ له جینگی له چینی څخه مخ په کلی را روانی وی او داسندره یی‌په خوند سره بلله چی: دمنگـــی غاړه می شنه .. .

لمر په غر غره ؤ اویوه نری وږمه چلیدله . په‌دی کی ناڅـاپـۀ د جینکو سندره نیمگړی شـــوه او پلونه یی په مخ باندی‌راکا ږل.خانکی بیل په اوږه د نجو نو مخی ته‌شین شو اوپه بدری باندی یی غږوکړ:

ـ دمنګی څه پته نه ده لگیدلی؟

بدر ی په داسی حال کی چی منگی یی ډډی ته نیو لی ؤ او دټیکری پیڅکه یی تر غاښ لاندی چیچـــله ، ځواب ور کړ :

ـ دکوز کلی تا جی چی و ړمه شپه راستون شو یدی آباته احوال رالیږلی چی منکی می و لیــد،روغ رمټ ؤ، که خدای کول له ملگروسره به په‌نن سبا کی را ورسیږی . ..

خانکی چی د نجو نو له شرمه ستر گی کښته اچو لی وی په ډډغږ سره ووېل :

ـ خدای دی خیر کړی ، گورو به چی څه کیږی . .. تر څو چـــی دشیطانان نه وی په کرار شوی‌او داړی یی نه وی و تلی،زموږ دځوانانو پههمدااحوال وی که نڅو دعاوی د ...

د ښوونځی دپاسه دو ړی او ا وگی دبوږ بو کی په خیر مخ په آسمان ختل . دنجو نو ز ړونه در زید ل.پته نه لگیده چی څه پیښه ده ... یواځی بدری دو مره و ویل :

ـ لکه چی دشیطا نا نو کــــار دی . . .

ا ودنجو نو زړو نو ته هــــم همدا سی بریو تله چی دا دشیطانانو کار دی . ..

دا وخت لمر پر یو تی ؤ او کښته په دره کی له ټولو کلیوالـــو کورونو څخه لوگی پورته کیدل ... شیبه پس پاده هم کلی‌ته رانژدی شوه . دغوا وو او خو سیانودرمباړو غږو نو چی دا وخت له تشویش سره ملگری وو ، کلی په سرسر اخیستی ؤ .

ـ۲ـ

دما زدیگر او ما ښام ترمنځ دری ډیره ښکلی منظره در لوده ، ددری دوا ړو خوا وو ته په غرو نو کی نښترو سرو نه په آسمان سوـ لول . یوه نری او کوچنی خوړ دره په دوه برخو و یشلی وه دجوارو د کروندو په منځ کی دکلی کورو نه خواره واره پرا ته وو . د دری خوله یوه بل په نښترو باندی پو ښلی‌غره بندو له چی لمر به کـښیوته‌نوتابۀ ویل چی دونو د پاسه را کوزیږی او

کړی وو . اودغه چو پتیا ایله چـــی دماښام د لمانځه آذان ماته کړه...

څو شیبی و روسته چی‌دماښام لمو نځ پای ته ورسید او خلکو دعا وکړه ،نو ځینی کلیوال همالتۀ پـۀ جوما ت کی کینا ستل او ځینـــــی ترینه په دوه کسیزواو دری کسیزو ډلو کی راووتل ، خو هغوی‌لا دځپلو کورو نو او کلا وو په لور نه ووخوـ ځیدلی چی یوه ځکللمی‌په سوزیدلی دسور کی پیغام زا ووړ او د کلی تر ټولو مشر ته‌یی وویل !

ـ سور کی همدا شیبه راورسید ... هغه وویل چی ټول دی خبروی دشپی به‌دباز گل آ کا په کور کی به جرگه کیږو . ..

باز گل همد غه د کلی تر ټولو مشرو .او چی هغه داخبره‌واوریده نو بیر ته جو مات ته ننوت او ټولو ته یی دسور کی دا پیغام وروړساوه.

کلیوالو چی دباز گل خبـــری واو ریدی نو په احترام سره یــــی سرونه کښته وا چول او دجر گــه کیدو خبره یی ورسره و منله . څکه چی ټول پو هیدل چی دسور کـــــی پیغام د ښوونځی له چاو د نی سره ا ړیکه لری .

باز گل آ کا سره د کلی له یوه

نه ښځه وینی او نه
جومات وینی او نه ښ
په ښوونځی کی خو
سبق وایی هکله له ښ
څه کار دی چی په ب
الوزوی . . . که نه
مخا مخ مقابله راسره

بوډا خبره ورسره

ـ همدا سی ده
په دوی کی نه سړیتو
نرتوب . . .

بو ډا یوه شیبه
بیا یی په زړه نا زړ
آکا وپو ښته :

ـ داسی می وا
(حبیب) له تاسره آش
کړی وه . ..

باز گل آکا یوه
او بیا یی ورو وویل :

ـ حبیب خو شیط
اوس غوا ړی چی ما ه
ما تر اوسه لس وا ره
چی په مزه دی را شی
دی راسره کښینی خو
او ډاریږی ... یوسړ
له ولس او جرگی‌نه
ته نر بو لی ... هغه
بو لی ؟

ـ هغه خو اوس
دعوا لری .

ـ هو نو ده ته
چی داسلام ټیکه ده ت
ده . . . سپینه خبره د
حبیب زموږ دغلا مولو
کړ ی ؤ او اوس هم
دپردیو غلام کړی...
که‌دی په یاد وی هم
موږیی دنورو غاړی ته
همدغه حبیب ؤ چی
یی سره و جنگول او
به کی وکړی . . .

ـ ښه می په یـ
وروره . . صبا او بیگ
ته ور روا ن ؤ ... ه

يو عمر يي زمـــور
و کړه ... يو عمريي
د يحيي خيلو نازو لو
ري ... خو موږ چي
ی وو بيا مونه‌غوښتل
.. هلته يي هـــم
اريو هلی... ولاکه
جي دا اسلام ځنګـــه
سوونځی او جوما تونه
الو ځوی . . .
هغوی د بنادی آ کا له
لنو باز ګل آ کابنه‌په
رته وکړ چي‌زموږکره
دی آ کا د خپلی کلا
زه غږ کړه .
زه له باز ګل ســره

را ړه سره دهغه‌دکور
سول . ..

**ـ۳ـ**

لمو نځو نه شو ی
ز ګل آ کا په ډيره کی
وو ،سور کی لانه ؤ
يوه په ښوونځی کی
اب خبری کو لی، خو
نه لګيد له . ټولو له
ی يي کو لی . خو باز-
عقيده در لوده چـــی
کار دی . او کله چي
دباز ګل آ کا له خو لی
ن يي راغی چي داکار
انو او داړه مارودی...
ګل آ کا خبری د کابو
د استقلال دغزادبوډا
خبرو په رښتينوا لی
نه در لود . ..
ن همدا سی لګيا و و
يو پيښنو په باب يـی
چي د شيطا نانو اوداړه
يښيد لی . . .
کنهو په کلی با ندی
شو خون خبری‌کولی
ځ کی يي له ماشومانو
بری کړی وو او خلقی
ه بی رحمی سره وژلی
غی علاقه داری با ندی

خپل وطن، دخپلو خلکو شرف او د انقلاب لوړ بيرغ هما غسی لو ړو - ساتی . . . هغوی ډيری ساده او روانی خبری کو لی او ټول يو دبل په ژبه پو هيد ل .

په همدی کی ددېری له وره نه لومړی بله ډيوه خرګنده شوه او ور پسی دسور کی دنګه او جګه ونه ددروازی په چو کات کی وکرښــل شوه . . . هغه خپل لنډ کی‌ماشينګن په غاړه کی اچو لی ؤ . .. ځان يـی دخپلو خړو جا مو په شان خړڅادر کی نغښتی ؤ . شا ته يي جګړ ی شينکی ، دلومړی کنډك قو ماندان را روان ؤ . . .

دسو رکی په ليدوسره ټو ل‌په پښو و دريد ل او دټولو له سترګو څخه د ستاينی او لمانځنی ښښـــی ښښانی څر ګندی وی ... سور کی دهغوی په نظريوه نه پخلا کيدو نکی زړه ور او سر ښندو نکی انقـلا بی سمبو ل ؤ . ګرد مخ، غتی غتــــی سترګی ، هسکه پوزه او غټه زنه. داټول دهغه په مخکـی د يوه نجيب انسان ځلاندی ښښی او مشخصـــی وی ... له سترګو څخه يي دخلکو په نسبت د مينی او خد متګزاری احساس او ريده ، دی هغه اورنی اونه ما تيدو نکی سر تيری ؤ چي دد ښمنانو ز ړو نه يي دنا مه پـــه او ريدو سره رپږ ديد ل .

يو بز ګر چي خړ نوميده او په پوزه کی غږيده خپل څنګ ته ناست ملګری ته وويل :

ـ دا ځوا ن خوروغ رمـــــټ دی ... شکر دی خدايه ... چاراته وو يل چي و ړ مه شپه‌د زيار ت‌دکلی په جګړه کی شهيد شويدی ... .

خو د څنګ ملګری يي دی‌خبری ته ډيره تو جه ونکړه څکه چي هغه سور کی ته کتل .

سور کی په ډډ غږ سره‌بازګل آکا ته وويل :

ـ آکا موږ د ژوند په او ږدو کی دا زده کړه کړيده چي څنګـــــه ستاسو خد مت وکړو . .. څنګـــه

ناست کسا ن چي په ټوپکو، چړواو تورو باندی سنبال وو له نظره تير کړل د بز ګرانو پيوندی او زړوجامو ته يي و کتل او په زړه کی يي‌داهيله تيره شوه چي هغه و رځ به لری نه وی چي ستاسو ټو لو نوی او پاکی جا می په غاړه شی . ..کليوالو په ډيره تلو سه د هغه خو لی تــــه ستر ګی ګنډ لی وی .. داوجری‌کونج ته چی لږ څه تياره ده ، دوه دری جګی شملی ښکاريد لی . سور کی هغوی پيژندل . يو يی آدم خا ن ؤ چي دکوز کنډو د لاری له بنديدو سره يي کری ورځ سر تګاوه اوناری سوری يی کو لی چي که مي موټرونه دوه هفتي نور کارونه کړی نو تباه کيږم .... بل يی زرغون شاه ؤ چي بز ګرانو ته به يي تل نصيحتو نه کول چي دا ځمکی چي له نـــــورو نه اخيستل شوی او تا سو ته‌درکړی شويدی حرا می دی او هر دانه غنم‌او جوار چي ستاسو کندو ته له دی‌ځمکو نه راشی ستاسو بيخ به وچ کړی او په کا له باندی به مو تبا هی کړه شی . .. او چي هر وار به يی‌بزګران ليدل چي په خپلو خپلو ځمکو کار کوی نو سخته غوصه به ور تلله .

**داټولی خبری دسورکی په زړه کی‌تيريدلی اوټولوته يي کتل، ټول يي له نظره تيرول .**

**بازګل آکا چي وليدل سورکی غلی دی نو مخ يي سورکی ته‌واړاوه اوورويی ورته‌وويل:**

**ـ سورکيه وروره، په ښوونځـــی‌کـــی دچاودنی څه مينه ونه لګيده ؟**

**سورکی په خلاصه مړی وويل :**

**ـ آکا دهمدی خبری لپاره ده‌که نه چي تاسوټولوته مي تکليف درکړ. ملګری‌قوماندان د چاودنی ځای ښه معا ينه کـړی دی ا و** دا پته يي‌لګو لی ده چي دورانکارو هدف دا ؤ چي ستاسو معصوم‌هلکان په کی ور پټ کاندی ، خو چاو دنه له ښه م رغه په داسی وخت کـــی شويده چي هلکا ن رسخت وو اوځوك په ښوونځی کی‌نه وو ښکار ی داسی چي د ښمنی پل يی ترکلی هـــم را رسيد لی دی . .. ټولو کليوالوپه رډو رډو ستر ګو سور کی او بيايو بل ته سره و کتل ...

سور کی په داسی حال کی‌چی

نه کوی . . . هيڅوك به د ښمن پل کلی ته نه پريږ دی . .. خو زه په‌دی حيران يم چي څنګه دښمن په کلی‌کی شپی تيروی ؟

ـشپی تيروی ؟؟!

باز ګل آکا دا خبره په ډيـــر شديد تعجب سره وکړه . او سور کی په پوره يقين ور ته وويل :

ـ هو شپی تيروی اوما ته‌پوره پته لګيد لی ده . . .

بيا هم کليوا لو يو بل ته‌سره وکتل او دلال‌تين ر نـا ته‌يی‌ژرژر ستر ګی سره رپو لی . ..

خو چي هر څه يی سره کتل داسی سپك کار تور يی يوپه‌بـل باندی نه شو لګو لی چي دا کار به چا کړی وی . . .

سور کی ټو لو ته په خطاب کـــی وويل :

ـ زه هيسته را هيسته بيګاه‌او سبا داسی خبری او رم چي شيطانان يي هم کوی ، زموږ دخلکو او انقلاب دښمنان يی هم کو ی . ..بازګل آکا زه يو ځل بيا هم وايم چي که چيری دخلکو حکومت کفروی ، دځمکوويش او عدا لت کفروی ، دعلم او پوهی درڼا خپرو ل کفروی او د ښوو نځيو او رو غتو نو پر يمانه خلاصـــــول کفروی ، په نره دی ووا يی . .

خو زه اورم چي په کلی کـی ځنی کسان داخبره کوی ... پرته له دی چي دلته دښمن سوړه کړی وی دا خبری څه معنی لـــری . .. دسور کی له خبرو سره د کليوالو تشويش لا پسی زيات شو او په‌چوپه خو له او رډو ر ډو سترګو يی يوبل ته سره کتل .

آخر په کليوالو کـــی زوړه شوه :

ـ دښمن دی په ګو ته شی !
دښمن دی په ګو ته شی . .

سور کی په آرا می ســـــره وويل :

ـ زه يی نه په ګو ته کوم، په خپله ځان پيژنی او پکار داده چـی ځان و ښيی . . که نه وی نو موږ به له هغه سره د جر ګی د فيصلـــی سره سم سلوك و کړو . ..

يوه شيبه سکو ت . دوه

## ...یان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکا...

# جزای عمل

قسمت دوم

وقتی ظلمت قیر گو ن شامگاهی شهر گنا هکار و ین رادر برگرفت وحجا ب سکو ت وفزا مو شی بر همه جاسایه گسترد ، از یکسو ـ ایزا بل ،مار یانا را طبق نقشه‌ای که داشت از در نها نی کا خ داخل خوابگاه آنژلو کرد و از سو ی‌دیگر راهب برا ی تحقیق از حا ل کلادیو پا ی به زندا ن گذاشت ازقضاوقتی به آنجا رسید که کلا دیو رابرا ی انجا م مراسم اعدا م آماده میکردند راهب که‌وضع‌رابدانحال دیدبیدرنگ طرحی بریخت و با ارائه نامه‌ای‌از طرف حاکم واقعی «کـه در حقیقت خود وی بود» فرمان اعـدام راملغی کرد ،اما زندان بان را سپرد کـــه ماجرای الغای حکم را موقتا از همه کس مخفی بدارد .

نخستین سپیده ها ی بامداد ی بردمید وانوار زرین خور شیدجهان خواب آلوده را از رویا ی گـــرا ن بیدار کرد . حاکم واقعی فی الغو ر نامه ای به آنژ لونو شت ودر آن‌یاد آور شد که با مداد روز بعد ، از سفر کوتاه خویش به مو طن ومقر فر مانروا یی خود باز خوا هـــــد گشت .

اشا عهٔ خبر باز گشت حا کـــم در شهر ، مسر تـــی عمیق دردل مردم پدید آورد و گروه کثیر ی از هوا دارا ن و دوستدارا ن اورابرابر دیوانخانه‌کشاند.

اما صبحگاه بعد هنگا میکه ایزابل باجها نی آرزو برا ی دیدار برا در خود رفت ، بدو گفتند که برادر ش به مو جب فر ما ن حا کم تسلیم‌تبر جلاد گردیده است . فغان و زراری خوا هر رنجدیده بر خا ست که((ای پارسا ی عصیا ن کار ! ای فرما نـ روا ی جبار ! چرا بنا جوا نمرد ی برادرم را کشتـــی و لـــوح زندگیت رابا قلم ننگین رقم زدی ؟)) گر یه و بی قـــر اری ثمری نداشت ناچار بر آن شد که با ستقبا ل حا کـــم واقعی بشتا بد وشر ح مظلو میت‌و بیچار گی خودرا بسا حت اوعر ضه بدارد .

آخر الامر فر مانروا ی وا قعـــی رسید وشهر در جشن وشاد ی فرو رفت . ایزابل در صف مستقبلیـــن قرار گرفت و همینکه حا کم برابرش رسید خود را به پا یش اندا خت و دامانش بگر فت و گفت : ((ای‌مرجع مظلو مان وا ی نجا ت بخش رنجدـ یدگان ! عمر جاو دا نی بر توباد! من خوا هر محکو می هستم که‌بگناه فریب دختر ی جا م مر گ را سر کشید . بامید بخشا یش او دست تمنا ونیاز بسو ی جا نشین تودراز کردم واو در آزاء تصا حب مـــن ، آزادی وی را تضمین کرد . مهـــر برادر بر عشق شرا فت غلبه کردو آخر الامر خود را تسلیم امیـــــا ل شیطانی او کرد م ، اما او بنا جوان مرد ی هم کا م دل از من گر فت‌و هم برادر م رابکشت! )).

هیجا نی شدید در مرد م پدیدآمد آنژ لو که وضع را چنا ن و خیم‌دید زبان بانکار گشود که ((این دختر، بی شك عقل خود را با خته است ! می بینید که میزا ن جسار ت راتا بدان پایه رسانده‌که بساحت مقدس حکمرا ن پر خاش می کند !)) امـــا حفظ آرامش مرد م ورفع شبهه از آنها کار آسا نی نبود . ما ریا نـــا که شو هر را در لب پر تگاه سقوط دید نزدیك آمد وگفت : ((حقیقت را نباید پنها ن داشت . در آن شا م گاهی که ایزا بل مد عی است در خوابگاه شو هر من بوده ، من باوی بسر میبرد م !)) اما ایزا بل که رنج فقدا ن برادر ، پیما نه شکیباییش را بیگباره لبر یز سا خته بودزاری کنا ن فریاد زد : ((درو غ است ، شاهد آلام و بیچارگی من را هـــب

نیکوکار ی است بنا ...
که در زندا ن ، تسل...
رنجدیدهٔ برادر م بود...
او فرستید وحقا یق ر...

بفرمان حاکـــم واقع...
برا ی رسید گی به ات...
وادعا ی ایزابل تشکی...
وقتی نوبت حضور ر...
حاکم جامهٔ رهیا نیت ...
تغییر چهره‌داخل محک...
دادگاه روی بوی کرد...
ماجرا هر چه میدانی ...
راهب آغاز سخن کرد...
ما وقع اضافه کردکه ...
حاکم‌اصلی است که ف...
رابخورد و چنین فا ج...
رابجا نشینی خویش ...

قضا ت کـــه از ...
وی خشمگین شده ب...
آنکه در حق‌فر ما نرو...
توهین روا داشته ، ...
اورا صادر کردند ، ...
مامورین راهب را از ...
برند جامه از تن بر گ...
از چهره فرو افکند ...
تعجب دیدند که پارس...
همان حاکم واقعی اس...
از مشا هده او ، رن...
آنژ لو پرید و زانو ...
افتاد . دیگر همه چیز...
بود . حاکم رو به ا...

---

## زمستان در ضرب المثل های ملل

برگ درختان‌که ریخت، یادت‌باشد که زمستان درپیش است .

«یونانی»

بشانسی که بیاید ،زن آدم در زمستان می میرد .

«ایتالیایی»

زمستان وزن بد ، هردو مشمئز کننده اند.

«فرانسوی»

در زمستان یك کیلو متر راه ، دو کیلومترمیشود .

زمستان سالی یکمرتبه میاید .

زمستان که زیاد سرد شد ، تابستان گرم‌را منتظر باش .

## نامه آرمستر انگ به معشوقه...

ن دختر قهر ما ن ،
ن انتقا م و جزا ی‌بد
))
را به‌پایش افگند((ای
ر ! بر من ضعیف و
همه موجب رنـــج و
ام با چشم عفـــو و
)

ن نوازش ‌بر گیسو‌ـ
ورا از جا ی بلند کرد
به آنژلو کرد وگفت :
روش عدا لت خواهی
ود شا هد این ماجرا
ر جعی دراین عا لـم
ناه مسلم وتردید نا‌ـ
کند ؟ واکنو ن برای
بشر وتنبـه فرزندان
ی در پا ی همان سیا‌ـ
زا ت شو ی که کلادیو
را تسلیم کرد .)) اما
وز مهر شو ی‌جفاکار
گوشه ردا ی اوبگرفت
وزاری برداشت کـــه
اکرده او در گذردزیرا
گنا هی آلوده نشده)).
ایزابل آویخت که(ای
و پاکدل ، ای فرشته
ت ، مرا یار ی کن ،
ا در آن شامگاه یاری
حاکم عدا لت پرو رو

بنده نواز بخواه که از گناه شوهرم
درگذرد .))

حاکم که این همه گذشت وپا ك
دلی را از ایزا بل بدید ، بدنبا ل
کلادیو فرستاد ، بخوا هر مهر بان
مژده داد که برادر اوسا لم وآسوده
است وچنانچه حا ضر شـــود با‌ـ
معشو ق جفا کرده خویش زناشویی
کند از گناه او در خوا هد گذ شت
سپس دست اورا بدست گر فته و
گفت : ((سالیا ن دراز به‌جستجوی
همسر مهربـان و پاکـدامن مـــی
گشتم تا اورا ملکه این سر زمین و
شر يك زند گا نی خویش سا ز م
اکنو ن به آرزو ی دیر ین خو یش
رسیدم )) وآنگاه رو ی به آنژ لو
کرده وگفت : ((ترا نیز به خا طـر‌ـ
ای می بخشم تابا همسر خود بـــه
شاد کامی زندگی کنی و دیگر پیرا‌ـ
مون نیا ت ناپا ك نگردی ))

هفتهٔ بعد ، سه جشن با شکوه‌در
وین برپا گشت : ماریانا باشو هر
خود آغا ز زند گی کرد ، کلا دیـو
با دختری که فریب داده بود پیو ند
محبت بست وایزا بل ملکه خوبروی
آن ساما ن شد و نمو نه بار ز ی‌از
طهار ت وپاکدا منی دخترا ن عصر
گشت . در سایهٔ فهم و کیا ست و
کوشش او ، دخترا ن خطا کـــا ر
((وین )) از جاده گمرا هی وتبا هی
بیرو ن آمد ند و جوانا ن هـــر زه
گرد به فکر اصلاح و بهبود خو یش
افتادند .

# نیلوفر امید

تو ستاره پر فروغ آسمان منی
تو نیلوفر امید ، بهاران منی
جانا تویی همیش‌درفکر ودر خیالم!
توحدیث نغز ورده زبان منی
درمیان گلهای رنگ رنگ‌این چمن!
توگل همیشه بهار و جاودان منی
از لعل لبت شهد حیات می چکد
نور امید وفروغ دیده گان منی !
اختر عشق تو تابددرسپهر خاطرم
توکو کب رخشنده وتابان منی !
سکه دل انگیز شعر «مفتون» تویی تو
تومبع اشعار نـاب و جاودان منـــی !

اسد الله «مفتون » محصل صنف اول
پوهنځی فارسی

# آزادی

فخر بود این وطـــن ما
طن سرخ بود پیرهن ما
آزادی وای خصم تمدن
گانه نباشد وطن مـــا
زنده به‌آزمونگه‌و هریـم
هان زنده بود این سخن ما
ی از مرغ چمن پرس
معنی این حسن ظن ما
کش پسر مادر میهن
بود جان وتن ما

# چرا فرجام حیات انسان به‌جز از این نمیتواند باشد؟

اینجا مزار چه کسی است ؟ این
سبزه به گور پر از خو ن چه‌کسی
رسته است ؟ این اوا ی حما ســـه
آفرین از مـد فن پیکره غنوده ، در
خون پا ك و مقد س‌خویشتن‌چه‌کسی
بیرو ن می جهد ؟

این شبح بیقرار از رده دل چه
کسی است، که بر فرا ز ایـــــن
گورستا ن و آرا مگاه چو ن طا یـر
بلند پرواز هما در جو لان وطیران
است وبه مثابه شـج شهید گر دان
پیشا هنگ توده ها از میهن وخلقش
پاسدار ی وحراست میکند ؟ ایـن
گورستا ن مگر ما وا ی ابد یت مان
است ! واین مغا كسرد ونمنا كمگر
جا ی ار مید ن جا ویدا نه بشر یت
است ویازندا ن اسیرا ن چنگا ل و
پاشنه اهر یمنی سر نو شت‌سیاه؟
این ما وا ی ابد یت انسا نها ،مگر
چند ده هزار پیکر انسا نها ی‌آغشته
به خون را در سینه تیـــره وتار
خویشتن باید مکتو م و مد فـــو ن
داشته باشد ؟ چرا فر جا م حیات
انسا ن به جز از ین نمیتوا ندباشد
و مرگ مگر خود ادامه زند گی‌است

بشریت ! تو مگر از فرو کش نشش
خونین جگر ی ، پیکر گل گو ن‌به
خون خویشتن شهیدا ن و قربانیان
راه انسا نیت و آزاد ی ودرنهایت
از بلعیـــدن اجساد غرقــه در خون
پاك و مقد س خویشتن میهن پر ‌ـ
ستا ن هیچ هراسی در نهاد خویش
نداری ؟

آری این اوست این انسا ن‌است
این من و تو هستیم که باید تو سن
لجا م گسیخته بیداد را لگا م‌بزنیم
ومهارش بکنیم !

ای گورستا ن ! ای مـــا ورا ی
ابدیت انسا نها ! ای گور خونین
شهید او را گرامی دارد گرامی تـر
از خویشتن ، عزیز تر از تمـــام‌ـ
عزیزان ؟ به مقام والای او . بـــه
شهامت و شجا عت او . به‌پایمردی
او . به ایثار او . به نبرد جان‌بازانه
عادلانه رها یی بخش او .ارج‌بگذار
ارج به خا طر خو ن پا کش که‌نثار
خلقش کرده ، ار ج به رو ح وروان
میهن پرستانهٔ سخت‌تر ازفولاد اوکه
چون صخره تزلزل ناپذیر و کـــوه
گران سنگ تا آخرین رمق حیا ت

است ، بااجساد آنانیکه مز دورا نه
می میر ند واجیر میشو ند وبرا ی
پول جان مید هند ، تادر راه‌خدمت
به خلق و مهد وما وایش ما هیـتا
متفا و ت است .

آری ؟ میا ن مرگ سیاه وسرخ
باید خط فا صل کشید . مر گ در
راه زند گی خلق و توده ها مر گ
به خاطر زدودن اشکها از گو نه‌های
زحمتکشا ن ، سر انجا م مر گ در
راه خدمت به خلق‌و مادرمیهن‌گرامی
تر از همـــه مفا خر زنـدگی وبس
سترك و سرخ است ولی مرگ‌رادر
راه به زنجیر در کشید ن تو ده ها،
مرگ در راه به ورطه نیستـــی در
کشاند ن انسا نیت و بشر یت‌سیاه
تر و سبکتر از مر گ هیـــو لا ی
آدمخوا ر و اهر یمن استم گســـتر
وحشی درنده خواست .

ای گورستا ن ! خاطـــــر او را
مرنجا ن ، او محبو ب ما در و طن
است ، نور چشم میهن پر ستا ن
است اگر دیگرا ن حر یر وپرنیان
به تن دارند او با کفن سر خ‌وگلگو‌ـ
نش ملبس است ، او شهید است،
شهید لیلی شهلا میهن است ،شهید
از رده خاطر پاشنه جلاد ســـفا ك
ارتجا ع است . ای گورستا ن !او
را گرا می دار ، زیرا او برا ی‌تود




**دستگیر نائل**

(سنگی ) دکاندار قریه ماریش‌دم بودنه ، ابروان سیاه و به هم پیوسته و چشما ن برا ق داشت. درساده گی وخوش باور ی خودهم آدم بی جوره بود . در گر ما ی تابستان که در جهٔ حرار ت به چهل درجه هم میرسید ، چپن پخته دار می پوشید . عاد ت داشت که دایم حلقهٔ لنگی خود رابه فر ق سر خود سخت میکرد . در قریه هر کس که اورا بنام اربا ب صدا میکرد ،نهایت خوش میشد واگر بدکا نش می بود . یك پیاله چا ی هم تعار ف‌می کـــرد .

ولگـــر دان و بیکـــاره هـــا ی قر یـــه همیشـــه سبب آزار سنگـــی شده به مسخره گی به او می گفتند:

ـ ((اگه تو براستی اربا ب ما شوی، ماز تو متابعت می کنیم ))و سنگی باخشم می گفت :

ـ ((برین لوده ها ، مه از شما بیزار هستم ، خدا از آدم بیکار و لچك بیزار اس !))

پدر سنگی در زما ن حیاتش‌پیاده (دوك)) اربا ب سابق قر یه بودو سنگی از هما ن آوا ن کود کی تا زما ن جوانی اش ، فکر میکرد بـــه پدرش باوصف تحقیر وتو هیـــن

بین مرد م ، در کوچه ها و پسکوچه هاودر بعضی محا فل خوشی و غم آدمها ی طر ف اعتماد ش را به‌خود نزدیك خواسته ، مفکورهٔ خود را در میان میگذاشت و همکار ی و کمك آنها رابخودجلب میکرد.اما هیچکس به سنگی را ی موافق نمیداد زیراکه آدم غریب وساده دل و بی‌پشتوا نه بود ونمیدا نست که در چنـــا ن شرایطی اربا ب شد ن کار آسا ن نیست .

سنگی هر وقت میخوا ست که دربارهٔ اربا ب شد ن خود با مردم قریه گپ بزند . مسخره‌اش‌میکردند وهر کدام می گفتند :

ـ ((توکه اربا ب میشو ی‌زمین ودارا یی وقدر ت توکو ؟ مهمانخانه و دستر خوا ن تو کجا س ، تره‌به‌ای کارهای کلان چی ؟))

سنگی از شنید ن این حرفهـــا مایوس می شد ، روز ها و هفتـــه ها خاموش می بود و دیگر لب بـــه سخن باز نمیکرد . ولی هر گز از تصمیم خود نمی گشت . تا اینکه توانست نظر یا ت خود را به‌یکعده از اهالی قر یه بقبو لا ند و آنهارا طرفدار خود بسازد . عده یی‌به‌دلیل اینکه میدا نستند این هو سهـــا ی سنگی با طل است ، و کا میا بی

نمی آمد که سنگی در این اقدام‌خود پیروز بر آید .

سنگی در پیش رو ی دکا ن خود بعضی روز ها قصا بی هم میکرد . محتویا ت دکا ن او عبار ت بود از شیرنی ،نمك ،گوگرد ،چای ،صابون ودیگر اشیاء خورد و ریزه که مایحتا ج روزانهٔ مرد م قر یه رارفع می کرد . یکعده اشخا ص که‌گاه‌گاه از دکان او گوشت یا سودامی‌بردند می گفتند :

ـ ((ارباب صاحب ، قر ضـــس باشه حالی بیسه ندارم .))

وبه راه خود می رفتند . سنگی با خوشحا لی از عقب شا ن صدا می کرد :

ـ((فر ق نمی کند ، هیچ پیسه نتین اکه دیکه چیز هم کار با شـــه بیا ببر !))

وقتی مشتر ی براه خود میرفت، با اشخا ص دور و پیش خود مـــی گفت :

ـ بخورند ، ببر ند اما از مـــه خوش باشند . آد م تنها سر ما یه بزرگی که ده زنده گی خود داره ، مردم اس .))

به نظر سنگی وظیفه اربا بـــی بزرر گترین قدرت در قریه بود .او بار ها با افتخار به بعضی هامیگفت

همه میگفت زیرا در
مردم و همسا یه ها
خود را دیده بود که
سپند از دنبا ل اربا
دویدند ، در قضا
شادیها و غمها اربا
است ودایم قدر می
می نشیند . حاکم ،
قاضی ودیگر ما مو
از نظر یا ت او طر
سنگی فکر میکرد که
اربا ب از دیگرا ن فر
بنابر این ، سنگی
که اربا ب شود . ول
دیگرا ن هستند ، بل
به مرد م قر یهٔ خود
وبرادر ی باشد . س
پایا نی که مرد م وا
از نتیجه تجاوز و اس
و صاحب رسو خا ن
همیشه رنج میبرد و
عقده ها در ضمیر وا
رویهم انبا شته شده

یکروز جمعه که م
جهت ادای نما ز به
بودند ، بعد از ختم
خواست که نظر مرد
خواسته واگر ممکن
این وظیفه مقرر شود
از داخل مسجد خار
سنگی دهن دروازهٔ م
با صدا ی بلند خطا

ـ ((آها مرد م !
موسفیدا ن و اها لی
حیث اربا ب تعیین
همه تا ن به ای گپ
هستین ؟ اگه راضی
های خوده آورده به
اگه نی مه بوظیفه و
مصرو ف باشم !))

یکنفر از صا حب
که از فعا لیت ها ی
خبر د ا شت ، و مو
پالید تا در کدا م م
آبرو بسازد ، خود ر
کرده گفت:

ـ ((آدم احمق و

ف خود نظرانداـ
که کسی از اودفاع
ن صدا یی بـــه
ید ، لحظه یی‌خاـ
به آنها یی کـه
فدار ی میکردند ،
گفت :
ها وپلو ها یـیـکه
ا ن تا ن ! چطو ر
نا مرد ها ! حا لی
ن ؟ باید بدا نین
خود گذ شتنــــی

این جملاتش آهسته
مسجد خار ج شد
خیره با نگا ههای
نگر یستند . عده
تند . عده یی مـی
گر ی به این کـار
میشد ند که چرا
داده میشود که در
از اربا بی و مو ـ
و تعداد زیاد ی از
ند ن و اها نـــت
یشدند . پس ازآن
ی نشد . درکوچه
و حتی در دکا نش
.
منده گی و تحقیر
کس نشا ن نمی

سنگی کم کم خود
جالس غم وشاد ی
در بعضی کار ها
شد ستی میکرد و
بتکار عمـــل را از
اربا ب اصلی قریه
این کــــار ها ی
میشد ودر یگا ن
می غر ید :
ه ای کار هاغر ض
گی ، به کار یــکه
ســت نزن و الا
دادم !))
ب غم‌غم میکـرد ،
رابه ار با ب می
طور یکه نشنود ،

از صا حب رسو خان محل در امور قریه اعتبار وقدر ت خود راازدست داده بود واکثر مسا یل میا ن مردم رادونفر از متنفذین (حاجی ملا) و (وکیل نعیم) حل وفصل میکر دند. به همین دلیل بود که ار با ب از کار های سنگی احسا س خطر می کرد .

یکنفر از نزدیکا ن سنگی(صوفی قربان) که از جملهٔ طر فدارا ن او هم بود واز دیر زما ن به اینطر ف با ارباب رجب مخالفت داشت و در اکثر مو ضو عا ت با هم مخا لفت میکردند هم مشو ق سنگی بود . صوفی قربا ن دو جریب زمیـــــن خودرا جهت اعمار نمود ن یك با ب تعمیر برای مکتب طور رایگا ن به دولت داده بود . در حالیکه دیـگر صاحب رسو خان واهالی از آبـاد شدن تعمیر مکتب وارتقا ءبخشیدن ان به صنوف بالاتر ، را ضی نبودند ومی گفتند که بچه های ما مکتبرا در مرکز ولسوا لی یـــا ولایــــت می خوانند و حا جت به ارتقـــا ء بخشید ن مکتب قریه نیست .

**ناتمام**





# منشور ملل متحد و حقوق بشر

«مامردمان ملل متحد اراده کرده ایم کــه نسل های آینده رااز تباهی جنگ نجات دهیم که در عصر ما دو بار، بشر را سخت متاثر نموده است وبه خاطرحقوق اساسی انسانها به حیثیت و ارزش فردی انسان ، به برابری حقوق بین زنان و مردان وبین ملل خورد و بزرگ یکبار دیگر عقیدهٔ خودرا ابراز بداریم این فیصله را بعمل آوردیم که در راه رسیدن به‌اهداف ذیل مساعی مشترك بخرج دخیم .»

مادهٔ پنجاه و پنجم :

ملل متحد بادرنظر داشت‌این‌حقیقت‌که‌برقراری و استحکام شرایط سعادتبار میان ملل که بر اساس روابط دوستی و صلح و برابــری حقوق ملل جهت تعیین‌سر نوشت شان‌استوار باشد یك امر ضروری بوده وبرای تحقق این اهداف نیك مواد ذیل راپیشنهاد مینما ید:

۱ـ بلند بردن سطح زندگی ، محو بیکاری وتامین شرایط بهتر اقتصادی و اجتماعی.

۲ـ حل مسایل مربوط اقتصادی ، اجتماعی وصحی و همکاری بین المللی کلتوری وعلمی.

۳ـ احترام به حقوق بشر بدون درنظر ـ داشت نژاد ،خبس ،زبان یا مذهب .

ماده پنجاه و ششم :

تمام اعضای ملل متحد تعهد مینمایند که بخاطر تحقق اهدافی که در مادهٔ پنجاه وپنجم ذکر شده است بصورت انفرادی و یامشترکا عمل میکنند .

زمانی که اعضای موسس ملل متحد درسال ۱۹٤۵ در سانفرا نسسکو منشور ملل متحدرا طرح کردند آنها هدف اساسی شانرا در فقرهٔ

وظیفه اساسی خود دانست که نخستین‌اعلامیهٔ عمومی حقوق بشر را برای تمام مردمان وملل چه خورد باشد چه بزرگ بحیث یك معیار کار نامه های مشترك طرح کند . ایــــن اعلامیه در سال ۱۹٤۸ بدون هیچ یك رای مخالف به تصویب رسید .

حقوق بشری چیست ؟

حقوق بشری عبارت از آن شرایط زندگی است که بما امکان آنرا میسر می سازد که خصوصیت های ذکاو ت انسانی ووجدان‌بشری خودرا کاملا انکشاف داده واز آن در جهت تسکین ضروریات معنوی خود استفاده نمائیم زمانیکه مااز حقوق انسانی گپ می‌زنیم منظور ما صرف احتیاجات بیا لوجیکی نیست .

حقوق بشری‌بربنیاد چنان تقاضای زیادشونده زندگی انسان بناشده است که در آن حیثیت طبیعی هر انسان احترام و حفظ شود و این امر در اثر آن تسهیلات‌و آسودگی که ساینس وتکنالوجی آنرا فراهم می‌سازد تامین شده می‌تواند .

حقوق بشری برای طبیعت ما اهمیت قابل ملاحظه یی دارد که بدون آن مابحیث‌انسانها زندگی کرده نمیتوانیم .

بوجود آور دن ز مینه‌تشنج اجتماعی‌وسیاسی یعنی خلق کردن جنگها و تصادمات دربین جوامع‌وملل‌درحقیقت‌تخطی‌ازحقوق بشری است حقــو ق بشــــــر ی کــــــــدام‌موضوع مجرد قابل بحث برای فیلسوفان و حقوقدانان

که طی انکشاف طولانی جوامــع دمو کراتیك تــدریجـا تکامل می کنند و دیگری عبارت از آن حقوق اقتصادی، اجتماعی‌و فر هنگــی است که در زمان حاضر شنا خته شده است واین درست همان وقتی است که مردم یقیــن حاصل کردند که تا زمانیکه بعضی حقوق اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری تامین نشود بدست آوردن حقوق سیاسی و مدنی ارزش واهمیتی ندارد .

حقوق سیاسی و مدنی چیست ؟

این حقوق قبل از همه حقوق آزادی و مصئوونیت برای زندگی مااست ما نباید در اسارت زندگی نمائیم . نباید به انسان هیچ نوع جزایی داده شود که غیر انسانی بوده و لطمه به شخصیت آن واردآید مانباید ز جر داده شویم ما همه باید در برابر قانون‌حقوق مساوی داشته باشیم . ما نباید به خواست یك شخص گرفتار ویا به تبعید سوق داده شویم . در صورتیکه کسی مارا به کدام جرم متهم می‌سازد باید برای ما موقع محاکمه داده شود و تا زمانیکه جرم ما ثابت نشده باشد باید بی گناه شمرده شویم . زندگی شخصی ما ، فامیل ما ، خانه و مرا سلات ما باید مصئون نگهداشته شود .

در صورتیکه تحت تعقیب ویا زیر فشار قرار داده می شویم‌باید این امکـــــــان‌را داشته باشیم که بکدام کشور دیگر پناهنده شویم . ماباید حق تعلق به‌یك ملیـــــت‌را داشته باشیم همچنان این قدرت را داشته باشیم که ازدواج نموده و خانواده را بسازیم و خانواده ما باید حق مصئونیت داشته باشد باید حق ملکیت داشتم باشیم .

درین حقــوق ، حقــوق اساسی

حقوق اقتصادی ، اجتم

ها اند :

درین زمره حق کار ک

آزاد کار ، حق شرایط ع

حق مصئونیت بمقابل بیک

هر زن و مردی که یك

انجام میدهند حق دارند ت

یافت نمایند و همهٔ شان‌ح

دارند . داشتن حق شرای

جملهٔ حقوق بشری است و

و خدمات طبی و اجتماعی

درین جمله شامل است م

مستحق کمك وتوجه خاص

کس باید حق تحصیل د

راباید داشته باشد که در

خود طور آزاد سهم گیرند

ای ن دو نوع حقو ق ب

وسیاسی‌و حقوق اقتصا

کلتوری به همدیگر ارتباط

جلداین‌ناپذیراند به عبارت‌د

مدنی وسیاسی بدون داش

اجتماعی و کلتوری ممکن

اسامبله عمومی ملل متحد

تابخاطر حفظ وتامین این‌دو

توجه شود .

آیا حقوق بشری در تم

شکل قانونی بخود گرفته

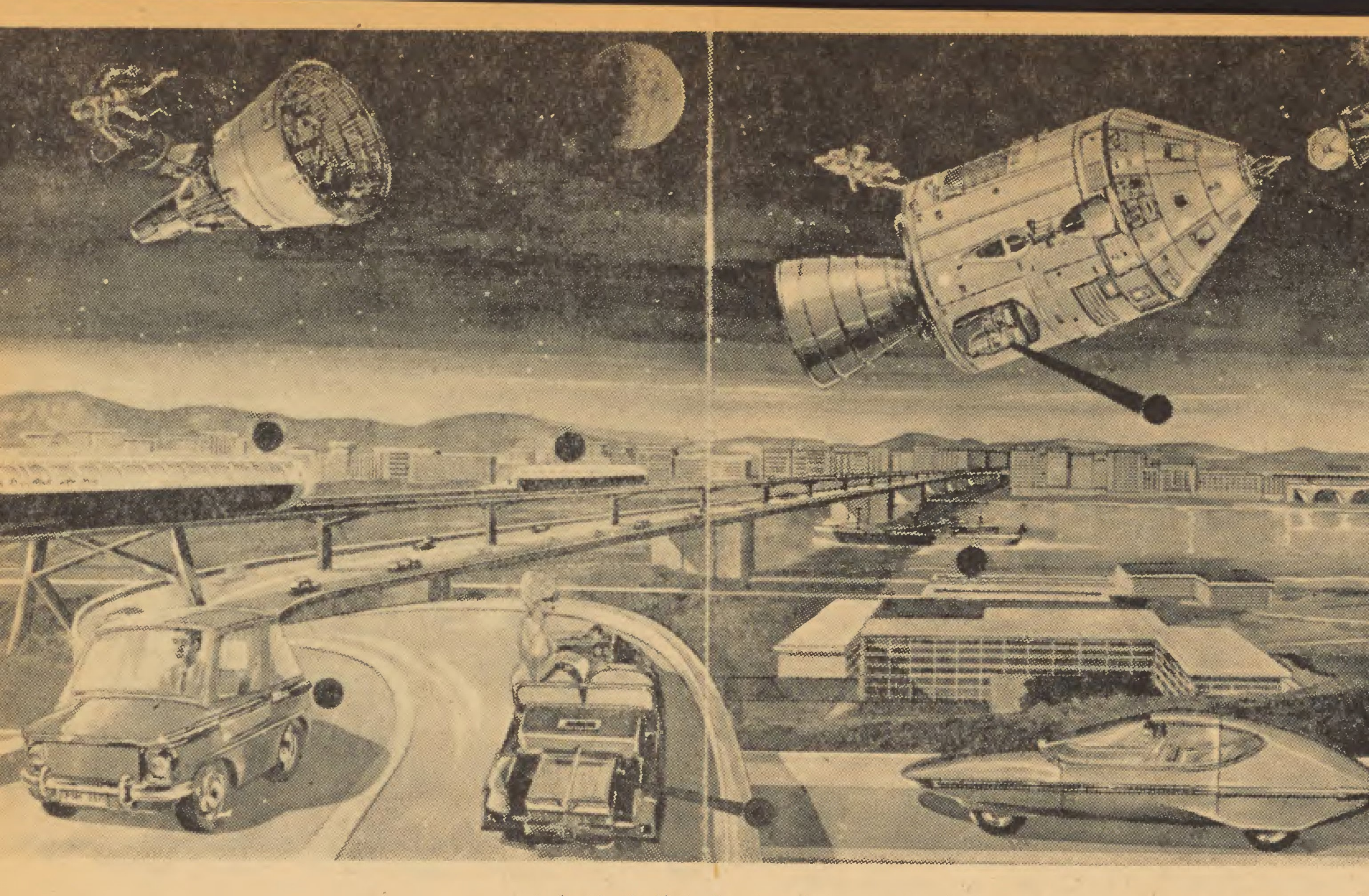
اعلامیهٔ جهانی حقوق بش

و ملل جهان یك معیار مش

از لحاظ قانونی کدام مج

مقررات نیست مگر صرف

اعلامیه از طرف همه کشور



درین تصویر موارد گوناگون استفاده ازبطری های برقی نشان داده شده است .

# لید
# رق
# یوه

روز بیستم و بیست و یکم جو لای ۱۹۶۹ بزرگترین حادثهٔ جهان بشری رخداد ، پیاده شدن انسان بروی کره‌ماه • درین پیروزی تکنالوجی انجنیری صنایع بر قی سهم قابل ملاحظه‌یی داشته است . زیرا پرواز های طویل المدت فضایی بدون انکشاف یك منبع جدیدبرق مستقل از استیشن تو لید برق غیر ممکن‌بوده‌است. سفینهٔفضایی«جیمینی-۵» که‌در۲۱ اگست۱۹۶۵-۱۲۰مرتبه مدارزمین را دور زد یك منبع جدیدا انکشاف یافته قوه برق را درخود دستگاه در اختیار داشت : بطری های برقی ایکه در آنها همز مان‌بایکجا شدن او کسیجن و هایدروجن بخاطر تشکیل آب ، برق نیز تو لید می‌گردد . کپسول‌های اپولو که انسان را به‌سطح کرهٔ ماه پیاده‌کرد مجهز باسه بطری برقی (پی. سی -۳ر۲) بود که باتر کیب نمودن آ کسیجن‌وهایدروجن هرکدام سه کیلووات برق تو لید می‌نمودند.

برق ار تباط نزدیك به تاریخ تحقیقات‌اساسی بالای برق دارد در سال ۱۸۳۹ سر و یلیام گروف برای او لین بار مو فق گردیدتادراثر عملیهٔ کیمیاوی • برقی هاید روجن‌وآکسیجن را با هم تر کیب نموده و آب را تو لیدنماید.

بنابران مفکورهٔ اساسی زادهٔ بطری های‌برقی ایست که در آینده بحیث یك منبع اولی‌قوه برق برای پرواز های فضایی انسان قابل پیشبینی است . مگر ا همیت این منبع برق در روی زمین نیز در حیات روزمره روبه افزایش است صعود درجهٔ آلودگی هوا وآب سبب ا ختراع دستگاه های دارای انجن کم مصرف گردید . در آلمان فد رال کمپنی‌های (ای.ای.جی) ، بوش ، میسر شمیت - بالکو- بلوم - ز یمنس ووار تا با مو فقیت د ر ساختن این چنین ماشین ها قدم‌های نخستین را بر داشتند .

بسیار ی مردم مو تر های بر قی‌رابحیث وسایل آ ینده تلقی کردند • این مو تر ها

شود هنگامی که آکسیجن از فضای خارج گرفته می‌شود هایدروجن مواد ضرورت ا ز مواد سوخت مایع بداخل خود موتر تولید گردد. درین‌سیستم‌یك‌دستگاه‌خورد(ای)توسط بطری هایی‌که قوهٔ سوخت آنرا هایدرازین و آکسیجن از اتمو سفیر ما حول تشکیل‌میدهد فعالیت می کند .

از امکان دور نیست که در آیندهٔنه‌چندان دور اکثر دستگاه ها وو سایط توسط ماشین های برقی فعالیت خواهند کرد که‌ذریعهٔ‌بطری های برقی تغذیه میشوند نمونه این‌دستگاه ها درشکل (اف) نشان داده شده است . مگر قبل از همه بطری های برقی در خفوط ریل (شکل جی) یادر ترافیك زیرزمینی و زیرآبی مورد استفاده قرار خوا هد گرفت که این‌عمل از آلودگی در یا ها وابحار توسط ماشین‌های دیزلی جلو گیری خواهد کرد بطری های‌برقی قبلا د ر سا حا ت کمو نیکیشن مورد استفاده قرار داده شده است شکل (!) .



# بهترین نمونه وطن پرستی جوانان

وطن خانهٔ مشترک ما است و همهٔ افراد جامعه اعم از مردان، وزنان، پیران و جوانان وظیفه دارند تا مطابق بر استعداد وتوانائی خویش در امر آبادی و شگوفانی آن بکوشند و درراه ترقی و تعالیش از هیچگونه بذل مساعی دریغ نورزند.

ولی جوانان این قشر بالنده و پر تحرک جامعه که از نیروی سرشار مادی بهره کافی دارند در برابر ما دروطن وظیفه بزرگتر و سنگین تری را بدوش دارند که نباید در اجرای آن اندکی هم تغافل ورزند.

خوشبختانه جوانان آگاه، وطن پرست و انقلابی ماهمیشه‌و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور که همهٔ داشته های مادی و معنوی کشور به خلق زحمتکش تعلق گرفت این رسالت عظیم خود را به گونهٔ شایسته ب... درک نموده ازاجرای ...

هر کجایی که قرار دارند برای بهبود وضع حیات سیاسی، اجتماعی واقتصادی کشور و جامعه خویش به کارو عمل مفید و ثمر بخش می پردازند سلاح بر دوش می گیرند و از طریق پیوستن به صفوف قوای مسلح قهرمان وخارندوی جوان کشور در کارزار مبارزه با دشمن انقلاب و وطن و مردم خویش حماسه می سازند وبر افتخارات آینده گان میهن خویش می افزایند.

آری!

عدهٔ جوانان وطن پرست وانقلابی ما که مدت زیادی رادر سنگردفاع ازوطن وانقلاب سپری نموده اند و اکنون قهرمانانه بگرفتن ترخیص از صفوف قوای مسلح قهرمان کشور نایل می آیند با درک رسالت تاریخی خود منحیث یک جوان وطن پرست و انقلابی با آنکه دورهٔ قانونی مکلفیت عسکری خود را ...

و جامعهٔ ما فضای آرام و صلح آمیز زنده گی مردم ما را بیش‌از این بر هم زنند مکاتب، مساجد و دیگر عمارات و بناهای عام المنفعه رابه آتش کشند، پل ها و سرک ها را ویران نمایندو ده ها و صد ها تن اززنان ومردان آزاده کشور ما را با بیرحمانه ترین شیوه‌هایی‌به قتل رسانند.

این است بهترین نمونه ومثال وطن پرستی و شیوه مردم دوستی که جوانان آگاه، انقلابی ووطن پرست ما در وجود خویش تبارز می دهند و این همه فداکاری ها و جانبازی ها وقهرمانی های جوانان انقلابی ما همواره در شهر وده در قریه ها و دردره ها مورد استقبال پر شور و زایدالوصف مردمان آزاده کشور قرار می گیرد و کافه مادران و پدران ما که حس وطن پرستی ومردم دوستی چون خون دررگ رگ از وجود ایشان جریان دارد

از داشتن چنین فر...
پرست وسر سپر...
مردم وانقلاب نجا...
بخود می بالند و ...
نمایند.

یقین کامل دار...
آزادی بخش ثور د...
وپشتیبانی بید ر...
زحمتکش کشور بخ...
جوان و پر تحرک...
زودترین فرصت...
نهایی نایل می آ...
را که امروز خای...
برای در هم شکست...
کوبیدن انقلاب مل...
تیک ثور تو طئه می...
نک به خرچ می ده...
زوال و نیستی ا...
سپارد.

عاقبت پیروزی...
زحمتکش کشور ما ...
جوانان طفلان مر...
افغانستان، آزاد ...
خواهد بود.

---

حیات الله (نبرد)

# نیروی جوانان رشد یابند...

درشرایط معین اقتصادی واجتماعی‌یک‌جامعه، این مسئله‌کهٔ جامعهٔ شکوفان و مرفه بدون کار وپیکار انقلابی کارگران، دهقانان، کسبه کاران و سایر توده های زحمتکش جوان پا به عرصه وجود گذاشته نمیتوانند، به بارها به میان آمده و مورد بحث و مذاکره همه جانبه قرار گرفته است.

این یک حقیقت مسلم و اشکار است که در جوامع بورژوازی نسل جوان زحمتکشان در امر زوال و انهدام آشیانه نظام کهن و رو به نسیتی سرمایه داری ...

گون مبارزه حرکت...
و انکشاف بخشید...
پیروزیهای چشم گ...
شده اند. بطور مث...
آسیا- افریقا و امر...
اکنون درجنبشهای ...
وانقلابی نقش قا...
گرفته اند. در مما...
درچنین شرایطی ک...
کلتوری، فرهنگی...
واجتماعی مردم ب...
میباشد، دراثر مظا...
مرتجع، محافل ح...
لگران خارجی حن...
سواد آموزی نیز ...

اینگونه جـوامع
.ارند برای آماده
لیکه اکثریت آنها
بی که حتی بـهٔ
ن ابتدا ئـــی
د بـه کـــدام.
دشـوار لا ز م
هـــا ی ا خیر
دمو کرا تیـــك
حا ظ رشد ،سا
مما لك پیشرفته
ـقر نها به عقب
لر یا ت و تیز
یدئولوگهای خشك
که میگفتند ،بدون
نمود ن مر حله
بو جود آورد ن
گر ی نا ممکـــن
تکا مل اجتما عی
ط بطلا ن کشید.
لبقه جوا ن کارگر
حلا ل و نا بودی
ر ی و استعماری
مما نطور در باز
پر توان آنها این
ه است که یـــك
شکو فا ن وفاقد
ی از انسان رااعمار

ز ما ن افغانستان
کت انقلا ب شکو
فز یند ه ثـــور
رآگاهانه جوانان در
تکاملتری قرارگرفته
که بطور عام تمام
اخص آنها ئیکه
خو یش را آگا نه
ك کرده اند . بیش
کر وظایف ومسو
ن بدو ش دا رند .
وا مع بشـــر ی
نا ع همیشه کو
وانان را از آموزش
دا نش متر قی و
دا نند و آنها رادر
طر یقه ها تلقینات

نسل جوا ن اهمیت بسزا ئی دارد، رهبر بزرگ انقلاب کبیر ا کتو بر درسال ۱۹۲۰ د ر کنگره سـوم جوا نا ن مبا رز رو سیه را جــع به وظا یف اسا سی جوا نا نفر ـ مودند (( ما یك جا معه خو شبخت ومرفه را تنها و به اساس دانــش مکمل ، سا ز ما نها ، تا سیسا ت، نیروی بشر ی وو سا یلی که از ـ نظام کهن به ما به میرا ث ما نده اعمار کرده میتوا نیم ، تنهـــا با آمو زش سا لم جوا نا نو بــا تغیر بنیا د ی در آمو ز ش آ نها با و ر حا صل کرده میتوا نیـــم کــه تلاشهای آنـــها بر عـکس ـ جا معه کـهن حتما به سا ختمان یك جا معه خو شبخت و مر فه به پا یا ن میر سد .

در شرایط خا ص اقتصا د ی و اجتما عی یك جا معه مسله تر بیت وپرورش جوا نا ن با ید با د قــت وژرف بینی کا مل بر رســـی گر دد ، که جو انان آ گا ه بــر رسا لت تاریخی خویش چه رابا ید بیا مو زند و بخا طر حصو ل نتایج مطلو ب و همه جا نبه و سیستم آموز ش چطور با ید عیا ر شـده با شد .

جا معه ما که در یك مر حله جدید انکشا ف تمد ن تاریخی قد م گذا ـ شته جوا نا ن با درد میهن بیشتر با این سوا ل مو ر جه اند که باید چه را بیا مو زند و امسلو ب آمو ـ زش آ ن چطور با شد ؟ بطو رساده ومختصر گفته میتوا نیم کــــــه آمو ختن اید ئو لو ژی علمـــی و انقلابـــی آن راه قـــبـول شـده و و اقعی است که امروز مشعـل راه جوا نان مبارز و پیکـــا ر جو ی سیا ر ه ما ا ست و در پر تو همین را ه در خشا ن و متر قـی کا ر وا نهای بز رگ بشر یـــت به مدا ر ج وا لای تر قی و خو ـ شبختی نا ئل گردید ه و میگردند.

# تربیت جوانان برای انجام کار های صنعتی

جوانا ن قشر فعا ل جوا مــع بشر ی را تشکیل مید هند و سهم فعال آنهادر کلیه ساحات حیات اجتما ـ عی بخصوص در به رسانیدن جوامع شا ن به مدارج عا لی تر قی نقش عمد ه رابا زی میکنند . البته ایـن مأمو ل زما نی بر آورده شـــده میتوا ندکه امکا نا ت لازم در اختیار آنها قرا ر داده شد ه با شد ، وبه تر بیت سا لم آنها تو جه خا صی مبذو ل گر دد .

در جو ا مع متر قی که کلیــه امکا نا ت و تسهیلا ت لا زم د ر اختیاراقشارمختلف اجتماعی گذاشته شد ه و بدو ن هر گو نه تبعیضی در جهت رشد و شگو فا نی استعداد های نهفته آ نها اقداما ت لا ز م صورت میگیرد در جهت تر بیـت سا لم جوا نا ن در سا حا ت مختلفه نیز اقدامات لاز م صور ت گر فته

جو ان را در کار ها ی عملی و اندو خته ها ی نظری شا ن کمـك میکنند .

در حدود شا نزده هز ارکار گر مجر ب و کا ر مندا ن ما هــــر کا ر نجا ت و ور کشا پ هــــا دا نش آمو زان را در آمو ختـــن کا ر ها ی عملی کمك میکنند تنهـا در دو را ن تطبیق هفتمین پلا ن پنجسا له ((۱۹۷٦ - ۱۹۸۰ ))کشور بلغا ریا در حدود سی و سه هز ار سا حه کا ر بر ای آشنا یـــی جوانا ن با کار ها ی عملی مو جود بود .

آمو ز شگاه تخنیکی و یلیهــم پیك مطا بق به شعارخود:متخصیصین آینده با ید مطابق خوا ست عصـر وزما ن خود تر بیت یا بند عمـل میکند از چند ین سا ل بد ینسـو آمو ز شگاه مز بو ر طبق موا ـ

ورکشا پ ها و لا برا توار ها ی آن وفرا هم آو ر ی تسهیلا ت لا ز م و استخدا م ماهرین ورزید ه بخا طـر پیشبرد هر چه بهتر ا مور آموزشی کمك مینما یند . دا نش آمو زا ن بعد از خذ یك کو رس در زمینـهٔ آشنا ئی با طر ز کا ر در ور کشاپ های جا ییکه د ر آن جـا بـــا انو اع مختلف کار ها ی تو لیـدی و تر میمی آشنا یی حا صل میکنند میتوا نند جهت آمو ختن و اشتراك در کار ها ی عملی به و ر کشا پ ها برو ند . سیستم تعلیمـــی در و ر کشا پ ها و لا برا تو ار ها ی مختلفه آمو ز شگا ه به گو نه ها ی مختلف صور ت میگیرد .

طو ر ی که ا نجینرمینچو پخچوف آمرآموز شگا ه تخنیکی گسترش پیهم پروسهٔ تر بیت استعداد ها ی تو ـ لید را تشر یح کرد کار خا نه بشکل

# خنده خنده خنده

## برای شما انتخاب کرده ایم



مادر اوبچه بیا برو بیرون‌وقتی اینجا استاده باشی حواس پدرت خراب میشود وظرفها را پاك نمی شو يد .

## جواب درست

چند ی قبل ، فرا نك سینا ترا به ریو دو ژانیرو مسا فر تکرد و اتفاقا روز ی نان چاشت‌رادرباغی با سوفیا لور ن ستاره معرو فخورد خبر نگار کنجا و مر تبا عقب‌فرانك سینا ترا میدو يد و می خوا ست بداند برای چه او با سوفیا لور ن نان چاشت را صر فکرده .

باالاخره فرانگ سینا ترا ازدست خبر نگار به تنگ آمده بود اورا به کنار ی کشید وگفت :

ـ حا لا که شما واقعا علاقمندید بدانید که به چه واسطه اس‌باسو-فیالور ن غذا خورده ام وچو ن من؟ بینم پسر خوبی هستی حا ضر م راست بگو یم .

خبر نگار فورا گو شها ی خود را خو ب متو جه حر ف هـای آن ساخت و کا غذی رابرا ی یاداشت آماده کرد .

فرانگ سینا ترابا خو نسرد ی گفت : علت اصلی این بود که‌ماهر دو مانده خیلی خسته شده ایم می خواهم که در با غ خستگی ما رفع شود .



بلی خواهر جان شوهرم بسیارآدم خوب است ه... آفتاب دادن به‌لب بحر می آیدخودرابه مطالعه مصروف...

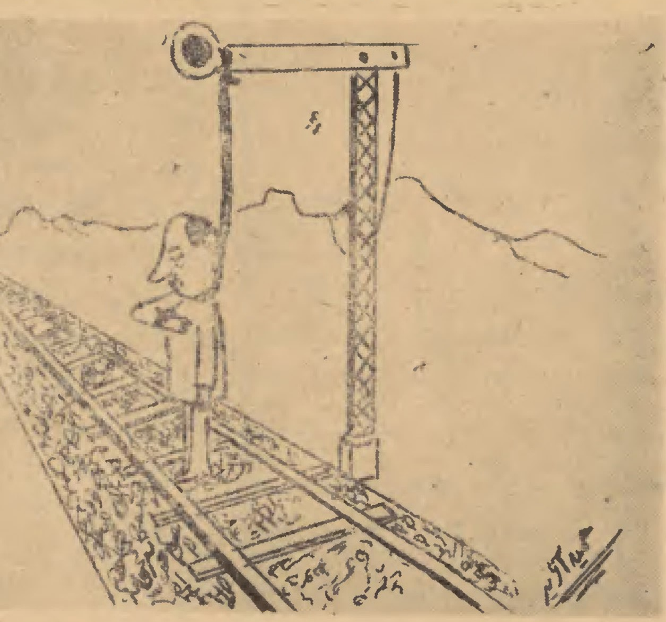
## چار ماه‌میشود که‌مریض...

در یکی از صبحگاه که تازه آ فتاب‌بشاخه‌های درختان جنگل تابید... چشمه‌با یك فیل بر خورد کرد ... موش‌بدیدن جثه عظیم فیل ... انداخت و گفت :

ـ اوه ، تو چه بزرگ و قوی هستی ؟ فیل هم نگاهی به ... وتوچه کوچك و ضعیف و ریزه میـزه‌هستی ؟

موش باتاثر سری تکانداد و گفت :

ـ آره ... میدانم ... آخر سه چار مـاه‌بود که مریض بودم !



دیگر صبر نمی کنم واین خـودکشی از خاطر ز... لباس عروسی بـرای طوی بـرادرخود جور نکند .



# بازهم سر و کله تو پیدا شد

دونقاش راجع به شاهکار یهای خود صحبت می‌کردند ... یکی از آنهاگفت :

ـ من یکروز عکس مادرم را در روی تابلو بقدری طبیعی کشیدم ودر اتاق گذاشتم که وقتی ز نم وارد شد، با عصبانیت روبه‌تابلو کردو گفت :

ـ باز هم سر وکله تو پیدا شد ...

خود بعد چه گفت :

وبعد با ناراحتی و عصبانیت لنگ‌کفشش را به‌روی او آنقدر کوبید که تابلو تکه‌و پاره‌شد.

نقاش دومی لبخندی زد و گفت :

ـ ولی این چیزی نیست .

ـ چطور ... این مهم نیست ؟

ـ نی جان ... برای اینکه من عکس‌خودم را روی یك تابلو بقدری طبیعی کشیدم که شب اول زنم دستش را دور تا بلو حلقه کرد وبوسه‌یی به آن‌زد و گفت :

ـ عزیزم : برای چه رنگ بوی میدی... بیا بریم بخوابیم .



...اراحت میشی ؟

... که ماچ کردن را یادبگیرد .

## مرد خواب‌دوست

...ه همکارش کردوگفت :

...ی او لین بار صبح ... از خواب بیدار کرد .

...دوگفت :

...ه ام کوبید !

...ن که جدیدا اپار تمانی ...از بچه های همسایه

...داری ؟

نمی دانم صاحب :

ـ چطور ممکن است که آدم سن خودش را نداند !

بچه جوابداد :

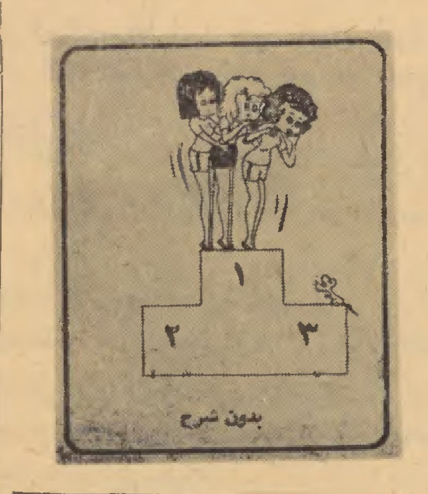
راستش را بخواین آ قا، چیزی که من میدانم این است که وقتی بدنیا آمدم مادرم سی سال داشت و حالا بیست وپنج ساله اس .



پدر جان دوهزاربرایم بدهید تا دستکش ولباس اسکی بخرم :

مادرش ترا بخدا برایش بدهید که بچه پس رفته نشود .

زن اولی به دومی : آن مردکه سرجه میخورد شوهرمن است دیگر پول باقی نماند برایش اسکی بخرم !!





بدون شرح



زن به‌شوهر- عزیزم بیابیرون‌که اسکی ها امانت است اگربرایش ندهیم بدکار میشود .





بقیه صفحه ۱۷

# نثر آهنگین...

مشو ق قلم بدستا ن اند . مر جع‌واور گا نی است که سعی می ورزد ازموقف نویسنده در اجـــتما عپشتیبانی کند وبه دستاورد کـا ر شاعر ونویسنده پا س بگـــذارد .اتحادیهٔ نویسندگا ن ، شاعـــر و نویسنده را از کمنا می نجا ت‌میدهدو تشویقش می نما ید .

* ــ چه کتابها ی را مطا لعه‌کرده‌اید وکدا م آثار مورد پسند تـا ن بوده‌است ؟

** کتـابها ی فراوا نی راخوانده‌ام‌واثر فنا ناپذیر ویکتور هـوگورا بیش از حد دوست دار م . بینوایان‌ویکتور هوگو دل سنگ را آب می کند . هنوز به خاطر م هست کـــه‌چگونه بالطف وشفقت میـــتوا ن انسان ددمنش وشرور رابه انسان‌مهربان و رو ف تغییر داد. کتـاب شعر میر زاده عشقی شاعر ایرانی‌را می ستا یم که علیه ظلم وستمگری داد سخن داده وانگشت انتقاد نهاده‌است .

همینگونه آثار چخو ف ، بالزا ك،جك لندن ، پوشکین‌وماکسیم‌گورکی را خوانده ام که فیض بسیار برده‌ام‌وافق ودید گاه ها یم را گسترشـ داده‌است . مجلات وجراید وروزنامه‌هارا هم مرور میکنم واز آنجا ییکه علم ودانش راپایانی نیست تشنـهٔ‌آثار ارزشمند ی هستم که برمعلو- ماتم بیفزا ید واز وقایع دا غ روز وجریانا ت ادبی کشور آگا هی بیا- بـــم .

* وحا لا از خود ، تحصیلا ت وهمکار ی قلمی خویش با جرا یـــد بگویید ؟

** مکتـب ابتدا ییه را درفیض‌آباد مسقط الرا سم تکمیل نمود م ویك سا ل هم در متوسطهٔ آنجا که‌تازه گشایش یافته بود به تحصیل پرداختم اما نسبت کمی‌نصاب‌تعلیمی‌یاهردلیل دیگری متوسطه فیض‌آباد لغوشد وبا همقطارانم به وعده مقا مات آنو قت برا ی ادامه تحصیل به کابل فرستاده خوا هیم شد که‌نشدبعد درسا ل ۱۳۲۷ شا مل ماموریت شد م .

از سا ل ۱۳۳۵ همکار ی ا م رابا روز نا مهٔ بد خشا ن شرو ع‌کردم که در سا ل ۱۳٤۰ این همکار ی‌به‌همکار ی شعر ی مبد ل شد وتاحال ادامه دارد . آثار م به صور ت‌پرا گنده از آنروز ها که نخســـــتین ((شعرك)) هارا گفتم تابه امرو زدرروز نامهٔ محیطی بدخشا ن ، روزنامه های مرکز و رادیو افغانستا ن نشروپخش گردیده است .

**نمونه کلام :**

کنو ن بنگر که هـــر سو کــــارجـــاریست
ترقی این‌ز مـــا ن بهتر ز پا ر یســـت
همه در یك هد ف با عـــــز م‌محکـــــم
به کار آغشته‌در شهــــر و صحــــار یست
تپید ن هر کجا بینـــــــی زیاداســـت
از آنکه قـــو م‌مـــا مر د ا ن کــــا ر یســـت
پژو هشـــ پیش رفته فضــــل‌یاری
[illegible]

به دهقا نی بکن پیو ســـــته‌کو ششــ
که کار شـ‌بر همــــه یــك پ...
ز انوا ع حـــبو ب با ید بـــکارنـــــد
اگـــــرگـــند م و یا جو ی...
سعاد ت خوا ه قـــو م آر یـــابا شــ
نکو یـــــی‌کا ین بد خشی یا...
الا ای انکه دار ی فهـــــم وا لا
بکو گفتار تو چو ن...
وطـــن چشم امید ی از تـــــودارد
خرا به‌ما ند نش دا ن شـ...
با بنا ی و طن کـــن رهنمـــایــــــی
که‌اینهم‌پیشـــه خـد مـ...
بحرفت گر عمل هم نیســــــت((ناطق))
همین گفتن دلیل...

بقیه صفحه ۲٤

# تربیت و تاثیر...

شوند آنها خودرا در ردیف بزرگا ن جا میدهند . و آرزو دارند به ایشان احترا م قایل شوند .

چون تجربه کا فی ندارند ودانش شا ن به پختیگی نرسیده ممکـــن است گا هی اعما ل خنده آور وگاهی تاثر آور از آنها سر بزند . که به وسیله ان اعما ل ــ آنها میخوا هند تا شخصیتی را که آرزو دارند ــ در محضر دیگرا ن تبارز دهند .

ــ تقلید از بیگا نگا ن ویا کششـ به سو ی مود ها ی عجیب وغر یب لباس سگر ت کشید ن طغیا ن علیه مفکوره ها ی گذشته و قبو لاند ن شخصیت و امیا ل خود و غیره‌همه ازهمین جا سر چشمه میگیرد . .

گرچه عده ی از وا لد ین ایـــن موضو ع را جد ی گر فته ودرصدد اصلاح آن می برایند و لی عد ه‌ی هستند که در ین مورد بی اعتنا یی ازخود نشا ن داده خود واطفا ل‌خود را به دست قضا می سپا رند . و عده ی هم هستند که متا سفا نه‌با این پدیدهٔ همه گیر ــبر خورددرست نکرده و شیوه ها ی را پیش‌میگیرند که نو جوانا ن آن را تحمل کر ده

خاطر شا ن فرا هم...
باید تا حد ی است...
دوست و رفیق داد...
شان احترام گردد.

ــ میتود اساسی...
جوانان عبار ت از...
ثابت کرد ن و همچ...
غیر مستقیم آنها م...
هنگا م منا قشه ه...
والدین موثر واقع ن...

ــ درین دوره انک...
نوجوانا ن ار تبا ط...
کمك ومسا عد ت...
والدین با ید علاقـ...
را در زند گی عمیق...
وسایل خو ب آن...
بازدید ازموزیم ها...
موسیقی ــ رسا می...
بدنی خواند ن کتا...
باشد .

ــ بد نخوا هد...
در باره انتخا ب م...
اطفا ل خود با آنها...
وآنها را متو جه بار...
سازند . زیرا اغلب...
مسئاله راساده گر ف...
وسطحی گرا یی‌به...
برعلاوه تجربه کا فی...
ندارند .

ــ درین دوره تاث...

## ...داستانهای عجیب ....

... به سیر دایمی‌در
... مثل گلها وانواع
... بارنگها وشکـل
... وبو ی زیبا که
... رطه ورند .گیتی‌با
... را ت و ستاره های
... نبساط و انقبا ض
... اکتشا فا ت وعلوم
... ی دیگر ، وافسانه
... ا ن ها که برا ی
... میگو یند ، و از
... ی شا ن سخن ها
... مو ضو عا ت‌جالب
... پیشکش نمود ن
... کا ن امروز باشند
... است که درهند-
... سا ن هنـــد ی ))
... را ی چــند روز
... شو ند ،و یابروی
... ، بدو ن اینکه‌کدام
... بکنند ؟ آیا ایـــن
... واقعا به بد ن‌شان
... این مسئله انعکا-
... ن علم اناتو مـــی
... ط فرد ی که ایـن
... را انجا م مید هد

... پشیما ن نیستم
... ن باید در رو ی
... ، البته نه بشکل
... مجزا از دیگران ،
... عا ت در باره‌تمدن
... و ن دانستن‌نکاتی
... مز ما نشا ن، واز
... با شند که هرروز
... و هستند ،ومحنت
... نی را نشنا سند،
... ، که تما م جهان
... ت ، و آنها بـــا
... ی جز ء اسا سی
... ی را تشکیـــل

در باره پر ند‌ه‌گان فضا یی نــه تنها مارا به شکل ابتدا یی طیاره‌رهنمایی نموده ، بلکه با عث آن شده که با عملیا ت خستگی ناپذیر منظو مــه شمسی را دریا فته ، وبد نیا های دیگر راه گشا ییم .

امپیر ، لو میرو مار کو نی‌خواب های بسیار ی دانشمندا ن را بـــه واقعیت قابل لمس بد ل سا ختند ، وما هم زمینه ها ی رویا و داستان های حیر ت انگیز رامیتوا ن بگو نه روشن باطفا ل پیشکش نموده ،تا تکنو لوژی پیشر فته برا ی شا ن قابل پذیرش ودر ك گردد.

برا ی کودکا ن خالی از دلچسپی نیست که بدانند تا سیستم برقی قلب کشف گردیده ،و نبض و حر- کا ت‌آن توسط دستگا هی کنترو ل کننده هدایت میشود ، و نکــا ت دیگر ی درین زمینه ها که بسیا ر است .

پیدایش ماشین بخار نقطه عطف بزرگی درد گر گو ن نمود ن زندگی اجتماع ی بود ه ، و چه اندازه‌رویاها وفر ضیا تی که دران تحو ل بارور گردیده است ؟

خیلی پیش رهبرا ن کار گران جها ن زند گی بهتر وانسا نی‌تری رابرا ی انسا ن پیش بینی کرده اند وبزرگترین نما یندگان فلسفه مار- کسیزم از چشمه های جوشا ن‌این علم جر عه ها نوشیده اند ، که‌برای قرن ها ماندگار بوده وپر از گرمی است ، و همچنا ن مبارزا ت گونا- گون بشر ازان پی گیر ی شـــده ومیشود ، واین ما مو ل تو ســط نیرو مند ی و ذکا و ت ووجـدا ن آگاه کار گرا ن و دهقانا ن برآورده گردیده است .

آنها دریچه یی پیروز ی و فتـح را نه تنها در بخش تیور ی فلسفه مار کسیز م بلکه در موردتحکـیم وهمبستگی کمپ سوسیالزم‌گشوده اند .

بر همین انگیزه برا ی من آشکار است که در آخر و حله با یســتی مسیر ی جا ذب وگیر نده‌برای‌امروز کودکان پیشرو ی شا ن باز نمود ، طبعیتا از جوا نب مختلف چنـــین معلو م میشود که باید این مسیر شکوفان ، از گز ند بمب های‌ساخته شده ویا سا خته نشده در امـــان گردد .

بیایید که بنگریم چگو نه سنگ ها به بلور تبدیل میشو ند،وچگونه درخت ها نمو می کنند ، گل میدهند میوه میکنند ، وبا لاخره نفس مــی کشند و چگو نه گل به میوه بد ل میشود ؟

اجازه بد هید که مار کو نی‌های دیگر ، ولیو نارد ها و امپیر ها و لومیر های دیگر بیا یند ، تا روشنی وآواز رابما بد هند ، والفا ظی رابه ما بیا موزند که بسطح جها نی بین خود اعتماد ی واقعی کسب کنیم و آینده ای بدو ن گر سنگی ،جهالت وفرو مایگی داشته باشیم .

---

بقیه صفحه ۳۷

## موتر،شهر ...

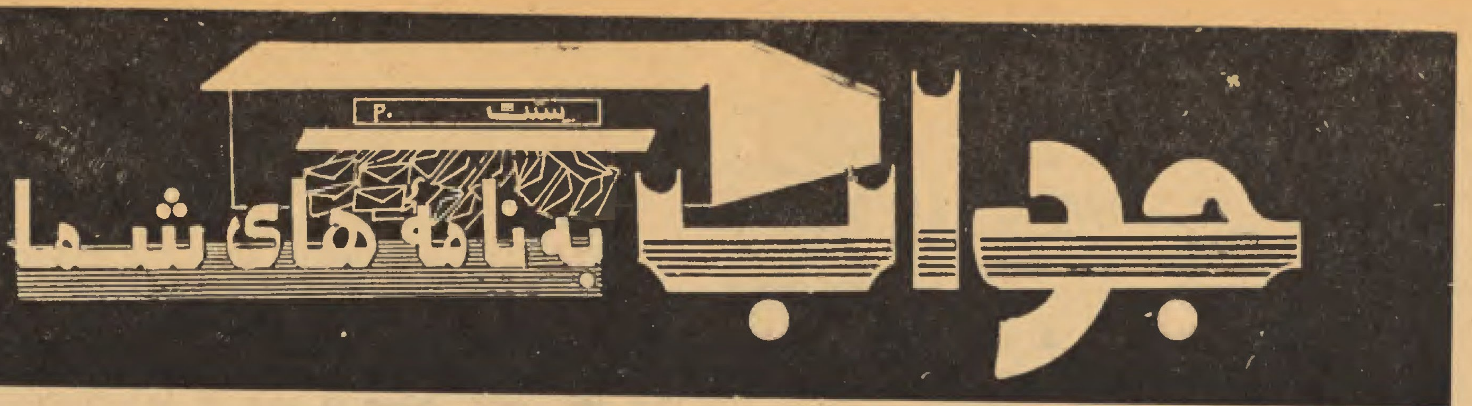
در اتحاد شورو ی برا ی اینکــه معلو م شود را ننده قابلیت رانندگی را دارد وسایل ماشینی ایجاد شده

در سا ل ...۲ تعداد مو تر های تیز رفتار در اتحاد شوروی از چهل تا پنجاه میلیو ن عراده خوا هدبود وباوجود گستر ش خدما ت ترا - نسپور ت عمو می موتر ها ی تیز رفتار شخصی بیست چند خوا هد شد ، تنها در مسکو این مو ترها به یك سا حه پنجهزار هکتـــار ی ضرور ت دارد .

موضو ع سفر سریع ومطمئـــن در شهر ها ی بزرگ از طر یق‌بکار انداختن ترا نسپور ت عمو می‌سریع می تواند حل شود .ایجادترانسپورت بدون عراده و سر یع اکنون صرف یك خیالی نیست . ممکن است در

زیاد حل خوا هد کرد . همین قسم برا ی طی مسا فه ها ی کو تاه ، مترو ها و کا بین ها ی سر یـــع بهترین وسیله خوا هد بود .

آورد ن کا هش در ترا فیـــك مزد حم شهر ی با ین معنی است‌که شهر ها آرامش بیشتر میبا بنـــد وآن روز دور نیست که کا بین های سریع بـدون صدا شبیه طـیا رات بدو ن با ل در شهر ها ی بزرگــك به حرکت افتند . به کار افتاد ن وسایط نقلیه جدید هم برا ی‌زیبایی شهر و هم صحت مرد م مفید است زیرا از آلو دگی محیط ، گردوخا ك ودود و همچنان سرو صدا به کلی می کا هد .




سلام علیکم همکاران ونامه نویسان ۰
بانثار درود های‌آتشین به شما همکاران
عزیز شروع می کنیم به‌پاسخ نا مه ها :
دوست عزیزاسدالله مفتون محصل‌پوهنځی
فارمسی چکامهٔ عاشقانه ات راباهم میخوانیم:

دیشب که تو مست از می‌ناب شدی ۰
آرام و قرار این دل بیتاب شدی
چون کشیدم تنك در آغوش تـــرا
لرزان و بیقرار چو سیماب شـــدی
چون شدی مست زرخ افگندی نقاب
زیبا و دلکش چو جلوه مهتاب شدی
مستانه خندیدی‌ورقصیدی با ناز وفسون
گه برسر لطف وگه بر سر عتاب شدی
بانگاه مست وآن لبان می‌پرست
یکتاوبی مثل چون گوهر نایاب شدی
«مفتون» نوشید بادهٔ‌ناب‌از ساغر لبهایت
آن گاه که توخراب ازمی نـاب شدی

وحالا که فرصت از دست رفته میسر است
سلام هم برایت میگوییم ۰ وخداقبول فرماید
آنگاه که لولی مست ، نقاب به یکسو زند
وچهره بنماید جزپاره سنـگ بـی رمـــق
و لطف چه میتوان دید ؟ آنان معشوق‌شاعران
مان راهم از دست شان گرفتنوکی میتواند
بگوید : «زیباودلکش چو جلوه مهتاب‌شدی»۰

دوستان عزیز روشانه رزین و حمیده‌مبارز
همکاران خوبمان‌این حقیروفقیر را با محبت
های دوستانه شان خیلی نوازش مینمایندو
میفرمایند :«۰۰۰ پاسخگوی عزیز ودوست
داشتنی ۰ خیلی مسر ورم از اینکه از طریق
نامه میتوانم هفته یکبار شمارا ملاقات میکنم
اما متاسفم از اینکه روی مبارك شمارا دیده
نمی توانم وبه آرزو هستم که روزی بینم
خدا کـند شما هم در قابل احساس و علاقه
من نسبت بخود تان بی احساس نباشید و
حقیر نشمارید واین منتهای علاقمندی است

رادرك می‌نماییم مگر نگفته اند که نامه‌نصف
دیدار هست ، بهر رنگ مطالب خوب انتخابی
خویش را در صفحه «از میان فرستاده های
شما» مطالعه فرمایید ۰ به امید همکاری شما،
سلام نگفته را حالا میگوییم ۰

دوست عزیز آمنه دوستیار
باسلام عرض شود که «شعر ورسم » شما
را گرفتیم ، چیز های دیگری بفرستید:

آنکس که دلی بدست آورد ۰
با مهر خدا ی خویش پیوست
نا کام نگردد از محبت
آنکس که زجام دوست شد مست

به امید همکار یهای ثمر بخش تان

دوست عزیز بل بیر سینگ پهواه
همکار شریف و خوب ما مینگارد: «... من
به نویسندگی علاقهٔ خاصی دارم واز دیـــر
گاهی مینویسم ۰ دود استانم درسالهای‌پیش
در کمکیانو انیس به نشر رسیده است ۰
فعلا که‌به جوانی رسیده ام تابه حال سه‌ـ
داستان دیگر نوشته ام که مورد پسنددوستان
و خویشان قرار گرفته است ۰ دوستانم نظر
دادندکه این داستان رابه ژوندون بفـرستم
تابه‌نشر رسد . جوابگوی محترم اگر داستانم
قابل چاپ بود طرحی نیز برایش بریزید۰۰۰»
با عرض سلام اضافه کنیم که باپشتکارو
تـلاشهای پی گیر میتوانید داستان نویس
خوبی شوید ۰ نخست خوبترین و بهترین
داستانها را مطالعه کنید . بدنیست که از
چخوف ، داستان نویس معروف شروع کنید۰
داستانها یش را بدقت بخوانید ، ببینیدچگونه
شروع میکند و مطلب را چگونه بیان میدارد۰
داستانهای ماکیسم گور کی را هم ناخوانده
نگذاریدوازدیگران‌راهم. امااز‌قصه های‌حیرت‌ـ
آور امیر عشیری ، پرویز قاضی سعید و
کرمانی چیزی نخوانید که دیدشمارابه بیراهه
میکشاند ۰ بخاطر تشویق و دلگر می شمابه
نوشتن ، بخشی از نوشتهٔ تانرا به نشر

مانباید زمینرابرای‌سیرنمودن شکم فیودالها
قلبه کنیم، سالهای متمادی پدران ما برای
تهیه نمودن غذا برای اربابان خویش کمرخم
نمودند ، خود شان ازگرسنگی جان میسپردند
ولی پاداش زحمت وکارخودرابدهن مفتخواران
میا نداختند ، هر قدر کار میکردند به همان
اندازه شکم شان خالی میبود درست مثل ماو
شما ، مگر حالا وقت آنست که مادر مقابل
چنین بیداد گری ها بپا خیزیم تانسل های
آینده ما از گرسنگی ، وسر ماجان ندهند۰
ما شب و روز مانند ماشین یکنواخت کار
میکنیم ، آنها می نشینند ومیخورند، ماعرق
میریزیم واز هر قطرهٔ عرق ما مشروب‌مینوشند
پس به چنین بی عدالتی ها خاتمه بخشیم‌وبا
اتحاد همه یورش سوی این طفیلی هابریم‌و
برای همیش آنها رانیستو نابود سازیم۰
«هر دیپ پال » سواد نداشت ، مگر مدت
که فکر قیام علیه زمینداران رابا اتحادسایر
دهاقین بسر خود میپرورانید ، انتظار چنین
روزی راداشت‌که درمقابل فیودالها ایستادگی
نماید وبه‌کمك مردم،ده رازاچنگال فیو دالان
بدر آورد ۰ او درین ده تولد نیافته ولیکن
بامردم رنجدیده و رنجکشیدهٔ این محل‌بسیار
همکار بوده در درد و غم های شان شریـك
بود ، در وجود ش شـعله های مبارزه وقیام
برافروخته میشد لیکن نمیتوانست به تنهایی
برعلیه این دژخیمان بپاخیزدبازن ودوپسرش
از دیر زمان درین نواحی اقامت گزیده در
طفولیت مادر ودر جوانی پدرش رااز دست
داد وضعف اقتصاد اورامجبوربترك زادگاهی
اصلیش نمود ۰
امروز تقریبا سایر دهاقین بخاطر شکوه
از ظلم ، گرسنگی وشکنجه زمیندار به گرداو
جمع شده بودند ، «پال» نیز آنهارا در راهٔ
مبارزه و قیام سوق میداد ، از آنها خواستار
همبستگی کامل بود ، در جریان سخنرانی

دوست عزیز محمد ظاه
عمر شهید ۰
بـا سـلام صمیمـانـه
داستان کوتاه طنزوارهٔ ت
زیادی داشت این مطلب
که زبان نوشتار جزی ا
زبان گفتار جزو دیگر آ
تان را به زبان گفتار
غلط محض نیست ۰ درد ا
شخصیت قصه ، گاهی از
میشود تا قهرمان قصه
گردد ۰۰۰ اینکه میخواست
نویسان تازه کار را نشان
بود ، اما نشا ن دادن
نبود ، چونکه بفهمی یا
را مسخره نموده‌بودوبس
وچاپ آن نوشته ، زبان
بی اعتبار گردد وزبان
ارزشمند شمرده شود، ام
به شکل بهتری دو بار
بفرستید ۰ اکنون چاپش
مطلب دیگری گسیل دا

* *

همکار ارجمندمادرنامهٔ د
حکایت و قصه‌ی از چشم
که اگر لیاقت چاپ داش
نورزید ۰ میخواهم بگوی
از نگارش این نبشته ر
دوستان است و بس ۰
خواستارم که اگر این حک
می افتد بنویسند تا حک
کنم..»همکارعزیزچه‌درباب
داریم اما با آنهم به نش
مشوره میدهیم که قصه
نسین ، برا نسیلا و نو
بخوانید .عشق در لب

## هستی

سرمه ، خاك كوی‌ترا
بخشم ، آب جوی تـــرا
د وپاك تـــو سو گند
سرت کنم عدوی ترا
ید مر ترا خواهـــم
م جلوه گاه روی تـــرا
زمستی بیاد تو ر یزم
ـا بادهٔ سبوی تـــرا
اس دل دوم چـــون‌موج
ازین بحر جستجوی ترا
، جلوه از شکوهمندی
ود، برك وباروبوی ترا
نغمه های‌عشق تو شد
ن کـــی دهم شکوهی ترا
خوش نـــوای آزادی
ذره های و هوی تـــرا
ابا» و «هندوکش» سوگند
م تـــار تـــار موی تـــرا
امیر و عشق پـــامیزاد
شارد کسی گلـــوی ترا
هر یرود و غرش آمـــو
کند چشم خیره سوی ترا
سلیمان و سخرهٔ سالنگ
وجان همیشه خوی تـــرا
وبه‌کهسارآسمان سایت
، رهت خواهم آبروی ترا
سقت سرود هستی مـــن
، نام بس نیکوی تـــرا
بت باقری از بدخشان

---

دختراست یاپسر موهایش
ی با پطلون کوبائی کثیف
شاید شاگرد مستری‌باشد
گریخته با پیرا هنی که
، بفاصله چندین متراز
که برای موش در دهن
نماید درآن جاکمین گرفته
ست شدن دختران از مکتب
جیب بیرون کرده‌ودر لب
ی میکند . و هنگامیکه آن
اکتور آینده» رامی بیند
رکت می افتد و موقعیکه
د اورابشدت شانه میزند.

کرده روان است که ، قربانت شوم ، دوستته دارم ، چقه مقبول‌استی، مه زغمت دیوانه شدم .

دختر رویش را بر میگرداند وبا عصبانیت میگوید :-

برو گمشو رنگته گم کو ، بلا دقواریت ، الله چقه بیشرم استی .

جوانك که دانست از ساحه مکتب بدور رفته پشت اوراها کرد وپس بسوی مکتب روان شدبعدازآنکه باعث‌اذیت چندتای دیگر گردید، جوانك‌بخانه‌رفت . روزدیگرباز همان خرك ودرك ، ولی جوانك اینبار کمی خود را لوکس کرده و يك جمپرکه‌پشت و پیشرویش شمع وپروانه وقلب تیرخورده رسم شده‌بود با پطلون که وضع‌آن هم بدتر از جمپرپروانه دار بود در همان جای سابق پشك واری‌منتظر دختر ایستاده تاآز مکتب بیرون آمد .

جوانك قواره کچالو مانندش را درآیینه دیدو مستقیما بطرف دختر روان شد .

سلام جانانه ای دادو گفت :- چطور استی عزیزم ، دیروز خو خوب ناز کردی مگم‌هوش کو که دگه ناز نکنی که دل عاشقه میکفانی.

دختر :- خاك دسرت باز آمدی ،قواریته ببی، چه بلاستی ، بد قواره .

جوانك دست هـایش رادر جیب کرده ودر حالیکه از خوشحالی بر سرپنجه هایش مانند فیل مرغ راه میرفت واز خنده دهنش تاگوش هاباز شده بود .وقواره اش هم شکل آدم های فلم کار تونی را گرفته بود گفت :

اینه مه نگفتم که بازایتوگپ های بده نزن که خوشم نمی آید، تره بخدا اگه دگه‌ایتوگپ هاره بزنی، مه دوستت دارم ، بسیاردوستت دارم تو بسیارمقبول استی، توقابل دوست داشتن استی ، باور کو مه تره بسیار بسیار دوست دارم .

دختر از این گپ‌هازیر لب خندید و بدون آنکه جواب بدهد براه خود رفت .

پسرك هم که کمی رضایت طرف مقابل‌را جلب نموده بود از خوشحالی نزدیك بود که مانند پوقانه دیواری بتر کد .

دخترك کم عقل به خانه‌رفت وشب در خیال پلوغرق شدوباخود وزوزمی کرد آنطور یکـه در فلم های عشقی دیده بود .

خیال پلو می زدکه باآن ژیگلوی کچـالو مانند ازدواج کرده و زندگی خوشی دارد و آرام و خوشحال است.موتر شیکی زیرپایش [illegible]

هم هیچ نبود ، او چه پروا داشت .)

لباس هایش را که اتو کرده بود به یکسو به احتیاط گذاشت تا چملك نشود . خودش که اصلا با نام درس وتعلیم آشنا نبـود و مکتب را جای روز گذرانی فکر کرده بود . دستکـول خـود را کـه بجز ازلب سیرین کریم ، رنگ ناخن ، قلم ابرو و غیره لوازم آرایش نشانی از قلم وکتاب و کتابچه درآن دیده نمی شد مرتب ساخت و ساعت موعود که فرار سید کالا را به چان کرد بکس‌آرایش مکتب را برداشت و مکتب رفت . در صنف هم قصه آن جوانك در فکـرش بـود کـه اورا دوست دارد وبسیاردوست دارد، واه‌واه ساعت رخصتی رسید .با خوشحالی تمام‌از مکتب بیرون شد .ازدوردید که جوانك (مگس هر دوغ ) درجای سابق (وظیفه‌دار) است .

برای اینکه نزد حریف کم نیاید خود را پندائد وبه همان شکـل خشمگینانه دیـروز وپریروز به راه خود روان شدو جوانك از پشت سراو.بالاخره‌جوانك درحالیکه حرکاتش به رقص غربی می‌ماند به معشوقه (!) اش گفت :-

عزیزم : حالی می فهمم که تو هم مره دوست داری ، از همو لبخند های دیروزت مه فامیدم که مره تودوست داری . مم تره بسیار دوست دارم ، حالی خواهش می‌کنم که بزبان خود بگو که آیا مره زیاد دوستداری؟

دختر با نازوکرشمه کمی باشرم وآهستگی جواب داد - ها ، تره مم بسیار دوستدارم.

جوانك که کارش را ساخته دید گفت :- خی ، عزیزم فردا می‌آیی‌که بریم چکر بزنیم.

دختر با آهستگی :- ها، مگم دکجا ؟

جوانك ژیگلوبا خوشحالی:-تو قبول کردی؟ قربانت شوم . سبا ساعت ۱۲ ونیم رو بروی سینما پارك .

دختر: - ساعت ۱۲ ونیم ؟ مکتب چطور میشه ؟

جوانك به تیزی در حالیکه از خوشحالی جمنا ستیك میکرد جواب داد :-

هی تو دغم مکتب هستی ، مکتب چیست؟ اونا که ادرس خاندن چه کردن که تو بکنی؟ اینه مره ببینی چار ماه میشه که مکتب ها شروع شده هشتاد روز غیر حاضر هستم (افتخار کن) درس خاندن چه بدرد میخوردو مکتب رفتن چه فائده داره ، زندگی دو روز است ساعتته تیر کو ، تو بیکار ماندی که مکتب میری .

رفتند . روز ها به‌همین‌ترتیب گذشت .دست بدست گاهی در کنار سینما پارك و موقعی‌هم در پهلوی هوتل باغ بالا بودند ،یکروزجوانك پیشدستی کرد و دستش را بگردن دختـرك انداخت و اورا بوسید ، دخترك کمی شرمید امااروز دیگر شرمی در میان نبود ...

بالاخره رابطه هابر قرار گردیدو روز های چندی هردو در پهلوی همدیگر بودنـد و خوشگذرانی کردند تا آنکه جوانك دختر را ترك گفت . دخترکه‌آن ژیگلو را عاشق‌واقعی فکر کرده بود . وقتیکه این بی وفائی رادید لرزه بر اندامش افتاد و به مثل یخ زده‌ها شده بود .

بعد از آن روز شب وروز گریه می‌کردواز دهن و چشم وبینی اش خون سفید جاری‌بود.

دخترك چون دیگر چاره نداشت مجبوراً به مکتب رفت یعنی چاره نداشت که مکتب‌نرود زیرا چند روز بعد امتحانات شروع میشد. چند روز بعد امتحانات آغاز شدو روزیکه حاضری و غیر حاضری شاگردان را اعـلان کرد دخترك محروم شده بود .»

وتا هفته آینده خدا حافظ شما

والسلام

## مهدقدیم

ایـــوطــن ، ایکشور افغا نیان
کـــوه ودشتت صحنهٔ رزم آوران
سر زمیـن مـــرد خیز ورزمجو
ما مـــن پرا بهـــت زحمتکشان
بودی تـــوام با شکوه و منزلت
در طی اعصارو ادوار زمـــان
کــرده نشات نور علم و معرفت
از تو بـــه آنسوی دور دست‌جهان
مردم تـــو در طریق امن و صلح
کرده جدو جـــهد دایـــم بیگمان
دارند عقیده به ایـــن اصل نیك
«صلح و دوستی باهمی بادیگران »
قوم افغان دوست دارد خاك خویش
بوده دایـــم در صف آزاده گان
کرده دفـاع از حق و ناموس‌خود
داده مصاف با صف غـــارتگران
میشود آبـــاد ایـــن مهد قدیم
با تلاش وسعی قشر نو جـــوان

به صفحه ١٤

# نگاه بتاریخ چند...

ورروحانیو ن علیه اپار تا ید صریحا
توضیح شده و میشود .
در تحت چنین شرایط بحرا نی
هم بورژوا ز ی بزرگ افر یقا ی
جنوبی به نیرنگها ی گو نه گو ن‌در
پی چاره جو یی برا ی حفظ منا فـع
آزمندانه شا ن بوده و((ستراتیژی
جامع)) بوتا در پی نظا می نمود ن
بیشتر از پیش‌سـ رتا سر ی کشور
می باشد . با آنکه در زمینه‌انکشاف
اقتصادی اجتماعی و ملی ا فر یقای
جنوبی تدابیر لازم اتخا ذ نگردیده
مگر به ارزش ملیارد هادالریك‌شبکه
بزرگ صنعت تولید مهما ت وسلاح
های نظامی به خاطر الحاق نیروی
دولتی بانیرو ی انحصارا ت وسر
کوبی نهضت رها یی بخش ملی قبلا
درین کشور تاسیس گردیده است.
شرکت ار مسکو ر که کنترو ل
کمپنی های تولید کننده سـلاح ،
مبارزه علیه ما شینر و تو ضیـح
تقا ضا نا مه ها میا ن کمپنی‌ها ی
تولید کننده سلاح در آن را عهـده
دار است درسا ل ١٩٦٨ ع سی ودو
میلیون راند (واحـد پول افریـقای
جنوبی) و٧٩٧ میلیون رانـد رادر
سا ل ١٩٧٩ مطا بق تخصیصی که
برایش منظور گردیده بود بد ست
آورد علاوه بر آنچه گفته شدکمپنی
مذکور کار (٩) کمپنی تو لیدکننده
سلاح (دولتی ) را هما هنگی‌بخشیده
وبرا ی یکهزا ر و دو صد فابریکات
شخصی که سلاح تو لید میکنندفر-
مایش تهیه سلاح را تدار ك میبیند
وشرکت مذکور برا ی انجا م اینهمه
کار ها یش یکصد هزار نفر را به
کار گما شته است .
باید گفت که بخش اعظم محصو-
لات صنعتی بیش از چهار هـزا ر
فابریکه افریقا ی جنو بی راوسایل
وسا یط و مهما ت نظا می که ازهمه
آنها به مقا صد تبعیض نـژاد ی
استفاده بعمل می آید تشکیل مـی
دهد .
از سا ل ١٩٧٩ بدینسو هفتادو-
پنج تا هشتاد در صد کلیه نیا ز
مندیها ی رژیم نژاد پر ست‌افریقای
جنوبی در خود آن کشور تو لیـد
شده و ما بقی آن را باتخطی‌ازفیصله
نامه ها ی سازما ن ملل متحد کـه
فروش هر نو ع سلاح رابر ین‌کشور
ممنو ع اعلام کرده انحصارا ت‌امپر-
یالستی غر ب تهیه میدا رند مگـر
بیخبر از آنکه اینهمه تلا شهـا ی
خاینا نه و مذبو حا نه احمقا نه‌بوده
ودر مد ت زما ن کوتاه نظا م‌خونین
ونژاد پرست افریقا ی جنو بی به
شکست قطعی موا جه شده و وارثان
اصلی افریقا ی جنو بی حاکم بـه
سرنوشت شا ن میشو ند .

بقیه صفحه ١٢

# دست‌ها و تارها..

نیرو ها ی ((سحر آمیـز )) را در
اختیار دارند در راه بنیاد موا نـع
فراوا نی ایجاد میکنند ، امابا لاخره
باهمکار ی صمیما نه سیمر غ کـه
کودکا نش به وسیله بنیاد از آسیب
«مار» ها نجات ، یافته است، دیو
به دست بنیاد از میا ن میرود و با
نیستی نیرو ی اهر یمنی‌مرد م‌شهر
((شگوفان)) نیز آرا م میگر دندوبه
زند گی شاد خود ادامه مید هند.
می بینیم که در تیا تر گود ی‌ها
با همه سادگی یی که مو ضـو ع
نمایش دارد وباآنکه حیوانا ت ،دیو
ها،غول ها، و مسایل جادوو سحر
درآن نقشی ستر گ دارند هیـچ
یك از این ها به عنوا ن شخصیـت
فرد ی پادر صحنه نمیگذار ند ،بلکه
بـرای ارائه مفا هیمی از ا نـسان
دوستی آزاد ی خوا هی ، صلـح
پسند ی والقا ی آن در ذهن‌ناپخته
نو جوا ن در پشت هر یك از آنا ن
مفا هیم بزرگتر وپیچده تر قـرا ر
گرفته است ، چنانکه دیو فقط یك
موجود افسا نه و ی نیست بلکـه
نمادی است از نیرو ها ی‌اهریمنی
وضد مرد می ویا سیمر غ کـه در
همه ی مبارزا ت پیروز میگرددنشانی
است از پا ك نهاد ی و به‌خوا هی
برای مرد م و می بینیم که درایـن

مضمون ها همه جا
اهریمن شیطا ن منش
ودیگر ی اهو را مز
نیك اندیش با هم در
خر نیز پیروز ی از
که در جهت حق ودا
وانسا ندوستی گا م
زبا ن نیز در تیا
است نیرو مند و تو
زبا نی که ویژ گی ه
این نو ع تیا تر به
دیگر تیاتر ها ی نو
بخشد ولذت شنـو
نگر نده افزو ن میگر
با آنچه که گفتهٔ
در بلند برد ن سطح
خاصی خود ودر در
ارزش ها ی اجتما ع
سیاسی اش و آنچه
یك جها ن بینی واق
ارزش فراوا ن دارد
امید واریم تبادله
فرهنگی کشور ما با
بیش از این گسترش
اخص تر گروه ها ی
کودکا ن ونو جوانا
در کشور ما موقع ه
وبرا ی به وجود آور
از اینگو نه مو سس
گامهای استوار برد

بقیه صفحه ٤١

# چراغ فرجام...

خونش رامیکده بابی مرو تی باسفا-
هت تما م عیار و با و حشیا نه‌ترین
شیوه انسا ن کشی .
آری ! هیچ حیوا نی نمیتوا ندد ر
نقش یك انسا ن باشد ، و لی‌بسی
از انسا نها ی د دمنش هستندکه

داشت وجلادا ن اورا بر تختهٔ ننگ
ورسوایی میخکو ب خوا هندکرداگر
بالا ترین معیار انسا نیت ، اگـر
بهترین معیار انسا ن دوستی وهوما
نیز م ،واگر سنگ محك خد مت‌به
خلق وتوده ها سرباز ی به‌مفهـوم
واقعی کلمه آن باشد ، این شخصیت
سترگ و هر شهید دیگر که ایـن
افتخار را دارد پس خا طره تابناك
شهدا ی راه آزاد ی وانسا نیـت-

بقیه صفحه ٢١

# مکتوبات...

((آواز ی با طرا ف رفته است
که کسی من بعد متعر ض حا ل‌تجار
نمیشود ، بعضی از ایشا ن جسته
جسته بدین جا نب متو جه میشوند
اما بعضی از ... ظالما ن بهرنوعی
که میتوانند ورای تمکه (وا حدپولی

ثروتمند وبا معا ر
کنین آنرا خوشحا ل
علت است که او نز
عزیز بوده ،وایشا
شخصیت انسا نی
زیرا اویار و مدد گ
است .

مدیر مسوول : را

# ...ۀسرباز

...ا با لا ی‌شا ن تعرض
...انی هیچ نمیتوا نم
... را برا یت مجسم
...حنه ها وا قعأتوصیف
... . رفقای ما با شجا-
... به آخر ین سنگر
...و رش بردند . سنگر
... آنها در هم ر یخت
... گان را باخود آور-
...ما ن صحبت نمود یم
... ی خود را برا ی ما
... . دو باره در قر یه
...ی شرو ع شد. چند
...ه ما بطر ف مکتب
...ا ختما نی مکتب
...ردیم . میدا نی با چه
... ن اها لی مکتب
... ه را آباد کردند . ما
...شت و گل میاوردیم
... داو طلبا نه پو لجمع
...، چو ب ها را آما ده
...ا لا ی سقف ها ی
... شتیم ، مکتب بعد از
...و بتر از او ل آ باد
...ا لی قر یه پیر وجوان،
... گند یاد میکرد ند
... دشمنا ن و طن اجازه
... تا مکتب اولا د های
...س بکشند . جوا نا ن
...وپ ها ی مقاو مت را
... ند و امنیت قر یه
...ودند . همه شا نسلاح
...تند و به در وزمین‌های
...ع کردند . همه برا ی
... (( خو ب شد شما
...نی درو ها ی مامیماند
...می تکید .))
...رگاه آمدیم و تر تیبا ت
...ل را گر فتیم بعداز
...یل مو فق و پیروز بر
[illegible]

عزیز م ! اکنو ن عشق من پذ یرا گردید ه ، دامنه آ ن وسیع شد ه ، به عشق تود ه ها عشق بمرد م و انقلا ب مبد ل گر د یده است . حا ل قلب کو چکم آرزوهای نجیبا نهٔ حزبم را ، خدمت بمرد م را، نجات آنها راازرنج‌وبیسوا دی، فقر و جها لت ، در خود جا ی داده ا ست . اکنو ن آنقدر عشق در قلبم جای گر فته، آنقد ر احساس انساندو ستی در من زنده شد ه که تفسیر آ ن نا ممکن است با انهم میخوا هم از تو خوا هشی کنم ، برا یم جلد دو م کتا ب «فولاد چگو نه آبد یده شد» را روان کن که مطا لعه نما یم.مطا- لعه با چرا غ فلیته ای کیف دیگری دارد ، جلد اول آ ن در وجو د م شعلهٔ را فر وزا ن کرد که هر گز خاموش نخوا هد شد .

عشق مرد م ، وطن ، انقلا ب وتوده ها در و جود م شعله و ر گردید ه است . هر لحظه د لم میخوا هد پر واز کنم . من به اقتضا ی این احسا س از تو میخوا هم بیش از ین کمکم کن وکتا ب د یگر ی را بنا م ((وظیفهٔ مقد س تو )) بفر ست،زیرامیخواهم از آن نیز وظیفهٔ خود را بهتردرك کنم . درین کتا ب شعا ر ی نو شته شد ه ، قهرما ن آ ن با تحمل رنج ها ی بیکرا ن و مشکلا ت گو نه‌گونه میدا نی چه نو شته است . وقتی او تصمیم گر فته را ه ها ی دور و دراز را طی و بمرد م ایکه از افراط مرض مرگ آ نها را تك‌تك میبرد خو د ر ا بر سا ند ، ضمن یخبند ی و سر ما ی طو فا نی که وجود ش را فر ا گرفته بود نو شته که: ((من خود م را میسو زم تا بد یگرا ن رو شنا ئی ببخشم . )) واینك من نیز با تما م عشقم وعده مید هم که خودم را میسو زم تا دیگران را نجا ت دهم .

افسو س که اد بیا ت نمیدا نم تا حا لت درو نی خو یش را برایت تجسم میکر دم .روحم ، روانم، آرزو یم ، امید ها یم همه و همه متو جه میهن و انسا ندو ستی میبا شد . من انسا ن ز حمتکش‌را دو ست دا رم و با ایشا ن علا قه گر فته ام . هر گز د لم از ا یشان دور نخواهد شد . میدانی ،خواب، استرا حت تفر یح ، و شا د ی را فرا مو ش کرده ام . در برا بر اطفال اهالی که صبحا نه مکتب میروند باتمام احساسم‌نگاه میکنم.از چهرهٔ آنها ، صداقت ، ا ستعداد ، تفکر و اند یشمند ی را ملا حظه می نما یم . میخوا هم برا ی‌زند ه نگهدا شتن این آرما نها کمکم کنی .

خو شبخت با شید .

بقیهٔ صفحه ۱۳

# اشعهٔ لایزر و..

بود. درسا ل ۱۹٦۷ داکتر ال مازو هنگا میکه او یك قسمت عمده و مر کزی یك شریا ن عصبی را تحت شعا ع لایزر قرار داد در یا فت‌که فشار شریا نی خو ن مریضا ن مربوط به سر عت بعد از اولین تطبیق شعا ع تا هش یا فته‌وبعد از تطبیق بیست تجر به در مورد ،فشار خون مریضا ن مذکور استقرا ریافت واین کار الی چند ین ماه شکل نورما ل خویش را حفظ کرد . این نتایج بعدا توسط سا یر مطالعا ت درمورد ، تایید شد . باین معنی‌که دوتن از دوکتورا ن انستیتو ت تحقیقاتی پتا لو ژی منطقو ی در قزا قستا ن اتحاد شورو ی بعداز استعما ل اشعه لایز ر بر (۱۱۸) مریض مصا ب به فشار بلند خون ... بعد از تطبیق شانزده هوا تیر ی مریض طور قابل ملاحظه افزایش یافته سر فه او متو قف و یا خیلی کم گردیده است . این حالت تقریبا برا ی نصف سا ل‌دوام داشته است .

امروز از اشعه لایز ر درتداو ی یك تعداد امرا ض معینی دیگر نیز استفاده شده واین پرو سه درسر تاسر اتحاد شوروی که در آن کشور خدمت طبی و تعلیمی‌برای عمو م مجانی ورایکا ن است ، در حا ل گسترش میباشد .

در مسکو از شعا ع لایز ر در معا لجه مر ض اسچیمیاو در- منسك از آن در معا لجه تو مور ها ی معینی استفاده می شود .کذا استفاده از اشعه لایز ر درکلنیك های کیف ، لیننگراد ، ستا ر تو ف او دسیه وسایر شهر ها ی‌اتحاد شوروی جریا ن دارد .

یك پرو فیسر طب درپو هنتون الماتا گفت مسا له استفاده از اشعه لایزر چنانکه در نظر او ل معلوم

لایزر نشا ن داده که اشعه مذکور به حیث یك کل نتا یج مثبت رادر حالات واشدا ل خفیف امرا ض بار آورده ونتایج ان در تداو ی یك‌تعداد امراض در مرا حل‌اولی وا ضح‌بوده است ومریضا ن به میتود جد ید معالجه جوا ب مسا عد گفته اند ، معهذا در بعضی حا لات پیچیده نتایج میتواند بهبود موقتی تلقی شود . مخصو صا هنگا میکه بعوض رفع علل مر ض بر نتا یج آن‌متمرکز بود. طور مثال فشار بلند خو ن‌فقط اخرین ارتبا ط در سلسله طو لا نی وپیچیده سیستم عصبی است که‌با ایجاد کوچکتر ین تغییر در سطح ما لیکو لی تغییر می کند . البته تاثیر مطلو ب وقتی حا صل خوا هد شد که مابدانیم که چگو نه میتوانیم تغییرا ت در سیستم عصبی را از طریق انداختن شعا ع لایزربر ناحیا مربو ط متو قف سازیم .

تحقیقا ت برا ی قرار داد ن اشعه لایزر به حیث آله مو ثر در دست

